





۹۵ ق خ  
۱

شماره

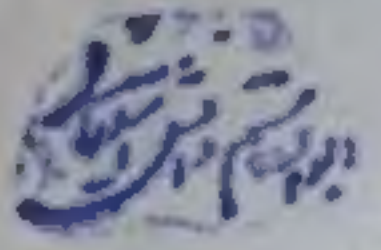
۶۷۵

فهرست

۱  
بسمه تعالی

این مجله کتاب بافت بدیه دیگر از طرف فنی  
حاج محمد حسین آقاباکی کتابخانه مبارکه سید اعظم قم  
ایجاد گردیده و در نیم ربیع الاول ۱۳۸۰ ه. ق.

نیت ذکر گردیده



سرپرست کتابخانه مبارکه

نام کتاب	تاریخ ثبت دفتر
شماره عمومی	شماره خصوصی

۱۳۸۰  
۴۵۸۳

مختص بکتابخانه مسجد اعظم - قم

۱۳۸۰  
۴۵۸۳



۵۲

لکھنؤ

وفا

چون که بخت ز بیمه جید بسازد خست آید نه بر جبهه دی تا سر این  
 فتح کردید بار حقین تبرک و یاد بود از هر خیر است با تقصیر این  
 رزبه بکمال فخر ابدی بنام احوال محمد حسین اقبال در روز شنبه

تاریخ ریح ۱۲۷۹ هجری قمری

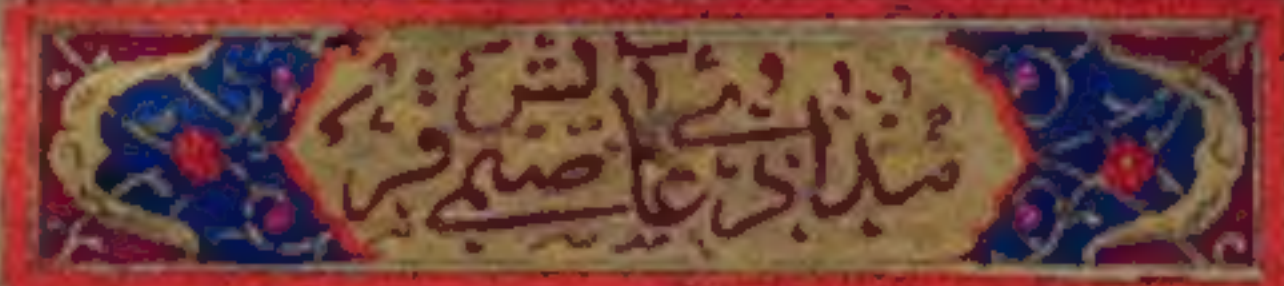
الحمد لله رب العالمین

عمره ۱۲۸۰ هجری قمری

ای که مستطاب را با یک کتاب دعا خطی  
 و هر که دردی آید طر آن فاسد آردی  
 که با سحر و جادو و کیمیا و سحر و جادو و کیمیا  
 و سحر و جادو و کیمیا و سحر و جادو و کیمیا  
 و سحر و جادو و کیمیا و سحر و جادو و کیمیا  
 و سحر و جادو و کیمیا و سحر و جادو و کیمیا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى  
 أَهْلِ بَيْتِهِ وَخَلِيفَتِهِ وَوَلَدِهِ  
 وَافِيكُمُهَا وَابْنَيْهِمَا الَّذِي خَلَقَا أَمْرَكَ  
 وَأَنْكَرَا وَحَبَبَكَ وَجَعَدَا إِنْعَامَكَ وَ



این بیان بسم الله الرحمن الرحيم  
 سلام بر ای خاندان همدان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى  
 أَهْلِ بَيْتِهِ وَخَلِيفَتِهِ وَوَلَدِهِ

وَافِيكُمُهَا وَابْنَيْهِمَا الَّذِي خَلَقَا أَمْرَكَ  
 وَأَنْكَرَا وَحَبَبَكَ وَجَعَدَا إِنْعَامَكَ وَ

وَافِيكُمُهَا وَابْنَيْهِمَا الَّذِي خَلَقَا أَمْرَكَ  
 وَأَنْكَرَا وَحَبَبَكَ وَجَعَدَا إِنْعَامَكَ وَ

وَافِيكُمُهَا وَابْنَيْهِمَا الَّذِي خَلَقَا أَمْرَكَ  
 وَأَنْكَرَا وَحَبَبَكَ وَجَعَدَا إِنْعَامَكَ وَ

وَافِيكُمُهَا وَابْنَيْهِمَا الَّذِي خَلَقَا أَمْرَكَ  
 وَأَنْكَرَا وَحَبَبَكَ وَجَعَدَا إِنْعَامَكَ وَ

عَصَبًا رَسُولَكَ وَقَلْبًا ذَنْبَكَ وَحَرْفًا

كِتَابَكَ وَاحِبًا أَعْدَاءَكَ وَجَحْدًا الْإِنْسَانَ

وَعَظْلًا أَخَاكَ بَيْنَكَ وَأَنْطَلَا قُرْآنَكَ

وَالْخَدَا فِي أَيْمَانِكَ وَعَادِيًا أَوْلِيَاءَكَ وَ

وَالْبَا أَعْدَاءَكَ وَخَرَابِيْلًا دَرْكًا وَاقْتَدَا

عِبَادَكَ اللَّهُمَّ الْعَنَهُمَا وَأَشْبَاهَهُمَا

وَأَوْلِيَاءَهُمَا وَأَشْبَاهَهُمَا وَمُجْتَمِعَهُمَا

فَقَدْ أَخْرَجَ بَيْتَ النُّوَّةِ وَرَمَا بَابَهُ وَنَقَضَا

سَقْفَهُ وَالْحَقَّ سَمَاءَهُ بِأَرْضِهِ وَعَالَمَهُ

بِأَقْلِهِ وَظَاهِرُهُ بِيَاظِنِهِ وَأَشْبَاهُ صُلَا

بِأَقْلِهِ وَظَاهِرُهُ بِيَاظِنِهِ وَأَشْبَاهُ صُلَا

بِأَقْلِهِ وَظَاهِرُهُ بِيَاظِنِهِ وَأَشْبَاهُ صُلَا







وَحَوِّشْنَعُوْا وَكَذِبْ دَلْسُوْهُ وَحَكِّمْ قُلُوْبُوْهُ  
 وحق که منع کرده اند در دخی که مشتبه ساخته اند و حکم بیدل داده اند  
 اَللّٰهُمَّ الْعَنَهُمْ بِكُلِّ اَبَةٍ حَرَفُوْهَا وَوَرَدَتْ  
 خداوند لعن کن ایشان را بر آید که غیر داده اند و راهی که  
 رَزَقُوْهَا وَتَسْتَبِيْهُ غَيْرُهَا وَرَسُوْمُ مَنْعُوْهَا  
 ترک کرده اند و سستی که غیر داده اند و رسوم که منع کرده اند  
 وَاحْكَا مَعْطَلُوْهَا وَبَغِيْ نَكْوُهَا  
 و حکمهای که معطل کرده اند و بستی که نیکبند  
 دَعُوْا اَنْطَلُوْهَا وَبَيْتُهُ اَنْتَرُوْهَا  
 دعوی که باطل کردند و ستادی که منکر شدند  
 وَحَبْلُهُ اَحَدُ ثَوْبِهَا وَخَبَانُهُ اَوْ رَدُّهَا  
 دگرگونی که عادت کرده اند و خیانتها که وارو آورده اند  
 وَغَبِيْهَ اَزْ تَقْوُهَا وَدِيَابِ دَخَرِهَا  
 و پستی که پنهان کردند او را و جفای که از چاکر و نه او را  
 وَازْبَافِ لَزْمُوْهَا وَشَهَادَاتِ كَيْمُوْهَا  
 و خلافتها که دارد او و شهادت او را و شهادتها که گمان کردند  
 وَوَصِيْهَ صَبَّغُوْهَا اَللّٰهُمَّ الْعَنَهُمَا  
 و وصیتی که صباغ کردند خداوند لعن کن آنها را  
 فِيْ مَكْنُوْزِ السِّرِّ وَظَاغِرِ الْعِلَاقِيْهَ  
 در پنهان شده و نهان و آشکار و آشکار

لعنا

لَعْنًا كَثِيْرًا اَبْدًا اَيْمًا سِرْمًا لَا اَنْفِطَلَعُ  
 لعن بسیار ابد ابدی ستم که قطع نشود  
 لَا اَمْدَهُ وَلَا نَفَادَ لِعَدَدِهِ لَعْنًا يَنْقُذُ  
 در محفلهای پوشیده بر روزی معلوم لعن کن خدا  
 اَوَّلَهُ وَبِرَوْحِ اٰخِرِهِ لَمْ يَلْمُ وَلَا غَوَانِيْهِمْ  
 اول او را و اخرا او را بر ایشان در برادران ایشان  
 وَابْضَارِهِمْ وَمَحَبِّيْهِمْ وَمُوَالِيْهِمْ وَ  
 و یاری کنند و دوستانهای آنها و دوستشان آنها را  
 الْمُسْلِمِيْنَ لَهُمْ وَالْمُنَافِلِيْنَ لَهُمْ وَ  
 مسلمانان برای ایشان و منافقان برای ایشان  
 النَّاسِ مُضَيِّنٍ بِاِحْتِجَاجِهِمْ وَالْمُقَدِّمِ  
 اعتماد کننده گان بدلیلهای ایشان و مقدمین  
 بِكِرْمِهِمْ وَالْمُصَدِّقِيْنَ بِاِحْكَامِهِمْ  
 بخلام آنها و قبول کنندگان حکمهای آنها  
 اَللّٰهُمَّ عَذِّبْهُمْ عَذَابًا يَنْتَبِعُ مِنْهُ  
 خداوند عذاب کن ایشان عذاب که پیوسته از آن  
 اَقْلُ النَّارِ اَمِيْرُ رَبِّ الْعَالَمِ  
 اقل آتش امیر رب العالمین  
 اَيْبَسُ عَا لِيْسَمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ بِمَجْوَ اَشَدَّ  
 ایستاده ترین نام خداوند بخشنده مهربان



اَسْتَوْدِعُ اللهَ الْعَظِيمَ الْجَلِيلَ نَفْسِي

یا مهربانم خدا ای بزرگ خدا ای بزرگ جان من

وَاهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَمَنْ

دال من واهل من وولد من وکسی که

يُعْنِي امْرؤَةٌ وَاَسْتَوْدِعُ اللهَ الْمَرْهُوبَ

معه می کند مرا امراد و استودع الله را از شدنیان که

الْمُضْطَّعِعَ لِعَظَمَتِهِ كُلِّ شَيْءٍ نَفْسِي

اشکاز است از بزرگی او هر چیزی جان من

وَاهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَمَنْ يُعْنِي

دال من واهل من وولد من وکسی که معه می کند مرا

مخدای من و عا کبیر اینست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم نام خدا ای بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ اِنِّ اسْتَشْكُ بِرَحْمَتِكَ إِلَهِي

مخدای من را به رحمت تو که

وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي تَهْكُمُهَا كُلُّ شَيْءٍ

درست داد هر چیزی را و توانائی تو که هر که را حکم می کنی

وَحَضَّعَ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ وَذَلَّ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ

و خاضع و شاد کرده مرا را هر چیزی را و خوار و ذلیل شده مرا را هر چیزی را

مختص بکتابخانه مسجد اعظم قم

وَبِحَبْرَتِكَ الَّتِي غَلَبَتْهَا كُلُّ شَيْءٍ

و بزرگاری تو که غلب کرده آن هر چیزی را

وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَ

و عزت تو که ایستاده در برابر آن چیزی را

بِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ

عظمت بزرگی تو که پر کرده است هر چیزی را

بِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ وَ

پادشاهی تو که برتر است هر چیزی را

بِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ قَاءِ كُلِّ شَيْءٍ

چهره تو که باقی است بعد از قیام شدن هر چیزی را

وَبِأَمْنِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ

و بناهای تو که پر کرده است اجزای ارکان هر

شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي احاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ

چیزی را و دانائی تو که واکست به هر چیزی را

وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي اَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ

و روشنایی ذات تو که روشن شده بر او هر چیزی را

بِأَنْوَارِ قُدُّوسٍ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَ

ای پیرایه ای بسیار منزله ای پیر از پیشینیان

يَا آخِرَ الْآخِرِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

ای پیر از پسینیان خداوند پاکیزه مرا از گناهانم



که میسر بود و صحت را خداوند پیا مرزا

کتاب ایضاً کہ - جسے وہی آدمی عذاب ہمارا خدا دے گا

پس از این که در کتابخانه را

خداوند بیا مرز مرا کف او را که جسر میکند

وہاں سے تھوڑے دیر بعد ایک اور گاڑی آئی جس میں ایک شخص بیٹھا تھا۔

زاد بسکه اند بخارا خداوند پیام از مرا کن ایضا

فی

کتابخانه که بنیاد آن از کتب و اوراق است

وَأَمَّا الْفُلُ فَأَنزَلْنَاهُمْ عَلَيْهِمْ وَأَتَيْنَاهُم بِطَارِيقٍ فَالْمُنَافِقِينَ

والتسليم بغير

افضل

اسئلك  
 بجزلك اياك ربني من  
 فوك وان نور عني شبرك وانت  
 فاكمني ذكرك اللهم اني اسئلك وسؤال  
 خاضع مستدلل خاضع منقطع انشائي  
 زمني وتجملني بفضلك راضيا فاعاوفي  
 جميع الاخوال مواضعا اللهم واسئلك  
 سؤال من اشتدت فافتة وانزل بك عند  
 الشدايد حاجته وعظم سلطانك وعلا  
 ملكك اللهم عظم سلطانك وتغني عنك  
 وملكك







وَدَّوَامِ تَغْيِيرِ بَطْنِي وَجِهَائِي وَكَثْرَةِ

دوام کردن تغییر خط و چهره من و کثرت

سَهْوَانِي وَعَفْلَانِي وَكَرَالَتِي بِغَيْرِكَ

سهرش من و عقلت من و کزالت من بغير تو

لِي فِي الْأَحْوَالِ كُلِّهَا رَوْقًا وَعَلَى

برای من در احوال هر چه را و بر

فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ

در همه امور مهربان و پروردگار من کیست

لِي غَيْرُكَ أَسْئَلُهُ كَثْفَ ضَرْبِي وَ

برای من بجز تو میپرسم کثرت ضربه من و

النَّظَرَ فِي أَمْرِ إِلَهِي وَمَوْلَايَ أَجْرَبَ

نگاه کردن در امر پروردگار من و مولای من جادتر

عَلَى حِكْمًا إِنِّي بَعَثْتُ فِيهِ هَوِيَّ نَفْسِي وَ

بر من حکمت زیرا که بفرستیدم در او هوس نفس خود را و

لَا أَحْزَنُ فِيهِ مِنْ تَرْبِيَّتِي عَذْوِي

ناراحتی ندارم در او از تربیت من و عذوبی

فَعَزَّزْتُ بِهَا هَوِيَّ وَأَسْعَدَهُ عَلَى ذَلِكَ

پس تقویت دادم با او هوس خود را و بآرامش داد او بر آن امر

الْقَضَاءُ فَتَحَّا وَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَى مَنْ

قضای من را باز کرد و بآنچه جاری شد بر من

ذَلِكَ بَعْضُ جُدُودِكَ وَخَالَفْتُ بَعْضَ

این یکی از بخشهای بخشش تو و مخالفت کردم با بعضی

أَمْرِكَ فَلَاكَ الْحَمْدُ عَلَى فِي جَمِيعِ ذَلِكَ

امری را ترا بجز ستایش تو در همه این احوال

وَلَا أُجَنِّدُ لِي فِيهَا جَرِي

و نمیخواهم برانگیزم برای من در آنجا جاری

عَلَى قَبْلِهِ قَضَاؤُكَ وَالرَّحْمَةُ خَيْرٌ مِنْ

بر او پیش از تو قضاء و رحمت بهتر است از

وَقَدْ آتَيْتُكَ بِالْإِلَهِي

و تو را رسانیدم با الهی

عَلَى نَفْسِي مَعْدِرًا أَنَا وَمَا مَنَعَكَ أَمْسَقًا

بر من عذر داری از خودم و من را چه مانع شد از گرفتن

مُسْتَعْفِيًا أَمْسَقًا مَقْبُولًا

مستعفی میگردم و میگیرم عذر را

لَا أَجِدُ مَقْبُولًا مِمَّا كَانَ

نمییابم عذر را از آنچه بود

لَا مَقْرَعًا أَوَّجَهُ الْبَيْدُ فِي أَمْرِ عَسَى

نمیباشد کسی که در پیشگاه پست در امری عسر

قَوْلِكَ عَذْرِي وَإِذَا خَالَكَ إِنَابِي فَجِئْتُهُ

گفتار تو عذر من و اگر خالی از تو باشم میروم به تو

تَسْبُحُكَ عَذْرًا وَدَاخِلُكَ رَدًّا

ستایش تو عذر من و داخل تو بازگشت



مِنْ رَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ فَأَقْبَلْ عَذْرِي وَ

از رحمت تو خداوند پس بپذیر کن عذرا

ارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَفَكِّي مِنْ مَلِكِ

مهربان کن شدت بدی را و رها کن مرا از پادشاه

نَارِبِ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَرَفِّهِ جِلْدِي

ای پادشاه من رحم کن ضعف بدن مرا و دشوار کن پوست مرا

وَدِفِّهِ عَظْمِي بِأَمْرِ يَدِ أَخْلَفِي وَذِكْرِي

و در پناه بگیر استخوان مرا با امر دستان پشیمان مرا و یاد مرا

وَرِثَتِي وَتَرِي وَتَعِدَّتِي هَبْنِي

ارزیت کردن مرا و میراث مرا و عهد مرا بخش مرا

لَا يَنْدَاءُ كَرَمِكَ وَسَائِلِي يَرْكَبُنِي

بای نداء کردن کرم خود و راههای من را سوار کند

بِالْهِجَى وَسَيِّدِي وَرَبِّي أَرْكَلُ مَعَكَ

با الهجی و پادشاه من و پروردگار من ایام پس خود را که خدایت

بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ وَبَعْدَ مَا

با تو بعد از یگانگی تو و بعد از آنکه

انطَوَى عَلَى قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَ

پاییده شد بر قلب من از شناسنت تو

لَمْ يَهْلِكْ لِي مِنْ ذِكْرِكَ وَاعْتَقَدَ

نماند از یاد تو از من و دانست که

ضَمِيرِي مِنْ جِبْتِكَ وَبَعْدَ صَدْرِي

دل من از جفت تو و بعد از صدر من

أَعِشْ فِي وَدْعَائِي خَاضِعًا لِرَبِّتِكَ

ایمیدار باش در وعدههای من خاضع به پادشاه من

هَمَّاتٍ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُصْبِحَ مِنْ

اورامت آن تو بزرگوارتر از آنکه صبح کنی

رَبَّتِهِ أَوْ تُعَدَّ مِنْ أَدْنَاهُ أَوْ تُشِيرَ

ترتیب کند او را یا دورتر از او که نزدیک کند او را یا بر او

مَنْ أَوْنِيَهُ أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى السَّلَامِ مِنْ

کسی را که جاد او را یا و کلامی بگوید یا سلام کند

تَقْنِيهِ وَتَنْتَ تَنْتَ تَنْتَ

تقنی و تانت تانت تانت

رَحْمَتِهِ وَتَنْتَ تَنْتَ تَنْتَ

رحمت او و تانت تانت تانت

بِاسْتِئْذَنِ وَتَنْتَ تَنْتَ تَنْتَ

با استئذان و تانت تانت تانت

النَّارِ عَلَى وَتَنْتَ تَنْتَ تَنْتَ

آتش را بر و تانت تانت تانت

عَلَى وَتَنْتَ تَنْتَ تَنْتَ

بر و تانت تانت تانت



وَعَلَى قُلُوبٍ غَبَرَتْ بِالْهَيْسِكِ  
 مُحَقِّقَةً وَعَلَى خَمَائِرِ حَوَثٍ مِنَ الْعِلْمِ  
 بَلْ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً وَعَلَى  
 جَوَارِحٍ سَعَتْ إِلَى وَطَانِ تَعْبُدِكَ  
 طَائِعَةً وَأَشَارَتْ بِأَيْدِي غَفَارِكَ

وَأَمَّا قُلُوبُ غَبَرَتْ بِالْهَيْسِكِ  
 مُحَقِّقَةً وَعَلَى خَمَائِرِ حَوَثٍ مِنَ الْعِلْمِ  
 بَلْ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً وَعَلَى  
 جَوَارِحٍ سَعَتْ إِلَى وَطَانِ تَعْبُدِكَ  
 طَائِعَةً وَأَشَارَتْ بِأَيْدِي غَفَارِكَ

أَرْذَلِكِ بِلَاءٌ وَمَكْرُوءٌ قَلْبٌ مَبْكَةٌ  
 بِسَبْرٍ تَقَاوُهُ قَصِيرٌ مَذْنَةٌ فَكَيْفَ  
 أَحْتِمَالِي لِبِلَاءِ الْآخِرَةِ وَخُلُوعٍ وَفُجُوعٍ  
 الْمَكَارِهِ فِيهَا وَهُوَ بِلَاءٌ تَطُولُ مَدَنُهُ  
 وَبَدْوٌ وَمَقَامُهُ لَا يَحْقُقُ عَنْ أَهْلِهِ  
 لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا خَرَجَ مِنْكَ وَانْتِفَاعِيكَ  
 وَتَحْتَطِّكَ وَهَذَا مَا لَا يَكُونُ لَهُ الْقَبُولُ  
 وَالْأَرْضُ بِأَيْدِي فَكَيْفَ بِي وَأَنَا  
 عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ الْحَفِيفُ الْمُسْكِرُ  
 الْمُسْتَكِينُ بِالْهِجْرِ وَرَبِّي وَمَسِيدِي







صَوْتُ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَجَنَ فِيهَا نَحْلُ الْفَقْرِ

صدای بنده مسلمان که در زندان کرده باشد بیست و شصت مرتبه

وَذَاوُطْعِمَ عَذَابُهَا بِمَعْصِيَةٍ وَ

و بشده باشد عذاب از عبادت او

جَلَسَ بَيْنَ أَطْنِافِهَا بِجُرْمِهِ وَ جَزَؤُهُ

بنده ای که در میان طغیانها بنشیند بجرم او و جزای او

وَهُوَ بَصِيحُ النَّيِّكِ صَحِيحُ مُؤْمِلٍ

و او حقیقت گوینده نیکو است و درست گوینده است

لِرَحْمَتِكَ وَبِنَاذِرِكَ بِلِسَانِ أَهْلِ

رحمت تو و نذارت را به زبان اهل

نُوحَيْدِكَ وَتَوْبَتِكَ إِلَيْكَ بِرَبِّكَ

یکبار در پشیمانی تو و توبت به سوی تو پروردگاری تو

يَا مُؤَلَّيْ فَكَيْفَ يَنْفِي فِي الْعَذَابِ

ای مولای من پس چگونه بانی باشد در عذاب

وَهُوَ بِرَجُومٍ مُتَعَلِّفٍ مِنْ خَلْقِكَ وَ

و او استوار است از پنداری تو از خلق تو

رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ أَمْ كَيْفَ يُؤَلِّمُهُ

مهربانی تو و رحمت تو یا چگونه پرورش دهد او را

النَّارَ وَهُوَ بِأَمَلٍ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ

آتش را و او امیدوار است به فضل تو و رحمت تو

أَمْ كَيْفَ يَخْرِقُ قُدْرَتَهَا وَأَنْتَ كَسَمْعِ صَوْتِ

یا چگونه بشکند قوت او را و تو بشنوی صدای او

وَتَرَى مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ يَشْمَلُ عَلَيْهِ

و تو بینی جای او یا چگونه دربرگیرد او را

زَقِيرٌ هَاوَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ أَمْ كَيْفَ

زبانهای ضعیف است و تو می دانی که او را در برگیری یا چگونه

يَتَغَلَّغِلُ بَيْنَ أَطْنِافِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صَدْرَهُ

در میان طغیانها در می آید و تو می دانی که او را در برگیری یا چگونه

أَمْ كَيْفَ تَرَى رِجْلَيْهَا وَهُوَ بِنَاذِرِكَ

یا چگونه می بینی پاهای او را و او نذارت را

بَارِئِدٌ أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِقْدِهِ

پس دوری است یا چگونه امیدوار است به فضل تو در عقد او

مِنْهَا فَتَرْكُهُ قَبْلَهَا مَبْنَاهُ مَا زِلَكَ

از ترک او پیش از او است و او را در برگیری یا چگونه

الظُّرْنُوكَ وَلَا الْمَعْرُوفَ مِنْ فَضْلِكَ

و تو را و آنچه را که از فضل تو می شناسد

وَلَا مَشْنِيَهُ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمَوْحِدِينَ

و آنچه را که در راه او می کنی برای کسانی که یکتا پرستش می کنند

مَنْ يَرْكُ وَاحْشَانِكَ قَبْلَ الْيَقِينِ أَقْطَعُ

کسی که در راه او می کنی پیش از یقین قطع



لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْدِيْبِ  
 جَا حَذِيْبِكَ وَفَضِيْلَتِكَ بِهِ مِنْ اِخْلَادِ  
 مَعَايِزِكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا رِزْقًا  
 وَسَلَامًا وَمَا كَانَتْ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرًا  
 وَلَا مَقَامًا لَكَ لَكَ تَقْدِيسًا لَهَا وَ  
 أَقَمْتَ أَنْ تَمْلَأَ مِنْ الْكَافِرِينَ مِنْ  
 الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْعَلِينَ وَأَنْ تَخْلُدَ  
 فِيهَا الْمُعَانِدُونَ وَأَنْ تَبْلُغَ حُلَّ شَأْوَلِ  
 قُلْتَ مُسَدِّدًا وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ  
 مُتَكَبِّرًا أَمْ مَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ

فَاسْفَا  
 تَسْتَوِيْنَ الْحَقَّ وَتَسْتَدِيْ  
 فَاسْتَلِكْ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدْ زِيَّهَا  
 وَبِالْقِصْبَةِ الَّتِي جَمَعْتَهَا وَحَكَمْتَهَا وَغَلَبْتَ  
 مِنْ عَلَيْكَ أَجْرَهَا أَنْ تَسْبِيْ فِي قُدْرَةِ الْإِنْسَانِ  
 وَفِي هَلَاكَةِ النَّاسِ كُلِّ مَنْ فِيهِ وَكُلِّ جَهْلٍ عَلَيْكَ  
 أَزَلَّتْهُ وَكُلِّ فَجَحٍ أَنْ تَحْقُقَ أَوَّلَ طَعْنٍ  
 لَقَمْتَ أَوَّلَ غَلَبَةٍ أَنْ تَحْقُقَ أَوَّلَ الْكَافِرِينَ  
 تَسْبِيْ أَمْرًا بِأَنْبَاءِهَا الْكِرَامَ الْكَافِرِينَ  
 الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحَقِّهَا لَمْ يَكُونُوا



جَوَارِحِي وَكَثَّابَتِ الرُّقْبِ عَلَيَّ مِنْ

*احصای من و جودی تو*

وَرَأَيْتُهُمُ وَالشَّامِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَ

*ببینم ایشان که در گواهی*

رَحْمَتِكَ اخْفِئْهُ وَفَضْلِكَ سَتِّرْهُ

*برحمت خود پنهان کرده و فضل خود پنهان کنی از ایشان*

وَإِنْ تَوَلَّيْتُكَ خَطِيئَةٌ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَزِيلُهَا وَ

*و اگر تو را گردانم بهر چه مرا از هر یک که در خیر است از میان برداری*

أَحْسَنُ تَفَضُّلِهِ أَوْ تَرْثِيهِ أَوْ زِدْ

*بهترین که فضل تو را بدانی یا بهر چه تو را زیاده دهی*

تَسْطِطُهُ أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَاةٍ تَسْتُرُهُ

*توانی که هر چه تو را گناه باشد یا خطیای تو را پنهان کنی*

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي

*ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدای من و اقامی من*

وَمَوْلَايَ وَمَالِكِي رِزْقِي يَا مَن يَبْدِي

*و مولای من و مالک من ای که من را روزی دهی*

نَاصِبِي يَا عَلِيمًا بَصِيرِي وَمُسْكِنِي

*ای که به من خبر دهی ای دانای من ای که مرا مسکن کنی*

يَا خَيْرَ الْفُقَرَى وَفَاقِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ

*ای که شایسته فقر من و برتر من ای پروردگار من ای پروردگار من*

بَارِب

فر

ر

بَارِبْ بَارِبْ

وَقَدْرِكَ وَ

وَقَدْرِكَ

وَقَدْرِكَ

أَتَشْكُرُكَ بِخُفَاكَ وَأَتَمْنَعُكَ بِأَنْ تَجْعَلَ أَوْفَانِي

*ای که تو را شکر کنم به خفا و ای که تو را بترسانم که تو را بفرماید که مرا اوفای تو را*

أَعْظِمُ مَنَافِكَ وَأَتَمْنَعُكَ بِأَنْ تَجْعَلَ أَوْفَانِي

*ای که تو را بزرگوار کنم و ای که تو را بترسانم که تو را بفرماید که مرا اوفای تو را*

وَأَتَمْنَعُكَ بِأَنْ تَجْعَلَ أَوْفَانِي

*ای که تو را بترسانم که تو را بفرماید که مرا اوفای تو را*

كَلَامًا أَوْ رَدًّا أَوْ أَحَدًا وَحَالِي فِي حِلِّ مَنَافِكَ تَسْتُرُهُ

*ای که تو را بترسانم که تو را بفرماید که مرا اوفای تو را*

يَا رَبِّ بَارِبْ بَارِبْ بَارِبْ بَارِبْ

*ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من*



ایک  
کافی

وَأَسْرِعْ إِلَيَّ فِي الْمَسِيرِ وَاشْتِاقَ  
 إِلَيَّ قُرْبًا مِمَّا تَشْتِاقُ وَأَدْنُو مِنِّي  
 ذُنُوبَ الْمُخْلِصِينَ وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُؤْمِنِينَ  
 وَاجْتَمِعْ فِي حَوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ  
 وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَارْزُهُ وَمَنْ كَانَتْ  
 فِكْرُهُ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبَادِكَ  
 تَصَدِّقًا عِنْدَكَ وَأَقْرَبَهُمْ مَنَازِلَ مِنْكَ  
 وَاجْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ  
 ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ وَجِدْنِي بِمُحُودِكَ  
 وَاعْظِفْ عَلَيَّ بِمَحْدِكَ وَاحْفَظْنِي

بر عینک

وَأَسْرِعْ إِلَيَّ فِي الْمَسِيرِ وَاشْتِاقَ  
 إِلَيَّ قُرْبًا مِمَّا تَشْتِاقُ وَأَدْنُو مِنِّي  
 ذُنُوبَ الْمُخْلِصِينَ وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُؤْمِنِينَ  
 وَاجْتَمِعْ فِي حَوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ  
 وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَارْزُهُ وَمَنْ كَانَتْ  
 فِكْرُهُ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبَادِكَ  
 تَصَدِّقًا عِنْدَكَ وَأَقْرَبَهُمْ مَنَازِلَ مِنْكَ  
 وَاجْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ  
 ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ وَجِدْنِي بِمُحُودِكَ  
 وَاعْظِفْ عَلَيَّ بِمَحْدِكَ وَاحْفَظْنِي







الْقِيَوْمَ ذَا الْحُلُلِ وَالْأَكْرَامِ <sup>بسمه خداوند جلالت و اکرام و بزرگوار بکنم</sup> وَاسْتَبْلَه  
 أَنْ يَبُوتَ عَلَى تَوْبَةٍ عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَاضِعٌ <sup>که بنده در بر من توبه بنده ذلیل با خضوع</sup>  
 فَغِيْرًا لِمَنْ كَبُرَ مِنْكَ كَبُرَ مِنْكَ <sup>بغیر از کسی که بزرگوارتر از تو است بزرگوارتر از تو</sup>  
 بِمَلِكٍ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا <sup>بیک پادشاه که برای نفسش نفع و زیان و مرگ ندارد</sup>  
 وَلَا حَيَوَةً <sup>و نه زندگی</sup> **أَنْتَ يَا أَكْبَرُ** <sup>تو ای بزرگوارترین</sup> وَلَا تَشُورَا  
**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِحَقِّهِ** <sup>بسم الله الرحمن الرحيم بحقه</sup>  
**مُحَمَّدٌ عَلَى** <sup>محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصي بن كلاب بن مرة بن كعب بن لؤي بن غالب بن فهر بن مالك بن النضر بن كنانة بن خزيمة بن مدركة بن إلياس بن مضر بن نضير بن معد بن عدنان</sup>  
**جَعْفَرُ مَوْصِي عَلَى مُحَمَّدٍ عَلِيٍّ حَسَنِ مَهْدِي** <sup>جعفر موصی محمد علی حسن مهدی</sup>  
 عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ <sup>بر ایشان باد درود و سلام</sup> لَكِنْ نَكُونُ  
 اللَّهُمَّ أَنْتَ الْبَاقِي <sup>خداوند ما بماند</sup> أَنْتَ الْبَاقِي <sup>تو ای بماند</sup> أَنْتَ الْبَاقِي <sup>تو ای بماند</sup>

١٨  
 نَظَرُ بَعْضِهِمْ إِلَى وَجْهِ بَعْضٍ وَتَبَرُّكُ <sup>نظر بعضی ایشان بروی بعضی و تبرک</sup>  
 بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ وَأَنْتَ نَظَرْتَ إِلَى أَسْمَاءِ <sup>بعضی ایشان بعضی و بدرستی که نظر از سوی نامهای تو</sup>  
 وَأَنْتَ بَيْنَكَ وَبَيْنَكَ وَأُولَئِكَ عَلَيْهِمُ <sup>و نام پیغمبر تو و دوست تو و دوستان تو بر ایشان</sup>  
 السَّلَامُ وَالْإِكْرَامُ <sup>درود و بزرگوار کردن</sup> فَأَعْطِنِي كُلَّ الدَّيْنِ  
 حَبِيبٌ مِنَ الْخَيْرِ وَأَصْرِفْ عَنِّي كُلَّ مَآ <sup>دوست داری از نیکیها و بگردان از من هر آنچه</sup>  
 احْتِاجُ <sup>دوست داری که بگردانی دورا از من و از من دورا</sup>  
 مِنْ قَضَائِكَ مَا أَمْتَا <sup>از فضل خود آنچه تو بخواهی از من بگردانی</sup>  
**أَيْضًا كَأَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ كُنْ بِنَا** <sup>ای رحیمتر از رحیمان</sup>  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي وَخَلَقَكَ وَفَدَا <sup>حمد بر خداوند که مرا و تو را آفرید و فدای تو را</sup>  
 سَأَلَكَ وَحَمَلَكَ مُوَافِقٌ لِلنَّاسِ <sup>سازگاری تو و گرد آید ترا بر آفت برای مردمان</sup>



اللَّهُمَّ اهْدِنَا صِلَةَ الْأَمَارِكِ وَأَخْلِلْ  
خداوند را گشاده کن بر ما  
 عَلَيْنَا بِالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْبَقِيَّةِ  
بر ما سلام و اسلام و بقیه  
 وَالْإِيمَارِ وَالسَّكْرَةِ وَالْقَوَى وَالنُّفُوقِ  
و ایمان و برکت و پند و پراسر و توفیق  
 لِمَا نَحْتِ **بِعَدَمِ الْمُنَافِقَةِ** وَتَرْضَى  
بر آنچه دوست داری  
 اللَّهُمَّ أَنْ مَغْفِرَتِكَ أَزْجِي مِنْ عَمَلِي وَأَنْ  
خداوند را بدی که آمرزش تو از کردار من و آنچه  
 رَحْمَتِكَ أَوْسَعُ مِنْ دِينِي اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ  
رحمت تو دامن من از گناه من خداوند را گشاده  
 دِينِي عِنْدَكَ عَظِيمًا فَعَقُولُكَ أَعْظَمُ  
گناه من نزد تو بزرگ پس عقول تو بزرگتر  
 مِنْ دِينِي اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ  
از گناه من نباشد خداوند را اگر من را  
 رَحِمَنِي وَرَحْمَتُكَ أَهْلًا أَنْ تَبْلُغَنِي وَتَسْعَنِي  
نعمت تو مرا برساند و رحمت تو مرا برساند  
 لِأَنَّهَا أَوْسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ بِرَحْمَتِكَ يَا  
زیرا که دامنست واده از هر چیزی بر رحمت تو ای

الْحَقِيقَاتِ يَا ذَا فَاعِ الْبَلِيَّاتِ سُبْحَانَكَ اللَّهُ  
ای پند و پراسر ای پند و پراسر ای پند و پراسر  
 يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ يَا خَيْرَ الْفَاتِحِينَ يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ  
ای پند و پراسر ای پند و پراسر ای پند و پراسر  
 يَا خَيْرَ الْحَاكِمِينَ يَا خَيْرَ الزَّاقِينَ يَا خَيْرَ الْوَارِثِينَ  
ای پند و پراسر ای پند و پراسر ای پند و پراسر  
 يَا خَيْرَ الْحَامِدِينَ يَا خَيْرَ الذَّاكِرِينَ يَا خَيْرَ الْمُبِينِ  
ای پند و پراسر ای پند و پراسر ای پند و پراسر  
 يَا خَيْرَ الْمُحْسِنِينَ سُبْحَانَكَ الرَّابِعُ يَا مَنْ لَهُ الْعِزُّ  
ای پند و پراسر ای پند و پراسر ای پند و پراسر  
 وَالْجَمَالُ يَا مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَالْكَمَالُ يَا مَنْ لَهُ  
و جمال ای پند و پراسر قدرت و جمال ای پند و پراسر  
 الْمُلْكُ وَالْجَلَالُ يَا مَنْ هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ  
و کبریا و بزرگواری ای پند و پراسر بزرگ و بلند  
 يَا مَنْ شَتَّى السَّحَابِ الثَّقَالِ يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ  
ای پند و پراسر ای پند و پراسر ای پند و پراسر  
 الْحِمَالِ يَا مَنْ هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ يَا مَنْ هُوَ  
ای پند و پراسر ای پند و پراسر ای پند و پراسر  
 شَدِيدُ الْعِقَابِ يَا مَنْ هُوَ عِنْدَ حَسَنِ الثَّوَابِ  
ای پند و پراسر ای پند و پراسر ای پند و پراسر



يَا مَنْ هُوَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ سُبْحَانَكَ الْخَالِصُ

ای که نزد او است مادر کتاب پاک

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا خَنَّانُ يَا مَنَّانُ

خدایا من از تو می‌خواهم که مرا بخشنی و بمانی

يَا دَيَّانُ يَا بَرَّهَانَ يَا سُلْطَانَ يَا رِضْوَانَ يَا

ای جزا دهنده ای پاک ای پرهیزگار ای پادشاه ای راضی کننده ای

غُفْرَانَ يَا سُبْحَانَ يَا مُسْتَعَانَ يَا ذَا الْمُنَى وَ

ای آمرزنده ای پاک ای پناه دهنده ای صاحب نیابت

الْبَيَانِ سُبْحَانَكَ السَّالِكِ يَا مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ

بیان پاک تو ای کسی که فرو می‌نشینی

شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ يَا مَنْ اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ

چیزی برای بزرگی او ای کسی که هر چیزی را در برابر او تسلیم می‌شود

يَا مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ يَا مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ

ای که ذلیل است هر چیزی برای عزت او ای که گناه است پیش او هر چیزی

لِهَيْبَتِهِ يَا مَنْ انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ خَشْيَتِهِ

برای ترس او ای که از او می‌ترسند هر چیزی از ترس او

يَا مَنْ تَشَقَّقَتْ الْجِبَالُ مِنْ خِيفَتِهِ يَا مَنْ قَامَتْ

ای که کوهها شکافتند از ترس او ای که ایستادند

السَّمَاوَاتُ بِأَمْرِهِ يَا مَنْ اسْتَقَرَّتْ الْأَرْضُونَ

آسمانها با امر او ای که زمینها آرام شدند

يَا ذِيْنِ يَا مَنْ يَسْبَحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِكَ يَا مَنْ لَا يَعْصِيكَ

ای صاحب قدرت ای کسی که طغیان نمی‌کند

عَلَى أَقْدَمِ مَمْلُوكِكَ سُبْحَانَكَ يَا تَابِعَ يَا غَافِرَ

بر اهل محنت و پاکیزه ای که می‌بخشد

الْخَطَا يَا بَاكَاشِفَ الْبَلَاءِ يَا مُمْسِكِي الرِّجَالِ

ای که از بلاها برطرف می‌کنی ای صاحب مردان

يَا مُجْزِلَ الْعَطَا يَا وَاهِبَ الْهَدَا يَا رَازِي وَ

ای که بخشش را می‌بخشی ای که بخشش را می‌بخشی

الْبَرَاءِ يَا قَاضِيَ الْمَنَاءِ يَا سَامِعَ الشَّكَايَا يَا بَاعِثَ

ای که قضا می‌کنی ای که می‌شنوی

الْبَرَاءِ يَا مُطْلِقَ الْأَسَارِ سُبْحَانَكَ الْكَافِ

ای که آزاد می‌کنی ای که می‌بخشد

يَا ذَا الْحَمْدِ وَالسَّنَاءِ يَا ذَا الْفَخْرِ وَالْبَهَاءِ يَا ذَا

ای که صاحب بزرگی و درخشندگی است ای که صاحب بزرگی و درخشندگی است

الْمَجْدِ وَالسَّنَاءِ يَا ذَا الْعَهْدِ وَالْوَفَاءِ يَا ذَا

ای که صاحب عهد و وفا است ای که صاحب عهد و وفا است

الْعَفْوِ وَالرِّضَاءِ يَا ذَا الْمُنِّ وَالْعَطَاءِ يَا ذَا

ای که صاحب بخشش و رضایت است ای که صاحب بخشش و رضایت است

الْفَضْلِ وَالْقَضَاءِ يَا ذَا الْعِزِّ وَالْقَلَاءِ يَا ذَا

ای که صاحب فضل و قضاء است ای که صاحب عزت و قضا است



يَا ذَا الْجُودِ وَالنِّعَاءِ يَا ذَا الْأَلَاءِ وَالنِّعَمَاءِ

سُبْحَانَكَ **التاسع** اللَّهُمَّ إِنِّي سَأَلْتُكَ بِاسْمِكَ

يَا مَانِعُ يَا دَافِعُ يَا رَافِعُ يَا صَانِعُ يَا نَافِعُ يَا سَائِعُ

يَا جَامِعُ يَا شَافِعُ يَا وَاسِعُ يَا مُوسِعُ سُبْحَانَكَ

**العشرون** يَا صَانِعُ كُلِّ مَصْنُوعٍ يَا خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ

يَا رَازِقَ كُلِّ مَرْزُوقٍ يَا مَالِكَ كُلِّ مَمْلُوكٍ يَا

كَاشِفَ كُلِّ مَكْرُوبٍ يَا فَارِجَ كُلِّ مَهْمُومٍ

يَا رَاحِمَ كُلِّ مَرْحُومٍ يَا نَاصِرَ كُلِّ مُخْذَلٍ يَا سَائِرَ

كُلِّ مَعْيُوبٍ يَا مُبْلِغَ كُلِّ طَرْدٍ سُبْحَانَكَ يَا

يَا عِدَّتِي عِنْدَ سِدَّتِي يَا رَجَائِي عِنْدَ

**استغفر الله** يا رَحِيمَ الرَّاحِمِينَ **يا رَحِيمَ الرَّاحِمِينَ**

اسْتَغْفِرُكَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ

الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ  
وَالْإِكْرَامِ وَ  
تَوَكَّلْ عَلَيْهِ

**دعاء يوم الجمعة** اللَّهُمَّ الرَّحِيمَ الرَّحِيمَ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَ فَمًا وُعْصَى فَعَسَى وَمَلَكَ فَتَدَدَ

لَا تُغْنِيكَ أَمْوَالُكَ حَافِظِينَ وَبِالْقَضَاءِ  
لَا تُغْنِيكَ أَمْوَالُكَ حَافِظِينَ وَبِالْقَضَاءِ  
لَا تُغْنِيكَ أَمْوَالُكَ حَافِظِينَ وَبِالْقَضَاءِ

الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَى اللَّهِ  
الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَى اللَّهِ  
الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَى اللَّهِ  
الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَى اللَّهِ









دُعَا الْجَوْنِ الْكَبِيرِ

سُبْحَانَكَ يَا إِلَهَ الْأَلْوَانِ أَنْتَ الْغَوْثُ الْغَوْثُ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ

يَا كَرِيمُ يَا مُقِيمُ يَا عَظِيمُ يَا قَدِيمُ يَا عَلِيمُ يَا حَلِيمُ

يَا حَكِيمُ سُبْحَانَكَ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ يَا

مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ يَا وَلِيَّ

الْحَسَنَاتِ يَا غَافِرَ الْخَطِيئَاتِ يَا مُعْطِيَ الثَّوَابِ

يَا قَابِلَ التَّوْبَاتِ يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ يَا عَالِمَ

مُصِيبَتِي يَا مُؤْنِسِي عِنْدَ وَخْشَتِي يَا صَاحِبِ

عِنْدَ غُرْبَتِي يَا وَلِيَّ عِنْدَ نَعْمَتِي يَا غِيَاثِي

عِنْدَ كُرْبَتِي يَا دَلِيلِي عِنْدَ جَهَنَّتِي يَا غِيَاثِي

عِنْدَ افْتِقَارِي يَا مُلْجَأِي عِنْدَ اضْطِرَارِي

يَا مُعِينِي عِنْدَ مَقَرَعِي سُبْحَانَكَ يَا عَلَا

الْغُيُوبِ يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ يَا سِتَارَ الْعُيُوبِ

يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ يَا

طَبِيبَ الْقُلُوبِ يَا مُنَوِّرَ الْقُلُوبِ يَا آئِنَسَ

الْقُلُوبِ يَا مُفْرِجَ الْهُمُومِ يَا مُنْقِصَ الْغَمُومِ

سُبْحَانَكَ يَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ



يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ يَا وَكَلُ يَا كَمِيلُ يَا دَلِيلُ يَا

*ای بزرگ ای بیستگرم ای وکیل ای صاحب ای دلیل ای صاحب*

قَبِيلُ يَا مَدِيلُ يَا مَمِيلُ يَا مَقِيلُ يَا مَجْمِيلُ سُبْحَانَكَ

*میرا لشکر و ای دلالت کننده ای زود کننده ای کردارنده ای جلد کننده ای که تو*

يَا دَلِيلُ الْمُتَجَرِّبِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

*ای دلیلی که برین شایسته گان ای فریاد کننده ای بر آن که در غیبت*

يَا صِرَاحَ الْمُتَصَرِّحِينَ يَا حَارَ الْمُسْتَحِيرِينَ

*ای صراحت کننده ای در حق ای بیابان کننده ای بر آن که در گمراهی*

أَمَانَ الْخَائِفِينَ يَا عَوْنَ الْمُؤْمِنِينَ يَا رَاحِمَ

*ایان تر است ایان ای یاری کننده ای برین ای راحم کننده*

السَّائِكِينَ يَا مَلِجَ الْعَاصِينَ يَا غَافِرَ الْمُذْنِبِينَ

*سائکین ای یار ای گناهکاران ای غافل کننده ای بر آن که گناه*

يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ سُبْحَانَكَ يَا

*ای صاحب کننده ای دعا مضطران ای که تو ای صاحب*

الْحُكْمِ وَالْأَحْيَانِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْأَمْنِ

*بخشش و بیستگرم ای صاحب علم و امنیت ای صاحب امن و امان*

يَا ذَا الْحِكْمَةِ وَالْبَيَانِ يَا ذَا الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ

*ای صاحب حکمت و بیان ای صاحب رحمت و روضه ای صاحب*

يَا ذَا الْجَمَّةِ وَالْبُرْهَانِ يَا ذَا الْعِظَمَةِ وَالنُّبْلَانِ

*ای صاحب جمت و دلایل ای صاحب بزرگی و بزرگوار*

يَا ذَا الزَّفَافَةِ وَالْمُسْتَعَانَ يَا ذَا الْعَفْوِ وَالْعِقْرَانِ

*ای صاحب مهر و انوار ای ای صاحب بخشش و از سر*

سُبْحَانَكَ يَا مَنْ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ

*یاری تر ای که او است پروردگار هر چیز ای خداوند*

إِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ

*خداوندی که هر چیز ای که او است آفریننده ای که هر چیز ای که*

هُوَ صَانِعُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ قَبْلُ كُلِّ شَيْءٍ يَا

*او است صانع هر چیز ای که او است پیش از هر چیز ای*

مَنْ هُوَ بَعْدُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ يَا

*ای که او است بعد از هر چیز ای که او است بالای هر چیز ای*

مَنْ هُوَ عَالِمُ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ قَادِرٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

*ای که او است دانای هر چیز ای که او است توانا بر هر چیز*

يَا مَنْ يَقْبَلُ وَيَقْنِي كُلَّ شَيْءٍ سُبْحَانَكَ يَا اللَّهُمَّ

*ای که او است دانا و قانی بر هر چیز ای که تو ای خداوند*

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمُ يَا مُكْرِمُ

*ای که من می خواهم بپرسم بر اسم تو ای صاحب ایمان ای صاحب*

يَا مُلْقِنُ يَا مُبْتَنٍ يَا مُهَوِّنُ يَا مُمَكِّنُ يَا مُزِينُ يَا

*ای که من می خواهم بپرسم ای که من می خواهم بپرسم ای که من می خواهم بپرسم ای که من می خواهم بپرسم ای که من می خواهم بپرسم*







لَمْ يُوَاخِذْ بِالْجَبْرِ يَا مَنْ لَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ يَا  
 يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ  
 الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا حَيُّ  
 كُلِّ نَجْوَى يَا مَنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى سُبْحَانَكَ  
 يَا إِذَا النِّعَةَ السَّابِقَةَ يَا إِذَا الرَّحْمَةَ الْوَاسِعَةَ  
 يَا إِذَا الْمِنَّةَ السَّابِقَةَ يَا إِذَا الْحِكْمَةَ الْبَالِغَةَ  
 يَا إِذَا الْقُدْرَةَ الْكَامِلَةَ يَا إِذَا الْحِجَّةَ الْفَاطِعَةَ  
 يَا إِذَا الْكَرَامَةَ الظَّاهِرَةَ يَا إِذَا الْعِزَّةَ الدَّائِمَةَ  
 يَا إِذَا الْقُوَّةَ الْمُبِينَةَ يَا إِذَا الْعِظَمَ الْمُنْبَعِثَ  
 سُبْحَانَكَ يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ يَا جَاعِلَ الظُّلُمِ

٢٦  
 يَا زَاكِي الْعِبْرَاتِ يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ يَا سَارِ  
 الْعَوَارِثِ يَا مُجَيِّ الْأَمْوَاتِ يَا مُنْزِلَ الْآيَاتِ  
 يَا مُضَعِفَ الْحَسَنَاتِ يَا مَاحِيَ السَّيِّئَاتِ  
 يَا شَدِيدَ النِّقَمَاتِ سُبْحَانَكَ يَا اللَّهُمَّ  
 أَنْتَ اسْتَمَلَكَ بِاسْمِكَ يَا مُصَوِّرُ يَا مُقَدِّرُ يَا  
 مُدَبِّرُ يَا مُطَهِّرُ يَا مُنَوِّرُ يَا مُبْسِرُ يَا مُبْشِرُ يَا مُنْزِلُ  
 يَا مُقَدِّمُ يَا مُؤَخِّرُ سُبْحَانَكَ يَا رَبَّ الْبَيْتِ  
 الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الشَّهْرِ  
 الْحَرَامِ يَا رَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يَا رَبَّ  
 الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ



الْحَلِّ وَالْحَرَامِ يَا رَبِّ التَّوَرِ وَالْإِسْلَامِ يَا رَبِّ

*علاک و حریم ای پروردگار توری و تبارکی ای پروردگار*

الْحَيَّةِ وَالسَّلَامِ يَا رَبِّ الْقُدْرَةِ فِي الْأَنَامِ

*دور و سلام ای پروردگار قدرت در موزن کار*

سُبْحَانَكَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ

*یا که تر ای حکم کننده و برین حکم کننده ای عدالت دارنده*

يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ يَا أَظْهَرَ الظَّاهِرِينَ

*یا راست گوینده بر راست گوینده ای پاک تر از پاکیزگان*

يَا أَحْسَنَ الْخَالِفِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ

*ای بهتر از آنکه می آیند ای زودتر از حساب کننده گان*

يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِقِينَ

*ای شنونده تر از شنونده گان ای بینا تر از متکلمین ای*

أَشْفَعَ الشَّافِعِينَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ

*شفاعت کننده تر از شفاعت کننده ای گرامتر از گرامداران*

سُبْحَانَكَ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَاسَنَدَ

*یا که تر ای پایه ای که نیست پناهی مراد ای دلیل*

مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ يَازُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ يَازُخْرَ

*ای که نیست دلیل مراد ای شرافت ای که نیست شرافت مراد ای حفظ*

مَنْ لَا خِرْزْلَةَ يَازَغْيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ

*ای که نیست غنچه مراد ای یار و دوست ای که نیست یار و دوست مراد ای*

يَا فخرَ مَنْ لَا فخرَ لَهُ يَازُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ يَازُخْرَ

*ای فخر از فخرت محروم ای که نیست فخرت مراد ای معین*

مَنْ لَا مَعِينَ لَهُ يَازُخْرَ مَنْ لَا مَعِينَ لَهُ يَازُخْرَ

*ای که نیست معین مراد ای که نیست معین مراد ای*

أَمَانَ مَنْ لَا أَمَانَ لَهُ سُبْحَانَكَ يَا اللَّهُمَّ

*ای که نیست امان مراد ای پاک تر ای خداوند*

إِنِّي أَسْتَلُكَ بِاسْمِكَ يَا غَاصِمَ بَاقِيٍّ يَازُخْرَ

*ای که استلج کنم ترا نام تو ای غاصم بقیه ای که پادشاه و پادشاه*

يَازُخْرَ يَا سَاحِلَ الْمَاجِدِ يَا عَالِمَ يَا قَاسِمَ بَاقِيٍّ

*ای که پادشاه ای ساحل ای عالم ای قاسم بقیه ای که پادشاه*

يَازُخْرَ يَا سَاحِلَ الْمَاجِدِ يَا عَالِمَ يَا قَاسِمَ بَاقِيٍّ

*ای که پادشاه ای ساحل ای عالم ای قاسم بقیه ای که پادشاه*

يَازُخْرَ يَا سَاحِلَ الْمَاجِدِ يَا عَالِمَ يَا قَاسِمَ بَاقِيٍّ

*ای که پادشاه ای ساحل ای عالم ای قاسم بقیه ای که پادشاه*

يَازُخْرَ يَا سَاحِلَ الْمَاجِدِ يَا عَالِمَ يَا قَاسِمَ بَاقِيٍّ

*ای که پادشاه ای ساحل ای عالم ای قاسم بقیه ای که پادشاه*

يَازُخْرَ يَا سَاحِلَ الْمَاجِدِ يَا عَالِمَ يَا قَاسِمَ بَاقِيٍّ

*ای که پادشاه ای ساحل ای عالم ای قاسم بقیه ای که پادشاه*

يَازُخْرَ يَا سَاحِلَ الْمَاجِدِ يَا عَالِمَ يَا قَاسِمَ بَاقِيٍّ

*ای که پادشاه ای ساحل ای عالم ای قاسم بقیه ای که پادشاه*



يَا مُغِيثُ مَنْ اسْتَغَاثَهُ سُبْحَانَكَ لَا يَأْخُذُكَ  
ای فریاد رس از فریاد رس کرده دارد یا کسی تو ای رحمت  
 لَا يُضَامُ بِالطِّيفِ لَا بِرَامٍ يَأْتِيهِمْ مَا لَا يَنَامُ يَا  
نمی بخوابد ای هرگز آن که بدل میکند ای باینده که بیدار ای  
 دَائِمًا لَا يَفُوتُ بِأَحْيَا لَا يَمُوتُ يَا مَلِكًا لَا  
همیشه که فوت نمیشود ای زنده که میرد ای پادشاه که  
 زُولُ يَا بَاقِيًا لَا يَفْنَى يَا عَالِمًا لَا يَجْهَلُ يَا  
زایل ندارد ای باقی که فنا نمیشود ای دانای که جهل ندارد ای  
 صَمَدًا لَا يُطْعَمُ بِأَقْوَاتٍ لَا يُضَعَفُ سُبْحَانَكَ  
بل سائز که بخورد ای قوتی که قانون نمیشود یا کسی تو  
 لَبَّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا أَحَدُ يَا  
ضاد خدا پرست که سوال میکنم ترا بنام تو ای یانه ای  
 وَاحِدُ يَا شَاهِدُ يَا مَا جَدُّ بِأَحَامِدٍ يَا رَاشِدُ  
یکانه ای یاره ای بزرگ ای هدایت کننده ای رشد کننده  
 يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ يَا ضَارِعُ يَا نَافِعُ سُبْحَانَكَ  
ای بایستنده ای میراث برنده ای ضرر رساننده یا کسی تو  
 الْحَيُّ يَا عَظِيمُ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ يَا أَكْرَمُ مِنْ كُلِّ  
ای بزرگ ای بزرگتر از هر بزرگی ای کرامی از هر  
 كَرَمٍ يَا أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ يَا أَعْلَمُ مِنْ كُلِّ  
ای آگاه ای زبیر از هر آگاهی از هر

عَلِيمٍ يَا أَكْرَمُ مِنْ كُلِّ حَكِيمٍ يَا أَوَّلُ مَنْ قَدِمَ  
ای آگاه از هر آگاهی از هر حکیم از هر  
 يَا أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ كَبِيرٍ يَا لَطِيفُ مِنْ كُلِّ لَطِيفٍ  
ای بزرگتر از هر بزرگ ای لطیف از هر لطیف  
 يَا أَجَلُ مِنْ كُلِّ جَلِيلٍ يَا أَعَزُّ مِنْ كُلِّ عَزِيزٍ  
ای بزرگتر از هر بزرگ ای عزیز از هر عزیز  
 سُبْحَانَكَ لَا يَأْكُرُهُمُ الصَّنِيعُ يَا عَظِيمُ الْمُنَى يَا  
یا کسی تو ای بزرگوار عظیم ای غایت غایت  
 كَثِيرُ الْخَيْرِ يَا قَدِيمُ الْفَضْلِ يَا دَائِمُ اللَّطْفِ  
بسیار نیک ای دایم ای فضل ای همیشه نیکوایان  
 يَا لَطِيفُ الصَّنِيعِ يَا مُنْقِصُ الْكَرْبِ يَا كَاشِفُ  
ای لطیف از هر لطیف ای رایت و بند انداز ای کاشف از هر  
 الضَّرِّ يَا مَالِكُ الْمُلْكِ يَا قَاضِي الْحَقِّ سُبْحَانَكَ  
یا مالک ای پادشاه ملها ای قاضی حق سبوح  
 يَا مَنْ هُوَ فِي عَهْدِهِ وَفِي بَأْمِنْ هُوَ فِي وَفَائِهِ  
ای که در عهد او و وفای او است ای وفای او  
 قَوِيَّ يَا مَنْ هُوَ فِي قُوَّتِهِ عَلَى بَأْمِنْ هُوَ فِي عِلْوِهِ  
ای که در قوت او و برتری او است ای برتری او  
 قَرِيبُ يَا مَنْ هُوَ فِي قَرْبِهِ لَطِيفٌ يَا مَنْ هُوَ فِي  
ای که در قریب او و لطیف او است ای لطیف او



لَطِيفُهُ شَرِيفُ يَامَنْ هُوَ فِي شَرَفِهِ غَيْرُ يَامَنْ  
وای که بزرگوار است ای بزرگوار در بزرگی عالیت ای بزرگوار  
 هُوَ فِي عِزِّهِ عَظِيمُ يَامَنْ هُوَ فِي عَظَمَتِهِ  
او در عزت بزرگوار است ای بزرگوار در بزرگی او  
 مَجِيدُ يَامَنْ هُوَ فِي مَجْدِ حَمْدِ سُبْحَانَكَ  
بستوده است ای بزرگوار در بزرگی او حمد کرده شده پاک تو  
 اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَبْطِلُ بِاسْمِكَ بِاَكْفَى بَابِ  
خدایا بدی که هستی که سوال میزنم ترا بنام تو ای کفایت کننده ای  
 شَاقِي يَارَاقِي يَامُعَافِي يَاهَادِي يَادَا عِي  
شقا دهنده ای و مانگنده ای ای راهنما دهنده ای ای عافنده  
 يَامَافِي يَارَاضِي يَاعَالِي يَابَابِي سُبْحَانَكَ لِي  
ای بزرگوار ای شاد دهنده ای بزرگوار ای بابی پاک تو  
 يَامَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَاصِعٌ لَهُ يَامَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَاشِعٌ  
ای بزرگوار هر چیزی که کوچکتر از او است و هر چیزی که خوارتر از او است  
 لَهُ يَامَنْ كُلُّ شَيْءٍ كَاِبٍ لَهُ يَامَنْ كُلُّ شَيْءٍ مُّوجُو  
برای او ای بزرگوار هر چیزی که قائم است و او را ای بزرگوار هر چیزی که وجود دارد  
 بِهِ يَامَنْ كُلُّ شَيْءٍ مُّسِيْبٌ اِلَيْهِ يَامَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَاطِئٌ  
این ای بزرگوار هر چیزی که می رسد به او ای بزرگوار هر چیزی که گناه است  
 مِنْهُ يَامَنْ كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ يَامَنْ كُلُّ شَيْءٍ صَائِرٌ  
ای بزرگوار ای بزرگوار هر چیزی که قائم است و او را ای بزرگوار هر چیزی که می شود

اَلَيْهِ يَامَنْ كُلُّ شَيْءٍ يُسَبِّحُ بِحَمْدِ يَامَنْ كُلُّ شَيْءٍ  
وای بزرگوار ای بزرگوار هر چیزی که تسبیح می کند و هر چیزی که حمد می کند  
 هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَهُ سُبْحَانَكَ لِي يَامَنْ لَا  
در شرف است که بزرگوار است و پاک تو ای بزرگوار  
 مَقَرٌّ اِلَّا اِلَيْهِ يَامَنْ لَا مَفْرَعٌ اِلَّا اِلَيْهِ يَامَنْ  
وای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار  
 لَا مَقْصِدًا اِلَّا اِلَيْهِ يَامَنْ لَا مَبْنَى مِنْهُ اِلَّا  
بست مقصدی که بزرگوار است ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار  
 اِلَيْهِ يَامَنْ لَا رَغْبًا اِلَّا اِلَيْهِ يَامَنْ لَا حَوْلَ  
وای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار  
 وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِهِ يَامَنْ لَا يَسْتَعَانُ اِلَّا بِهِ  
وای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار  
 يَامَنْ لَا يَنْوُكُلُ اِلَّا عَلَيْهِ يَامَنْ لَا يَرْجَى اِلَّا  
ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار  
 هُوَ يَامَنْ لَا يُعْبَدُ اِلَّا اِيَّاهُ سُبْحَانَكَ لَطِ يَا  
وای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار  
 خَيْرَ الْمَرْغُوبِيْنَ بِاخْزَرِ الْمَرْغُوبِيْنَ بِاخْزَرِ  
بست بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار  
 الْمَطْلُوبِيْنَ بِاخْزَرِ الْمَسْتَوْلِيْنَ بِاخْزَرِ الْمَقْصُودِيْنَ  
ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار



يَا خَيْرَ الْمَذْكُورِينَ يَا خَيْرَ الْمَشْكُورِينَ يَا خَيْرَ  
 الْمَجْذُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَدْعُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمُسْتَاذِينَ  
 سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ  
 يَا غَافِرُ يَا سَائِرُ يَا قَادِرُ يَا قَاهِرُ يَا فَاطِرُ يَا كَاسِرُ  
 يَا جَابِرُ يَا ذَاكِرُ يَا نَاطِرُ يَا نَاصِرُ سُبْحَانَكَ يَا بَاسِمُ  
 خَلْقِ قَسْوَى يَا مَنْ قَدَّرَ فَهْدِي يَا مَنْ يَكْشِفُ  
 الْبَلَوَى يَا مَنْ يَسْمَعُ الْجَهْوَى يَا مَنْ يَقْدِرُ  
 الْغَرْقَى يَا مَنْ يَنْجِي الْهَلَكَى يَا مَنْ يَشْفِي  
 الْمَرْضَى يَا مَنْ أَخْلَكَ وَأَبْكَ يَا مَنْ أَمَاتَ  
 وَأَحْيَا يَا مَنْ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى

ای خیرین ذکر شده ای خیرین شکر کرده شده ای خیرین  
 ای خیرین مجذوب شده ای خیرین مدعو شده ای خیرین  
 ای خیرین مستاذ شده ای خیرین  
 ای غافر ای سائر ای قادر ای قاهر ای فاطر ای کاسر  
 ای جابر ای ذاکر ای ناظر ای ناصر ای بایم  
 خلق قسوی ای بایم قدر فهدی ای بایم یکشف  
 البلوی ای بایم یسمع الجوی ای بایم یقدر  
 الغرقی ای بایم ینجی الهلکی ای بایم یشفى  
 المرضی ای بایم یأمن یأمن ابکی ای بایم یأمن  
 و احیا ای بایم یخلق الزوجین الذکر و الانثی

سُبْحَانَكَ يَا مَنْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ سَبِيلُهُ  
 يَا مَنْ فِي الْأَفَاقِ آيَاتُهُ يَا مَنْ فِي الْأَيَاتِ بَرْهَانُهُ  
 يَا مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ قُدْرَتُهُ يَا مَنْ فِي الْفُجُورِ غَبْرُهُ  
 يَا مَنْ فِي الْفِتْنَةِ مُلْكُهُ يَا مَنْ فِي الْحِسَابِ هَيْبَتُهُ  
 يَا مَنْ فِي الْمِيزَانِ قَضَاؤُهُ يَا مَنْ فِي الْجَنَّةِ ثَوَابُهُ  
 يَا مَنْ فِي النَّارِ عِقَابُهُ سُبْحَانَكَ يَا مَنْ إِلَهٌ  
 يَهْرَبُ الْخَائِفُونَ يَا مَنْ إِلَهٌ يَفْرَعُ الْمَذِينُونَ  
 يَا مَنْ إِلَهٌ يَقْصِدُ الْمُنِيبُونَ يَا مَنْ إِلَهٌ يَرْغَبُ  
 الزَّاهِدُونَ يَا مَنْ إِلَهٌ يُلْجِئُ الْمُتَحَيِّرُونَ يَا  
 مَنْ يَهْدِي السَّائِلِينَ الْمُرِيدُونَ يَا مَنْ يَهْدِي الْفَقِيرَ

ای بایم در البر و البحر سبیل او  
 ای بایم در الافاق آیات او ای بایم در الایات برهان او  
 ای بایم در السموات قدرت او ای بایم در الفجور غبر او  
 ای بایم در الفتنه ملک او ای بایم در الحساب هیبت او  
 ای بایم در المیزان قضاؤ او ای بایم در الجنة ثواب او  
 ای بایم در النار عقاب او سبْحانک ای بایم ایله  
 یهرب الخائفون ای بایم ایله یفرع المذینون  
 ای بایم ایله یقصد المنیبون ای بایم ایله یرغب  
 الزاهدون ای بایم ایله یلجئ المتحیرون ای بایم  
 من یهدی السائلین المریدون ای بایم من یهدی الفقیر



الْمَجْتُونُ يَا مَنْ فِي عَفْوِهِ بَطْمَعُ الْخَاطِئُونَ يَا  
 مَنْ إِلَيْهِ يَسْكُنُ الْمُؤْمِنُونَ يَا مَنْ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ  
 الْمُتَوَكِّلُونَ سُبْحَانَكَ مَدَا لَلَّهُمَّ إِنْ أَسْأَلُكَ  
 بِاسْمِكَ يَا حَيُّ يَا طَيِّبُ يَا قَرِيبُ يَا رَقِيبُ  
 يَا حَسِيبُ يَا مُهَيَّبُ يَا مُثَبِّبُ يَا مُجِيبُ يَا  
 خَيْرُ بَصِيرٍ سُبْحَانَكَ مَدَا يَا أَقْرَبَ مِنْ كُلِّ  
 قَرِيبٍ يَا أَحَبَّ مِنْ كُلِّ حَبِيبٍ يَا أَبْصَرَ مِنْ  
 كُلِّ بَصِيرٍ يَا خَيْرَ مَنْ كُلِّ خَيْرٍ يَا أَشْرَفَ مِنْ كُلِّ  
 شَرِيفٍ يَا أَرْفَعَ مِنْ كُلِّ رَفِيعٍ يَا أَقْوَى مِنْ  
 كُلِّ قَوِيٍّ يَا أَغْنَى مِنْ كُلِّ غَنِيٍّ يَا أَجْوَدَ مِنْ كُلِّ

جَوَادٍ يَا أَرَأْفَ مِنْ كُلِّ رَأْفٍ سُبْحَانَكَ مَدَا  
 يَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ يَا صَانِعًا غَيْرَ مَصْنُوعٍ  
 يَا خَالِقًا غَيْرَ مَخْلُوقٍ يَا مَالِكًا غَيْرَ مَمْلُوكٍ  
 يَا قَاهِرًا غَيْرَ مَقْهُورٍ يَا رَافِعًا غَيْرَ مَرْفُوعٍ  
 يَا حَافِظًا غَيْرَ مُحْفُوظٍ يَا نَاصِرًا غَيْرَ مَنْصُورٍ  
 يَا شَاهِدًا غَيْرَ غَائِبٍ يَا قَرِيبًا غَيْرَ بَعِيدٍ سُبْحَانَكَ  
 يَا نَوَّارَ النُّورِ يَا مُنَوِّرَ النُّورِ يَا خَالِقَ النُّورِ  
 يَا مُدَبِّرَ النُّورِ يَا مُقَدِّرَ النُّورِ يَا نَوَّارَ كُلِّ نَوْرٍ  
 يَا نَوَّارَ قَبْلِ كُلِّ نَوْرٍ يَا نَوَّارَ بَعْدَ كُلِّ نَوْرٍ  
 يَا نَوَّارَ فَوْقَ كُلِّ نَوْرٍ يَا نَوَّارَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ نَوْرٌ



سُبْحَانَكَ يَا مَنْ عِطَافُ شَرِيفٍ يَا مَنْ

یا کبریا  
ای که بختش از بخت دیگران  
ای که

فِعْلُهُ لَطِيفٌ يَا مَنْ لُطْفُهُ مُقِيمٌ يَا مَنْ إِحْسَانُهُ

در راه و صفاست  
ای که بختش از بخت دیگران  
ای که

قَدِيمٌ يَا مَنْ قَوْلُهُ حَقٌّ يَا مَنْ وَعْدُهُ صِدْقٌ يَا

در زمانه است  
ای که بختش از بخت دیگران  
ای که

مَنْ عَفْوُهُ فَضْلٌ يَا مَنْ عَذَابُهُ عَذْلٌ يَا مَنْ

ای که عفو او  
فضائل است  
ای که عذاب او  
عدالت است  
ای که

ذِرَّةٌ حُلُوٌّ يَا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ سُبْحَانَكَ مَط

ذکر او  
بختش از بخت دیگران  
ای که

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُسْتَهْلٌ يَا مُفَضَّلٌ

خدایا من  
بختش از بخت دیگران  
ای که

يَا مُبَدِّلُ يَا مُدَلِّلُ يَا مُزِيلُ يَا مُنَوِّلُ يَا مُفَضِّلُ

ای که تبدیل کند  
ای که در سبب  
ای که

يَا مُجْزِلُ يَا مُمَهِّلُ يَا مُجَلِّ سُبْحَانَكَ يَا مَنْ يَرِي

ای که جدا کند  
ای که بختش از بخت دیگران  
ای که

وَلَا يَرِي يَا مَنْ يَخْلُقُ وَلَا يَخْلُقُ يَا مَنْ يَهْدِي

و هدایت می کند  
ای که

وَلَا يَهْدِي يَا مَنْ يُجِبِّي وَلَا يُجِبِّي يَا مَنْ يَسْتَلِ

ای که بختش از بخت دیگران  
ای که

وَلَا يَسْتَلِ يَا مَنْ يَطْعُمُ وَلَا يَطْعُمُ يَا مَنْ يَجْبِرُ وَلَا

ای که برده می شود  
ای که طعام را  
ای که

يُجَارُ عَلَيْهِ يَا مَنْ يَقْضِي وَلَا يَقْضِي عَلَيْهِ

بسیار برادر  
ای که بختش از بخت دیگران  
ای که

يَا مَنْ يَحْكُمُ وَلَا يَحْكُمُ عَلَيْهِ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ

ای که بختش از بخت دیگران  
ای که

يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ سُبْحَانَكَ يَا يَا نِعَم

یا پروردگار  
ای که

الْحَسِبُ يَا نِعَمَ الطَّيِّبُ يَا نِعَمَ الرَّقِيبُ يَا

ای که بختش از بخت دیگران  
ای که

نِعَمَ الْقَرِيبُ يَا نِعَمَ الْمُجِيبُ يَا نِعَمَ الْحَبِيبُ يَا نِعَمَ

بختش از بخت دیگران  
ای که

الْكَيْفِ يَا نِعَمَ الْوَكِيلُ يَا نِعَمَ الْمَوْلَى يَا نِعَمَ

کفیل  
ای که بختش از بخت دیگران  
ای که

النَّصِيرُ سُبْحَانَكَ يَا سِرُّ الْعَارِفِينَ

یا سیر  
ای که بختش از بخت دیگران  
ای که

يَا مَنْ يَجِبِي يَا مَنْ يَسْتَلِ يَا مَنْ يَطْعُمُ وَلَا يَطْعُمُ

ای که بختش از بخت دیگران  
ای که

الْثَوَابِينَ يَا رَازِقَ الْقُلُوبِ يَا رَحْمَاءَ الْمَذِينِ

یا پادشاه  
ای که بختش از بخت دیگران  
ای که



ياقرة عين العابد بن يا منقر عن المكروبين  
 يا منقر عن المغموين يا اله الاولين  
 والآخرين سبحانك نج اللهم اني اسالك  
 باسمك يا ربنا يا الهنا يا سيدنا يا مولانا يا  
 ناصرنا يا حافظنا يا دليلنا يا معيننا يا حبيبنا  
 يا طيبنا سبحانك يا رب النبيين و  
 الانبياء يا رب الصديقين والابرار  
 يا رب الجنة والنار يا رب الصغار و  
 الكبار يا رب الجوب والثمار يا رب  
 الانهار والاشجار يا رب الصحاري و

الفقار يا رب البراري والنجار يا رب  
 الليل والنهار يا رب الاعلان والاك  
 سبحانك يا من تقد في كل شيء امره يا  
 من نحن بكل شيء عليه يا من بلغت الى كل شيء  
 قدرته يا من لا يحصى العباد نعم يا من لا  
 يبلغ الخلائق شكره يا من لا تدرك الالهة  
 جلاله يا من لا تنال الا وهام كنهه يا من  
 العظمة والكبرياء وداؤه يا من لا ترد  
 العباد قضاءه يا من لا ملك الا ملكه يا  
 من لا عطاء الا عطاؤه سبحانك يا من



لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى بَأْمَنْ لَهُ الصِّفَاتُ الْعُلَى

مراد است وکبریا منه ای اکثر مراد است صفات برتر

بَأْمَنْ لَهُ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى بَأْمَنْ لَهُ الْجَنَّةُ

ای اکثر مراد است آخرت و دنیا ای اکثر مراد است بهشت

الْمَأْوَى بَأْمَنْ لَهُ الْآيَاتُ الْكُبْرَى بَأْمَنْ لَهُ

جای قنات ای اکثر مراد است آیات بزرگ ای اکثر مراد است

الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى بَأْمَنْ لَهُ الْحُكْمُ وَالْقَضَا

نامهای نیکو ای اکثر مراد است حکم و قضا

بَأْمَنْ لَهُ الْهَوَاءُ وَالْفِضَاءُ بَأْمَنْ لَهُ الْعَرْشُ

ای اکثر مراد است هوا و سکر ای اکثر مراد است عرش

وَالشَّرْبُ بَأْمَنْ لَهُ السَّمَوَاتُ الْعُلَى سُبْحَانَكَ

و شرب ای اکثر مراد است آسمانهای برتر و پاکیزه

يَا اللَّهُ أَنْتَ اسْتَلَكَ بِاسْمِكَ بِاعْفُوْا

مژدگانا بر اسمی که تو را میگویند نام تو ای خداوند بزرگوار

عَفُورٌ بِاصْبُورْ بِاشْكُورْ بِارَوْفْ بِاعْطُورْ

ای مهربان ای صبور ای سپاس ای مهربان ای مهربان

بِاسْئُولْ بِاَوْدُودِ بِاسْتَبُوحْ بِاِقْدُودْ مِنْ نَحْ

ای سوال ای دوست ای شکر ای پاک

بَأْمَنْ فِي السَّمَاءِ عَظَمَتُهُ بَأْمَنْ فِي الْأَرْضِ

ای اکثر در آسمانهاست بزرگوار ای اکثر در زمینهاست

أَيَّانُهُ بَأْمَنْ فِي كُلِّ شَيْءٍ دَلِيلُهُ بَأْمَنْ فِي الْبَحَارِ

ایتهای و ایتهای در هر چیزی دلیلت او را ای اکثر در دریا

عَجَابُهُ بَأْمَنْ فِي الْجِبَالِ خَزَائِنُهُ بَأْمَنْ

عجابها ای اکثر در کوههاست خزانها را ای اکثر

بَبْدَاءِ الْخَلْقِ ثُمَّ يَعْبُدُ بَأْمَنْ إِلَهُهُ يَرْجِعُ

ببداورد خلق را پس باز گرداند او را ای اکثر بر میگردد

الْأَمْرُ كُلُّهُ بَأْمَنْ أَظْهَرَ فِي كُلِّ شَيْءٍ لُطْفُهُ يَا

امر را ای اکثر عاشرت در هر چیزی مهربانی او را

مِنْ أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ خَلْفَهُ بَأْمَنْ نَصَرَ

ای نیکوترین است بر هر چیزی از پنهان او ای اکثر بر میگردد

فِي الْخَلَائِقِ قُدْرَتُهُ سُبْحَانَكَ نَظْمٌ بِأَجِيبَ

در خلایق قدرت او پاکیزه است

مَنْ لَا جَبِيبَ لَهُ بِأَطِيبَ مِنْ لَا طِيبَ لَهُ

ای که نیست دوستی مراد از ای طیب ای که نیست طبعی مراد از

بِأَجِيبَ مَنْ لَا جَبِيبَ لَهُ بِأَشْفِقَ مِنْ لَا شَفِيقَ

ای عاقت که نیست ای که نیست مراد از ای شفیق که نیست شفیق

لَهُ بِأَرْفَقَ مِنْ لَا رَفِيقَ لَهُ بِأَمْعِثَ مَنْ لَا مَعِثَ

مراد از ای که نیست رفیق مراد از ای که نیست دوست مراد از

يَا دَلِيلَ مَنْ لَا دَلِيلَ لَهُ يَا أَيْدِسَ مَنْ لَا أَيْدِرَ

ای زبانی ای که نیست هدایت مراد از ای که نیست راهنما ای که نیست



لَهُ يَا رَاحِمٌ مِنْ لَاحِمٍ لَهُ يَا صَاحِبَ مَنْ لَاحِظًا

مراد از ای رحمت کننده و مراد از ای صاحب از ای که مراقبت دارد

لَهُ سُبْحَانَكَ يَا كَافِيَّ مَنْ اسْتَكْفَاهُ يَا

مراد از ای کافی و مراد از ای که کفایت میکند

هَادِيَّ مَنْ اسْتَهْدَاهُ يَا كَالِيَّ مَنْ اسْتَكَلَّ

راهنما کسی که طلب راه میکند ای حافظ ای که حفظ میکند

يَا رَاغِيَّ مَنْ اسْتَرْعَاهُ يَا شَافِيَّ مَنْ اسْتَشْفَا

ای مراعات کننده ای شفا دهنده کسی که شفای میدهد

يَا قَاضِيَّ مَنْ اسْتَفْضَاهُ يَا مَعْنِيَّ مَنْ اسْتَعْنَا

ای علم کننده ای که علم میکند مراد از ای یار ای که یاری میدهد

يَا مُوَفِّيَّ مَنْ اسْتَوْفَاهُ يَا مُقْوِيَّ مَنْ اسْتَقْوَى

ای وفا کننده ای وفات دهنده ای که تقویت میکند

يَا وَلِيَّ مَنْ اسْتَوْلَاهُ سُبْحَانَكَ سَا إِلَهُهُمْ

ای دوست ای که طلب دوستی میکند یا کسی که خداوند

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا خَالِقُ يَا رَازِقُ

درستی که سوال میکنم از نام تو ای آفریننده ای روز دهنده

يَا نَاطِقُ يَا صَادِقُ يَا قَالِقُ يَا قَارِقُ يَا قَاتِقُ

ای حرف زننده ای راستگو ای شکافته ای جدا کننده ای که ببرد

يَا زَاتِقُ يَا سَابِقُ يَا سَامِقُ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَا

ای پیشرو ای پیشی کننده یا کسی که برترند

مَنْ يُقْلِبُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ يَا مَنْ جَعَلَ

ای که برگرداند شب و روز ای که میگرداند

الظُّلُمَاتِ وَالْأَنْوَارَ يَا مَنْ خَلَقَ الظِّلَّ وَ

تاریکیها و روشناییها ای که آفرید سایه را و

الْحَرَّ وَرَبَّامِنْ سَجَرِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ يَا مَنْ

گرمی ای که برآورد آفتاب و ماه را ای که

قَدَّرَ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ يَا مَنْ خَلَقَ الْمَوْتَ وَكَوْنَهُ

ای که اندازه گرفت بدی و خوبی ای که آفرید مرگ و زنده گان را

يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ يَا مَنْ لَمْ يَخْذُ ضَمًّا

ای که برآوردست خلق و امر ای که نگرفت قسمه صافی

وَلَا وَلَدًا يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ

و نه فرزندی ای که نیست بر او شریک در پادشاهی

يَا مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدَّلِّ سُبْحَانَكَ

ای که نیسند بر او دوستی از خواری یا کسی که تو

بِجَ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَرَادَ الْمُرِيدِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ

ای که میداند مراد مریدین ای که میداند همه

ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ نِدَاءٌ

ضمیمه صامتین ای که نیستند نداء

يَا مَنْ بَرَى بَكَاءَ الْخَائِفِينَ يَا مَنْ يَمْلِكُ

ای که برید گریه ترسناکان ای که است



حَوَاجِ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَقْبَلُ عَذْرَ الثَّائِلِينَ

حاجتهای سائلان ای که قبول کند عذر و توبه کنندگان

يَا مَنْ لَا يَصْلُحُ أَعْمَالُ الْمُفْسِدِينَ يَا مَنْ لَا

ای که صلاح نمی کند اعمال فاسد سازان ای که

يُضِيعُ أَجْرَ الْحَسَنِينَ يَا مَنْ لَا يَبْعَدُ عَنْ

مضایع میکند مزد و پاداش را ای که دور نیست از

قُلُوبِ الْعَارِفِينَ بِالْجُودِ الْاجْوَدِينَ

دلها را عارفان ای بخشنده ترین بخشنندگان

سُبْحَانَكَ سُدَّ يَا ذَا اِمَامِ الْبَقَاءِ يَا سَامِعَ الدَّعَاءِ

سبحان تو ای پادشاه ای شنونده دعا

يَا وَاسِعَ الْعَطَاءِ يَا غَافِرَ الْخَطَايَا يَا بَدِيعَ السَّمَا

ای وسعت دهنده عطا ای آمرزنده گناهان ای بدیع آسمانها

يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ يَا جَمِيلَ الثَّنَاءِ يَا قَدِيمَ الثَّنَاءِ

ای نیکو از بلاها ای نیکو از ستایشها ای دیرینه ستایشها

يَا كَثِيرَ الْوَفَاءِ يَا شَرِيفَ الْخِزْيَانِ سُبْحَانَكَ سُدَّ

ای بسیار وفا ای نیکو خزان ای که

اللَّهُمَّ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا شَارِبَا

خدایا بوسیله اسمی که میفرماید شارب نام تو ای که

عَفَا رِاقَهُارَاجَارَاصَارَافَا نَارَافَاخَا

ای که عفو می کند راقه راجار اصار افافا نارا فافا

يَا فَتَّاحُ يَا فَتَّاحُ يَا مَرْتَّاحُ سُبْحَانَكَ سُوِيَا

ای که گشاید ای که گشاید ای که مرتاح می سازد سبحان تو ای که

مَنْ خَلَقَنِي فَتَوَانِي يَا مَنْ رَزَقَنِي وَرَبَّانِي

ای که آفرید مرا و پادشاه مرا ای که روزی کرد مرا و پروردگار مرا

يَا مَنْ أَطْعَمَنِي وَسَقَانِي يَا مَنْ قَرَّبَنِي وَادَّانَا

ای که آفرید مرا و پادشاه مرا ای که نزدیک کرد مرا و صاحب مرا

يَا مَنْ عَصَمَنِي وَكَفَانِي يَا مَنْ حَفِظَنِي وَكَلَّا

ای که نگاه داشت مرا و کافی کرد مرا ای که حفظ کرد مرا و بزرگ کرد مرا

يَا مَنْ أَعَزَّنِي وَأَغْنَانِي يَا مَنْ وَفَّقَنِي وَهَدَا

ای که عزیز کرد مرا و نیاز مرا ای که توأم کرد مرا و راه نمود مرا

يَا مَنْ أَيْسَرَنِي وَأَوَّانِي يَا مَنْ أَمَانَنِي وَأَحْيَا

ای که آسان کرد مرا و آگاه کرد مرا ای که ایمن کرد مرا و زنده نمود مرا

سُبْحَانَكَ سُدَّ يَا مَنْ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ يَا مَنْ

سبحان تو ای که اثبات حق می کند با کلماتش ای که

يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ يَا مَنْ يَجُولُ بَيْنَ

قبول کننده توبه را ای که می گشت بین

الرَّءِ وَقَلْبِهِ يَا مَنْ لَا يَنْفَعُ الشَّيْءَ إِلَّا بِإِذْنِهِ

مرد و دل را ای که هیچ چیز را نفع نمی دهد مگر با اذن او

يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ يَا مَنْ مَعْقِبُهُ

ای که آگاه تر است از آن که گمراه شد از راه او ای که پیشت می رود



يَحْكُمُ يَامَنْ لَا رَادَّ لِفَضَائِهِ يَامَنْ انْفَادَ كُلِّ

امر و ای که حکم می کند و دست نه بر می کند و ای که امر را انقضای می کند

شَيْءٍ لَا مِرَّةٍ يَامَنْ السَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ

همه چیز را و ای که در دست راست او آسمانها را جمع کرده است

يَامَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ جُنَّةِ

ای که می فرستد بادها را بشارت و پیش روی رحمت او

سُبْحَانَكَ سَخِ يَامَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ مِهَادًا

پاکیزه است تو ای که زمین را گسترده کرد

يَامَنْ جَعَلَ الْجِبَالَ أَوْتَادًا يَامَنْ جَعَلَ

ای که کوهها را میخها کرد و ای که دریاها را

الْسَّمُومَ سِرَاجًا يَامَنْ جَعَلَ الْقَمَرَ نُورًا يَا

ای که آفتاب را چراغی کرد و ای که ماه را نور می کند

مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاسًا يَامَنْ جَعَلَ النَّهَارَ

ای که کرد پوشش شب را و ای که کرد روز را

مَعَاشًا يَامَنْ جَعَلَ النَّوْمَ سُبَاتًا يَامَنْ

وقت معاشش ای که کرد استراحت و ای که

جَعَلَ السَّمَاءَ بِنَاءً يَامَنْ جَعَلَ الْأَشْيَاءَ

کرد آسمان را بنا و ای که کرد اشیا را

أَزْوَاجًا يَامَنْ جَعَلَ النَّارَ مِرْصَادًا سُبْحَانَكَ

جفت و ای که کرد آتش را کانون و ای که

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سَمِيعُ يَا شَفِيعُ

خدایا من از تو می خواهم به اسم تو ای شنونده ای شفیع

يَا رَفِيعُ يَا مُنِيعُ يَا سَرِيعُ يَا بَدِيعُ يَا كَبِيرُ يَا قَدِيرُ

ای بلند ای نجات دهنده ای سریع ای بدیع ای بزرگ ای قهار

يَا خَبِيرُ يَا مُجِيبُ سُبْحَانَكَ يَا خَاقِبُ كُلِّ

ای آگاه ای پادشاه ای پاکیزه ای زنده و پیش از همه

حَيٍّ يَا حَيَّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي لَيْسَ

زنده ای زنده بعد از هر زنده ای زنده که نیست

كَشَلُهُ حَيٌّ يَا حَيُّ الَّذِي لَا يَشَارِكُهُ حَيٌّ يَا حَيُّ

ای که او را زنده ای زنده که شریک نیست او را زنده ای زنده

الَّذِي لَا يَخْتِاجُ إِلَى حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي يَمِيتُ

که محتاج نیست به زنده ای زنده که می زند

كُلَّ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي يَرْزُقُ كُلَّ حَيٍّ يَا حَيُّ

هر زنده ای زنده که روزی دهد هر زنده ای زنده

لَمْ يَرِثْ الْجَوْهَرُ مِنْ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي يَحْيِي

که میراث نبرد زنده ای زنده که زنده می کند

الْمَوْتِ يَا حَيُّ يَا قَوْمُ لَا تَأْخُذْ سِنِيهِ وَلَا نَوْمُ

مرگ را ای زنده ای زنده که مرا نگیرد و خواب

سُبْحَانَكَ عَا يَامَنْ لَهُ ذِكْرٌ لَا يُنْسِي يَامَنْ لَهُ

پاکیزه است تو ای که مراد است ذکر که فراموش نمی کند



نَزْلًا يُطْفِئُ نَارَ مَنْ لَهُ نَعْمٌ لَا تُعَدُّ نَارُ مَنْ لَهُ مَلَكٌ  
نار که خاموش شود یا نور دایم که مراد است از نعمت که شمرده شود و می تواند مراد است از نور  
 لَا يَزُولُ نَارُ مَنْ لَهُ شَاءَ لَا يُحْصَى نَارُ مَنْ لَهُ جَلَا  
که از او نبردند ای که مراد است از شایسته شمرده شود و می تواند مراد است از بزرگی  
 لَا يَكْفِ نَارُ مَنْ لَهُ كَمَالٌ لَا نَدْرَكَ نَارُ مَنْ لَهُ  
که از او نبردند ای که مراد است از کمال که درک نشود ای که مراد است  
 قَضَاءٌ لَا يَرُدُّ نَارُ مَنْ لَهُ صِفَاتٌ لَا تُبَدِّلُ  
حکم که رد نمی شود ای که مراد است صفات که بدل شود  
 نَارُ مَنْ لَهُ نَعْوَةٌ لَا تُغَيِّرُ سُبْحَانَكَ عِبَادَتًا  
ای که مراد است صفاتی که تغییر داده شود و پاکیزگی ای پروردگار  
 الْعَالَمِينَ يَا مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ يَا غَايَةَ  
عالمیان ای مالک روز جزا ای نهایت از روی  
 الطَّالِبِينَ يَا ظَهَرَ الْآلَاءِ يَا مُدْرِكَ  
طالبان ای پناه خواستنیان ای در یابنده  
 الْهَارِبِينَ يَا مَنْ يُجِبُّ الصَّابِرِينَ يَا مَنْ  
از بین ای که دوست دارد صبر کنندگان ای که  
 يُجِبُّ التَّوَّابِينَ يَا مَنْ يُجِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ يَا مَنْ  
دوست دارد توبه کنندگان ای که دوست دارد پاکیزه کنندگان ای که  
 يُجِبُّ الْمُحْسِنِينَ يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهَنْدِينَ  
دوست دارد نیکوکاران ای که از او دانسته تر است از مهندسان

سُبْحَانَكَ عَجَّ اللَّهُمَّ إِذَا اسْتَلَّكَ بِاسْمِكَ  
پاکیزگی تو خداوند ای که هر چه هست که سواد می کند را بنام تو  
 يَا شَفِيقُ يَا رَفِيقُ يَا حَفِيطُ يَا مُحِيطُ يَا مُقِيتُ  
ای شفیق ای رفیق ای حقیق ای حیوان ای حاضر کننده  
 يَا مُعِيتُ يَا مُعِزُّ يَا مُدِلُّ يَا مُبْدِيُ يَا مُعِيدُ  
ای بی نیاز ای عزیز ای ابتدا ای دور  
 سُبْحَانَكَ عَدُّ نَارُ مَنْ هُوَ أَحَدٌ بِلا ضِدٍّ يَا مَنْ  
پاکیزگی تو ای که او یکست که نیست ضدی ای که  
 هُوَ فَرْدٌ بِلا نِدٍّ يَا مَنْ هُوَ صَمَدٌ بِلا عَيْبٍ يَا  
او شهادت که شریف ندارد ای که او بی نیابت بلا عیب ای  
 مَنْ هُوَ وَثَرٌ بِلا كَيْفٍ يَا مَنْ هُوَ فَاضِلٌ بِلا حِفْظٍ  
ای که او طاقت که شکی نیست ندارد ای که او حکم کننده است  
 يَا مَنْ هُوَ رَبٌّ بِلا وَثَرٍ يَا مَنْ هُوَ غَرِيبٌ بِلا  
ای که او پروردگار است که در ندارد و ای که او عزیز است  
 ذَلٍّ يَا مَنْ هُوَ غَنِيٌّ بِلا فَقْرٍ يَا مَنْ هُوَ مَلِكٌ  
خوار ای که او بی نیاز است نه فقر ای که او پادشاه است  
 بِلا عَزَلٍ يَا مَنْ هُوَ صَوْفٌ بِلا شِبْهِ سُبْحَانَكَ  
که سواد ای که وصف او شده که شکی نیست در پاکیزگی  
 عَمَّا مِنْ ذِكْرِهِ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ يَا مَنْ شَكَرُهُ  
ای که از ذکر او بزرگوار است برای یاد کنندگان ای که شکر او



فَوَزُّ الشَّاكِرِينَ بِأَمْنٍ حَمْدُهُ عَزَّ لِلْحَامِدِينَ بِأَمْنٍ

ای که شکر کند ای که حمد کند ای که شکر کند ای که حمد کند

طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلطَّاعِينَ بِأَمْنٍ يَا بَاهُ مَقْنُوحُ

ای که طاعت کند ای که طاعت کند ای که طاعت کند ای که طاعت کند

لِلطَّالِبِينَ بِأَمْنٍ سَبِيلُهُ وَاضِحٌ لِلنُّبِيِّينَ

ای که طالب کند ای که طالب کند ای که طالب کند ای که طالب کند

يَا مَنُ يَا نَاهُ بَرْهَازُ لِلشَّاطِرِينَ يَا مَنُ كِتَابُهُ كَثْرَةٌ

ای که کتاب کند ای که کتاب کند ای که کتاب کند ای که کتاب کند

لِلْمُتَّقِينَ بِأَمْنٍ رِزْقُهُ عَمُومٌ لِلطَّائِعِينَ وَ

ای که رزق کند ای که رزق کند ای که رزق کند ای که رزق کند

الْعَاصِينَ بِأَمْنٍ وَرَحْمَتُهُ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

ای که رحمت کند ای که رحمت کند ای که رحمت کند ای که رحمت کند

سُبْحَانَكَ عُو يَا مَنُ بَارَكَ اسْمُهُ يَا مَنُ تَعَالَى

ای که بزرگ کند ای که بزرگ کند ای که بزرگ کند ای که بزرگ کند

حَدُّهُ يَا مَنُ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ يَا مَنُ جَلَّ شَأْنُهُ يَا مَنُ

ای که حد کند ای که حد کند ای که حد کند ای که حد کند

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ يَا مَنُ لَا بَدْوَمَ بَقَاؤُهُ يَا

ای که تقدس کند ای که تقدس کند ای که تقدس کند ای که تقدس کند

مَنْ الْعِظَةُ بِهَاؤُهُ يَا مَنُ الْكِبَرُ بَاءُ رِذَاؤُهُ يَا

ای که عظمت کند ای که عظمت کند ای که عظمت کند ای که عظمت کند

مَنْ لَا تُحْصَى الْأَوْهَانُ يَا مَنُ لَا تُعَدُّ تَعَالَى سُبْحَانَكَ

ای که شمرده نشود ای که شمرده نشود ای که شمرده نشود ای که شمرده نشود

عَنْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُعِينُ

ای که از تو بخواهم ای که از تو بخواهم ای که از تو بخواهم ای که از تو بخواهم

يَا أَمِينُ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ يَا رَشِيدُ

ای که آموختن ای که آموختن ای که آموختن ای که آموختن

يَا حَمِيدُ يَا مُجِيدُ يَا شَدِيدُ يَا شَدِيدُ يَا شَهِيدُ سُبْحَانَكَ

ای که شهادت کند ای که شهادت کند ای که شهادت کند ای که شهادت کند

يَا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ يَا ذَا الْقَوْلِ الشَّدِيدِ

ای که عرش ای که عرش ای که عرش ای که عرش

يَا ذَا الْفِعْلِ الرَّشِيدِ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ

ای که فعل ای که فعل ای که فعل ای که فعل

يَا ذَا الْوَعْدِ وَالْوَعْدِ يَا مَنُ هُوَ الْوَلِيُّ يَا حَمِيدُ

ای که وعده ای که وعده ای که وعده ای که وعده

يَا مَنُ هُوَ فَعَالُ الْمَا بَرِيدُ يَا مَنُ هُوَ قَرِيبُ غَيْرِ عَبِيدِ

ای که ماست ای که ماست ای که ماست ای که ماست

يَا مَنُ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدُ يَا مَنُ هُوَ لَيْسَ بِظَلَمٍ

ای که شهادت کند ای که شهادت کند ای که شهادت کند ای که شهادت کند

لِلْعَبِيدِ سُبْحَانَكَ عَطَا يَا مَنُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا

ای که عطا کند ای که عطا کند ای که عطا کند ای که عطا کند

مَنْ يَكُونُ يَا مَنُ يَا مَنُ يَا مَنُ يَا مَنُ يَا مَنُ



وَزِيْرًا مِّنْ لَّا شَبِيْهَ لَهُ وَلَا ظَهْرًا يَّخَالِقُ الشَّمْسَ

وَزِيْرِي اِي كزمت شبیه را و را و نه نظری ای زینده را آفتاب

وَالْقَمَرَ الْمُنِيرَ يَا مَغْنَى الْبَائِسِ الْفَقِيرَ يَا رَاقٍ

و ماه روشن ای بی نیاز کننده فقیر ای روز بیدارنده

الطِّفْلَ الصَّغِيرَ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا جَابِرَ

طفل کوچک ای رحم کننده شیخ بزرگ ای طاووس کننده

الْعَظْمَ الْكَبِيرَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرَ يَا

استخوان بزرگ ای پناه دهنده ترسان پناهنده ای

مَنْ هُوَ بَعِيْدٌ خَيْرٌ بِصَبْرٍ مِّنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

آنکه از دور است خیر است با صبر ای آنکه از هر چیزی

قَدِيرٌ سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْجُودِ وَالنِّعَمِ يَا ذَا الْفَضْلِ

توانا ای تو ای صاحب بخشش و نعمت ای پادشاه فضل

وَالْكَرَمِ يَا خَالِقَ الْوُجُهِ وَالْقَلَمِ يَا بَارِي الدِّنِّ

و کرم ای آفریننده وجوه و قلم ای پدید آورنده دین

وَالنِّسَمِ يَا ذَا الْبَاسِ وَالنِّقَمِ يَا مُلِمَّ الْعَرَبِ وَالْعِجَمِ

و نمان ای صاحب فقر و عذاب ای پادشاه عرب و عجم

يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْأَلَمِ يَا غَالِمَ التَّوْبَةِ وَالْهَمِّ

ای طاهر کننده رنج و اندوه ای غلبه کننده توبه و اندوه

رَبِّ الْبَيْتِ وَالْحَرَمِ يَا مَنْ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنَ الْعَدِّ

پروردگار خانه و حرم ای آنکه آفرید اشیا را از عدد

سُبْحَانَكَ يَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا

یا کز تو خداوند من استی که سوا اسمت را بنام تو ای

فَاعِلُ يَا جَاعِلُ يَا قَابِلُ يَا كَامِلُ يَا فَاضِلُ يَا فَاضِلَ

کننده ای پدید کننده ای کامل ای فاضل ای بزرگوار

يَا عَادِلُ يَا غَالِبُ يَا طَالِبُ يَا وَاهِبُ سُبْحَانَكَ

ای عادل ای غالب ای طالب ای واهب یا تو

يَا مَنْ أَنْعَمَ بِطَوْلِهِ يَا مَنْ أَكْرَمَ بِجُودِهِ يَا مَنْ جَادَ

ای آنکه نعمت داده و فضل خود ای آنکه تراست بخشش خود ای آنکه بخشنده

بِلَطْفِهِ يَا مَنْ تَعَزَّزَ بِقُدْرَتِهِ يَا مَنْ قَدَّرَ بِحِكْمِهِ

بلطفت او ای آنکه معز است بپاوی ای آنکه اندازه کرد و حکم کرد

يَا مَنْ حَكَمَ بِدَيْبِهِ يَا مَنْ دَبَّرَ بِعِلْمِهِ يَا مَنْ نَجَّاهُ

ای آنکه حکم کرد بدیوار ای آنکه تدبیر کرد بعلوم ای دور کننده

بِحِلْمِهِ يَا مَنْ دَنَا فِي عِلْوِهِ يَا مَنْ عَلَا فِي دُنُوهِ

ببر و باری ای آنکه در نزدیکی ای آنکه بلند است در نزدیکی

سُبْحَانَكَ يَا مَنْ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَا مَنْ يَفْعَلُ

یا کز تو ای آنکه آفرید هر چه خواهد ای آنکه کند هر چه

مَا يَشَاءُ يَا مَنْ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يَضِلُّ

آنکه خواهد ای آنکه راه نماید آنکه خواهد ای آنکه گمراه کند

مَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يَعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يَغْفِرُ

آنکه خواهد ای آنکه عذاب میکند آنکه خواهد ای آنکه آمرزید



لَمْ يَشَأْ يَا بَعْزُ مِنْ يَشَأْ يَا مَنْ يَذَلُّ مَنْ يَشَأْ يَا

مراد از خواهر های عزیز که خواهد ای آنکه ذلیل است آنکه خواهد ای

مَنْ يَصُورُ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَأْ يَا مَنْ يَخْتَصُّ

آنکه تصویر میکند در صفا آنکه خواهد ای آنکه مختص است

بِرَحْمَتِهِ مِنْ يَشَأْ سُبْحَانَكَ فَدَا مِنْ لَمْ يَخْجُضْ

بر رحمت او از آنکه خواهد باری تو ای آنکه فرو نمی رود

وَلَا وَلَدًا يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا يَا مَنْ لَا يَبُتُّ

و نه فرزند ای آنکه گردانید برای هر چیزی اندازه ای آنکه نیست سستی

فِي حِكْمِهِ أَحَدًا يَا مَنْ جَعَلَ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا

در حکم او احدی ای آنکه گردانید فرشتگان را رسولان

يَا مَنْ جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا يَا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ

ای آنکه گردانید در آسمان برجا ای آنکه گردانید زمین را

قَرَارًا يَا مَنْ خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ

قراری ای آنکه آید از آب آدمی ای آنکه گردانید برای هر

شَيْءٍ مَدًا يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا يَا مَنْ أَحَاطَ

چیزی را مد ای آنکه احاطه کرد به هر چیزی دانش ای آنکه احاطه

كُلِّ شَيْءٍ عَدَدًا سُبْحَانَكَ فَدَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

هر چیزی را عدد ای آنکه عدد کرد به هر چیزی خداوند منم ای آنکه

بِاسْمِكَ يَا أَوَّلُ يَا آخِرُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا زَوْرًا

بسمت تو ای اول ای آخر ای ظاهر ای باطن ای زور

حَقُّ يَا فَرْدُ يَا وَثْرًا يَا حَمْدُ يَا سَمْدُ سُبْحَانَكَ فَدَا

حق ای تنها ای یگانه ای بزرگوار ای ستمگر سبوح است

يَا خَيْرَ مَعْرُوفٍ عَرَفَ يَا أَفْضَلَ مَعْبُودٍ عُبِدَ

ای بهترین شناخته شده ای ستمگر معبود سبوح است

يَا أَجَلَ مَشْكُورٍ شَكَرًا يَا أَغْزَمَ مَذْكُورٍ ذِكْرًا يَا أَعْلَى

ای بزرگترین شکر ای بزرگترین یاد آورنده ای بزرگترین

مَحْمُودٍ حَمْدًا يَا أَقْدَمَ مَوْجُودٍ طَلِبَ يَا أَرْفَعَ مَوْصُوفٍ

سبوح است ای بزرگترین موجود ای بلند وصف رفته

وَصِفَ يَا أَكْبَرَ مَقْصُودٍ قَصِدَ يَا أَكْرَمَ مِثْوَدٍ

ای بزرگترین مقصود ای بزرگترین مصلحت

سُئِلَ يَا أَشْرَفَ مَحْبُوبٍ عِلْمَ سُبْحَانَكَ فَدَا

ای بزرگترین دوست دانای بزرگوار

حَبِيبَ الْبَائِسِينَ يَا سَيِّدَ الْمُتَوَكِّلِينَ يَا هَادِيَ

دوست را به گمراهان ای آقای توکل کنندهان ای راهنمای

الْمُضِلِّينَ يَا رَحِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَيْدِسَ الذَّاكِرِينَ

مراهمان ای دوست گردانندهان ای ایستاد گذرانندهان

يَا مُفَرِّغَ الْمَكْهُوفِينَ يَا مُبْجِي الصَّادِقِينَ يَا أَقْدَرُ

ای بفرار دهنده ای بیاورندهان ای بزرگوار ای توانا

الْقَادِرِينَ يَا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ يَا إِلَهَ الْخَلْقِ لَجِيعِ

توانا ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار



سُبْحَانَكَ فِي يَامِنٍ عَلَاقَهَرِ يَامِنٍ مَلِكٍ فَقَدَرِ

ای که از جنات است پس قدر داری که ملک شد پس در کار

يَامِنٍ بَطْنٍ فَخْبَرِ يَامِنٍ عَبْدٍ فَشَكَرِ يَامِنٍ عَصْرِ

ای که از طاهران پس خبر داری که عبادت کرد پس شکر کرد پس از عصر

يَامِنٍ لَا يَجُوبُهُ الْفِكْرُ يَامِنٍ لَا يَذُرُكَ بَصَرُ يَامِنٍ

ای که از اعاذ میکند او را فکر ای که درک میکند او را بصر ای که

لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَثَرُ بَارِئِ رِزْقِ الْبَشَرِ يَامِقْدَرِ كُلِّ

چیزان نیست بر او اثری از رزق دهنده خلق ای تقدر کننده هر

قَدَرِ سُبْحَانَكَ قَطُّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

پسری یا کی تو خداوند ابدی پس که سوال میکنم از اسم تو

بِأَحَافِظِ بَابِ رِيٍّ بِإِذَارِيٍّ بِإِبَادِيٍّ بِإِفَارِجِ بَا

ای حفظ کننده ای حاکم ای احوال کننده ای بیرون آورنده ای

فَإِخْ يَا كَاشِفُ بَاضَا مِنْ بَا أَمْرِي يَا نَاهِي سُبْحَانَكَ

شایسته ای که برطرف کننده بوضاعت ای فراینده یا کی تو

يَامِنٍ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبِ لَا هَوَا مِنْ لَا يَصْرِفُ الشَّوْ

ای که از همه اندر آگاهی ای که بر میگرداند چیزی

الْأَهْوَا مِنْ لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ لَا هَوَا مِنْ لَا يَغْفِرُ

خداوند ای که از مافوق خلق را خداوند ای که از غنای میزد

الدَّنَسَ لَا هَوَا مِنْ لَا يَنْتِمِ النِّعْمَةُ لَا هَوَا مِنْ لَا

کشتن از آلودگی ای که تمام میکند نعمت را خداوند ای که

يُقَلِّبُ الْقُلُوبَ لَا هَوَا مِنْ لَا يَذُرُ إِلَّا هَوَا

در سکر و اندوه ای که از جنات است پس قدر داری که ملک شد پس در کار

مَنْ لَا يَنْزِلُ الْغَيْثَ لَا هَوَا مِنْ لَا يَبْسُطُ الرِّزْقَ

از اموال مستند باران را خداوند ای که از جنات است پس قدر داری که ملک شد پس در کار

الْأَهْوَا مِنْ لَا يَحْيِي الْمَوْتَى إِلَّا هُوَ سُبْحَانَكَ

خداوند ای که از جنات است پس قدر داری که ملک شد پس در کار

صَا يَا مُعِينُ الضَّعْفَاءِ يَا صَاحِبَ الْغُرَبَاءِ يَا

ای که از اعاذ میکند او را ضعف ای که از اعاذ میکند او را غریبان

نَاصِرَ الْأَوْلِيَاءِ يَا فَاهِرَ الْأَعْدَاءِ يَا رَافِعَ الشَّمَا

ناصر دوستان ای فایز بر دشمنان ای که از جنات است پس قدر داری که ملک شد پس در کار

يَا أَنْسِلَ الْأَصْفِيَاءِ يَا حَبِيبَ الْأَتْقِيَاءِ يَا كَرَمَ

ای که از جنات است پس قدر داری که ملک شد پس در کار

الْفُقَرَاءِ يَا إِلَهَ الْأَغْنِيَاءِ يَا أَكْرَمَ الْكَرَمَاءِ

فقیران ای که از جنات است پس قدر داری که ملک شد پس در کار

سُبْحَانَكَ صَبَّ يَا كَافِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَا قَائِمٌ عَلَى كُلِّ

ای که از جنات است پس قدر داری که ملک شد پس در کار

شَيْءٍ يَا مَنْ لَا يَشْبُهُ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِهِ

چیزی ای که از جنات است پس قدر داری که ملک شد پس در کار

شَيْءٍ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَنْقُصُ

چیزی ای که از جنات است پس قدر داری که ملک شد پس در کار



مِنْ خَزَائِنِهِ شَيْءٌ يَأْمَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ يَأْمَنْ لَا  
 از خزان او چیزی ای که نیست مانند او چیزی ای که  
 بَعْدُ عَنْ عَلَيْهِ شَيْءٌ يَأْمَنْ هُوَ خَيْرٌ بِكُلِّ شَيْءٍ يَأْمَنْ  
 پس بعد از او چیزی ای که است از او است هر چیزی ای که  
 وَسِعَتْ رَحْمَتُهُ كُلَّ شَيْءٍ سُبْحَانَكَ صَلَواتُكَ  
 وسعت داده رحمت او هر چیزی ای که تو خداوندی  
 أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُكْرِمٌ يَا مُطْعِمٌ يَا مُنْعِمٌ يَا مُعْطِي  
 من از تو می خواهم ای نام تو ای بخشش کننده ای طعام دهنده ای عطا کننده  
 يَا مُغْنِي يَا مُغْنِي يَا مُغْنِي يَا مُغْنِي يَا مُغْنِي يَا مُغْنِي  
 ای غنی کننده ای غنی کننده ای غنی کننده ای غنی کننده ای غنی کننده ای غنی کننده  
 صَدِّ يَا أَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرُهُ يَا إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِكُهُ يَا  
 ای اول هر چیزی و آخر او ای که ای که ای که ای که ای که ای که ای که ای که  
 رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَصَانِعُهُ يَا بَارِيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَخَالِقُهُ  
 پروردگار هر چیزی و سازنده هر چیزی ای که ای که ای که ای که ای که ای که ای که  
 يَا فَاعِلُ كُلِّ شَيْءٍ وَبَاسِطُهُ يَا مُبْدِي كُلِّ شَيْءٍ وَ  
 ای فاعل کننده هر چیزی و باری کننده هر چیزی ای که ای که ای که ای که ای که ای که ای که  
 مُبْعِدُ بَأْمَنِي كُلِّ شَيْءٍ وَمُقَدِّرُهُ يَا مُكُونُ كُلِّ شَيْءٍ  
 برکنار کننده هر چیزی و تقدیر کننده هر چیزی ای که ای که ای که ای که ای که ای که ای که  
 وَمُحَوِّلُهُ يَا مُجَيِّدُ كُلِّ شَيْءٍ وَمُبَيِّنُهُ يَا خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَوَثِّقُهُ  
 ای مبدل کننده هر چیزی و تبیین کننده هر چیزی ای که ای که ای که ای که ای که ای که ای که

سُبْحَانَكَ يَا خَيْرَ ذَاكِرٍ وَمَذْكُورٍ يَا خَيْرَ شَاكِرٍ  
 ای بهترین یادآورنده ای که ای که ای که ای که ای که ای که ای که  
 وَمَشْكُورٍ يَا خَيْرَ حَامِدٍ وَمُحْمَدٍ يَا خَيْرَ شَاهِدٍ  
 و شکر گوینده ای که ای که ای که ای که ای که ای که ای که  
 مَشْهُودٍ يَا خَيْرَ دَاعٍ وَمَدْعُوٍّ يَا خَيْرَ مُجِيبٍ وَمُجَابٍ  
 حاضر گوینده ای که ای که ای که ای که ای که ای که ای که  
 يَا خَيْرَ مُوَسِّسٍ وَآئِسٍ يَا خَيْرَ صَاحِبٍ وَجَلِيسٍ يَا خَيْرَ  
 ای بهترین بنیان کننده ای که ای که ای که ای که ای که ای که ای که  
 مَقْصُودٍ وَمَطْلُوبٍ يَا خَيْرَ حَبِيبٍ وَمُحْبُوبٍ سُبْحَانَكَ  
 مقصود و مطلوب ای که ای که ای که ای که ای که ای که ای که  
 صَوِّبِ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعَاهُ مُجِيبٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ أَطَاعَهُ  
 ای که ای که ای که ای که ای که ای که ای که  
 حَبِيبٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ أَسْأَلَهُ قَرِيبٌ يَا مَنْ هُوَ  
 ای که ای که ای که ای که ای که ای که ای که  
 بِمَنْ اسْتَحْفَظَهُ رَقِيبٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ  
 ای که ای که ای که ای که ای که ای که ای که  
 يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ عَظَمَهُ  
 ای که ای که ای که ای که ای که ای که ای که  
 رَجِيمٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ حَكَمَهُ عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ أَحْسَنَهُ  
 ای که ای که ای که ای که ای که ای که ای که







دوازده بار بخوانی جز نیستی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى النَّبِيِّ

الْأُمِّيِّ الْعَرَبِيِّ الْقُرَشِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ الْأَبْطَحِيِّ

الْتِهَامِيِّ الْهَاشِمِيِّ السَّيِّدِ الْبَيْهِيِّ التَّيْرَاجِ

الْمُطَيِّ صَاحِبِ الْوَفَارِ وَالسَّكِينَةِ الْمَذْهُونِ

بِالْمَدِينَةِ الْعَبْدِ الْمُؤْتَدِ وَالرَّسُولِ

الْمُسَدَّدِ الْمُصْطَفَى الْأَعْجَدِ الْمُحْمَدِ الْأَكْبَدِ

جَبَّتْ لَهُ الْعَالَمِينَ يَا قَاسِمَ مُحَمَّدٍ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

الْصَّلَاةُ

وَالصَّلَاةُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِكَ يَا أبا الْقَاسِمِ يَا

رَسُولَ اللَّهِ يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ وَشَقِيعَ الْأَمَةِ يَا

خَاتَمَ الْأَنْبِيَاءِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا يَا

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ

إِلَى اللَّهِ وَفَدَمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا

يَا وَحِيهَا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى

خِيهِ وَأَبِي بَيْتِهِ السَّيِّدِ الْمُظْهَرِ وَالْأَمَةِ

الْمُظْفَرِ وَالشُّجَاعِ الْغَضَفَرِيِّ الشُّبَيْرِ

شُبَيْرٍ وَقَالِجِ بَابِ خَيْرِ قَاسِمِ طُونِي وَسَقَرِ

السَّيْنِ وَقَالِجِ بَابِ خَيْرِ قَاسِمِ طُونِي وَسَقَرِ

السَّيْنِ وَقَالِجِ بَابِ خَيْرِ قَاسِمِ طُونِي وَسَقَرِ

السَّيْنِ وَقَالِجِ بَابِ خَيْرِ قَاسِمِ طُونِي وَسَقَرِ



الْأَرْحَ الْبَحْرِ الْكَثِيرَ الْمَدَّةَ الْجَمِيلَ الْمُنِيَّ

الْعَالَمِ الْمُنِيرِ الْفَاخِرِ الْمُنِيرِ فِي الدِّينِ

الْوَالِي إِلَى التَّوَكُّلِ الرِّضَى الْإِمَامَ الْوَصِيَّ

الْحَاكِمَ بِالْإِيمَانِ الْحَكِيمَ الْخَلِصَ الصَّفِيَّ

الْمُفَوِّزَ بِالْغُرَى كَيْفَ شِئْنِي طَالِبِ لِسَانِ

دُيَالِ سَالِبِ مُظْهِرِ الْغَرَائِبِ وَمُظْهِرِ

الْجَنَائِبِ وَمُفَرِّقِ الْكُتَائِبِ وَالشَّهَابِ

الْثَاقِبِ وَالْهَزْبِ السَّالِبِ وَنُقْطَةِ دَائِرَةِ

الْمَطَالِبِ سَدِّ اللَّهِ لَنَا الْغَالِبِ كُلِّ

غَالِبٍ وَمَطْلُوبٍ كُلِّ طَالِبٍ مَوْلَانَا

مَوْلَى الْكَوْبَرِ الْثَمَّارِ وَارِثِ عِلْمِ

الْأَوَائِنِ الْآخِرِينَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ كَيْ

الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ

اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ الصَّلَوةُ وَالْعِلْمُ

عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا

عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَخَا

الرَّسُولِ يَا زَوْجَ الْمَنَاقِبِ يَا أَبَا السَّيِّدِينَ

يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَوَلِيَّ

أَنَا نَوْجَهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا

بِكَ إِلَى اللَّهِ وَفَدَمْنَاكَ مِن يَدِي حَاجَاتِنَا



يا وجهها عند الله اشفع لنا عند الله اللهم  
ای تقبول نذر خدا شفاعت کن ما را نزد خدا خداوند ما  
 صل وسلم وزد وبارک على سيدنا  
رحمت و درود او زیاد کن و برکت ده بر آقای  
 الحلیمة الکریمة الحکمة والمفضلة  
بزرگ صاحب کرم و حکمت و مفضل  
 النذیلة المکرومة العلیمة ذات الاخران  
بنده اندوهناک صاحبان آخران  
 الطوبیة فی المدة القلیلة المعصومة  
دور و دانا در مدت کمی عصمت داشته  
 المظلومة الرضیة الحکمة العقیفة  
حکمرده راضی خوشنود بر دانا عصمت داشته  
 السیمة المجهولة قدر الخفیة قبراً  
سلامت داشته نادان قدر پنهان بود قبرا  
 المذونة سیر المعصومة جهر اسید  
دین کرده شده پنهان عرف کرده شده در آشکار آقای  
 لنساء الانیة الحوراء ام الائمة النقباء  
زنان مردمان حور باشند مادر پشیمانان شریف  
 الخباء الطاهرة المطهرة التبول العترة  
از زنان پاکیزه پاکیزه پاره تن خداوند

فاخته الزهراء سلام الله علیها الصلوة  
فاخره زهرا درود خداوند بر او صلوات  
 والسلام عليك وعلى ذریک افاخرة  
درود بر تو و بر ذریه تو ای فخر  
 الزهراء یا بنت محمد رسول الله انبیا  
زهرا ای دختر محمد رسول خدا انبی  
 التبول باقعة عن الرسول باضعة آفة  
تبول ابرو شنی چشم رسول ای دهنه بر طعنه  
 یا ام السبطین یا حجة الله علی خلقه  
ای مادر اسباط حسین ای حجة خدا بر خلقش  
 یا سیدتنا ومولانا انا توجهنا  
ای آقای ما و مولای ما من رو او رویم  
 واستشفعنا وتوسلنا بک الى الله و  
و عیب شفاعت کردیم و توسل بستیم بتر بپوی خداوند  
 قد مزال بین یدی حاجائنا یا وجهیة  
پیش آستین ما بین ما بینای ما ای تقبول  
 عند الله اشفعی لنا عند الله اللهم  
نزد خدا شفاعت کن ما را نزد خدا خداوند ما  
 صل وسلم وزد وبارک على سيدنا  
رحمت و درود او زیاد کن و برکت ده بر سید ما







المساجد والى الملك اما جدي قيل

التكاثر الجاحد صاحب الجنة والكريم

والبكاء المذفون بارض كربلاء

سبط رسول الثقلين وزي العنبرين

ابن عبد الله الحسين عليه السلام

الصلوة والسلام عليك يا ابا عبد الله

يا حسين بن علي ايتها الشهيد يابن

رسول الله يابن امير المؤمنين يابن فاطمة

الزفراء يا سيد شباب اهل الجنة

يا ابا الائمة الاطهار يا حجة الله على

خلفه باسمه يدنا اومر لنا انا نوحنا

واسد فمنا اوتو مثلنا بك الى الله و

قد مناك بن يدى جاحنا باوجها

عند الله اشفع لنا عند الله اللهم

صل وسلم وزد وبارك على ابي

الائمة وسيراج الائمة وكاشف

الغممة ومحى السنة وسنى الهمة و

رفع الرتبة وانير الكربة وصفا

النذبة المذفون بارض صبة البراء

مرب كل شروشين زير العالدين و



سَيِّدَ الْيَحْيَى الَّذِي كُنْ مِثْلَهُ وَنُ  
بزرگ سجده کنندگان که کلمات افتاد و پس  
 الْإِمَامَ بِالْحَقِّ كَيْ مُحَمَّدٍ عَلَى رَأْسِ عِلْمِهِمَا  
مثنویان بحق و محمد علی سر حسین بر سران بار  
 السَّلَامُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا  
درود رحمت درود بر تو ای پدر  
 مُحَمَّدٍ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَا ذُرِّيَّ الْعَالَمِينَ  
محمد ای علی پدر حسین ای ذریه عالمین  
 أَيُّهَا الْيَحْيَى يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا بْنَ مِيرِ  
ای سجده کنندگان ای پدر رسول خدا ای پسر پادشاه  
 الْمُؤْمِنِينَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا  
کردندگان ای دلیل خدا بر خلقش ای قاضی  
 وَمَوْلَانَا يَا نُوحَهُنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَ  
و صاحب کار و آرد و طلب شفاعت کنیم  
 تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّاكَ بَيْنَ يَدَيْ  
توسل کنیم بگوئی خودی خدا و پیش و استیم و ترا در دست داشت  
 حَاجَاتِنَا يَا وَجْهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ كُنَا  
حاجتهای ای مقبول نزد خدا شفاعت کنیم کار  
 عِنْدَ اللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ  
نزد خدا خداوند رحمت و درود و زیاده کن

وَبَارِكْ

وَبَارِكْ عَلَى فَيْرَاقَتِهِ وَنُورِ الْأَنْوَارِ  
و بركت او بر راه و دور شدن او و نورها  
 وَسَلِّيلِ الْأَطْفَارِ وَقَائِدِ الْأَخْيَارِ الْجَلِيلِ  
و سفیران و مقتدای برتران بزرگ  
 الْمُفْدَارِ الظُّهْرِ الظَّاهِرِ وَالْبَدْرِ الْبَاهِرِ  
اندازه و آن پالیز و ماه ظاهر  
 وَالنَّجْمِ الزَّاهِرِ وَالْجَمْرِ الْخَافِرِ وَالذُّرِّ الْخَالِدِ  
و ستاره زاهر و درخشان و درخشان و جود  
 السَّيِّدِ الْوَجِيهِ الْإِمَامِ النَّبِيِّ الْمَذْمُومِ  
آقای مقبول مثنوی آگاه و منور  
 عِنْدَ كَيْهِ الْحَبْرُ الْمِلْحُ عِنْدَ الْعَدْقِ وَالْوَلِي  
نزد او چاه و سیاه و نزد و دشمن و ولی  
 وَالْمَوْلَى الْوَفَى الْإِمَامَ بِالْحَقِّ الْأَزَلِيِّ  
و مثنوی و وفا کنند و ابدی  
 جَعْفَرِ الْأَوَّلِ مُحَمَّدٍ زَيْدٍ عَلَى عِلْمِهِمَا السَّلَامُ  
جعفر اول محمد زید علی بر علم او دو  
 الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ  
رحمت و درود بر تو ای پدر جعفر  
 يَا مُحَمَّدُ بْنَ عَلِيٍّ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا بْنَ رَسُولِ  
ای محمد پدر علی ای قاسم ای پسر رسول



اللَّهُ يَا بَنِي كَامِرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَي  
 خَلْفِهِ يَا بَدِيدَنَا وَمَوْلَانَا إِيَّا نَا تَوَجَّهْنَا  
 وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَ  
 قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا وَأَوْجِهَا  
 عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ اللَّهُمَّ  
 صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى الصَّادِقِ  
 الصِّدِّيقِ الْعَالِمِ الْوَسْوَ الْجَلِيمِ الشَّهِيدِ  
 الْمَهَادِي إِلَى سَوَاءِ الطَّرِيقِ سَائِلِ الشَّيْبَةِ  
 مِنَ الرِّجْوِ وَمُبْلَغِ عَذَابِهِ إِلَى الْحَرِّ نَوْصَةِ  
 الشَّرَفِ الْبَدِيعِ وَالْخَسْبِ الْمُسْتَعِ وَالْمُجَدِّ

خدا ای پسر پادشاهان ای حجت خدا  
 خلق را ای قاضی و مولای کما رو آوریم  
 و طلب شفاعت کردیم و یک زدیم و بتو بنوی خدا  
 پیش رویم و در نزد حاجتهای خود ای مقبول  
 نزد خدا شفاعت کن ما را نزد خدا خداوند  
 رحمت و درود و زیادت و برکت او بر صادق  
 راستگو و عالمی معتد بر دین و ایمان  
 راه نایده بنوی راه راست سائلی شایسته خود  
 از رجو و رسیدن عذاب و از حر و نوصت  
 بزرگواری بلند مرتبه و اسل ثابت و بزرگواری

در روز قیامت

الرَّفِيعِ وَالْفَضِيلِ الْجَمِيعِ الَّذِي شُرِفَتْ  
 بِحَسْبِهِ الظَّاهِرُ رِضَى الْبَقِيعِ الْمُهْدَبِ  
 الْمُؤَيَّدِ السَّيِّدِ الْمُسَدِّدِ الْإِمَامِ الْمُسَجَّدِ  
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا  
 السَّلَامُ الصَّلَوَةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
 أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَا  
 الصَّادِقُ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ يَا بَنِي كَامِرِ الْمُؤْمِنِينَ  
 يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْفِهِ يَا سَيِّدَنَا وَ  
 مَوْلَانَا إِيَّا نَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَ  
 تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ

بخت عرب و از دین همه که بزرگ شده اند  
 بدن او بخت زمین بقیع باب توفیق  
 الله شده آقا بزرگ پشوی بزرگ  
 پدر عبدالله جعفر پسر محمد برایشان باد  
 درود رحمت و درود بر تو ای  
 ابا عبدالله ای جعفر پسر محمد ای  
 راستگو ای پسر رسول خدا ای پسر پادشاهان که در قیامت  
 ای حجت خدا بر خلقش ای قاضی و  
 مولای کما رو آوریم و طلب شفاعت کردیم  
 از پیش رویم و در نزد حاجتهای خود ای مقبول



حُجَّاجُنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا  
ما جئنا اى مقبول نزد خدا شفاعت كن  
 عِنْدَ اللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ  
زود خدا خداوند رحمت بفرست از زياد كن  
 بَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْكَرِيمِ وَالْإِمَامِ الْحَكِيمِ  
بركت ده بر بزرگوار بزرگوار ار پشواى پر ديار  
 وَبِسْمِ الْكَرِيمِ وَالصَّابِرِ الْكَظِيمِ  
با بسمه شده بجليل و صبر شده بسيار  
 قَائِدِ الْجَيْشِ الْمَدْفُونِ بِمَقَابِرِ قُرَيْشٍ صَلِّ  
قائد لشكر دفن كرده شده بمقبر قريش صاب  
 الشَّرَفِ الْأَنْوَارِ وَالْمَجْدِ الْأَظْهَرِ وَالْجَنِّينِ  
بزرگى روشن و بزرگوارى ظاهر ظاهر  
 الْأَزْهَرِ وَالنُّورِ الْأَجْمَرِ الْإِمَامِ بِالْحَقِّ  
در روشن در روشن پشواى بحق  
 إِبْنِ إِبْرَاهِيمَ مُوسَى نَزَّ جَعْفَرٌ عَلَيْهِمَا  
ابن ابراهيم موسى نرسى جعفر بر ایشان باد  
 السَّلَامُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ  
درود رحمت و درود بر تو  
 يَا أَبَا إِبْرَاهِيمَ يَا مُوسَى نَزَّ جَعْفَرٌ أَهْلُ الْكَافَّةِ  
يا ابا ابراهيم اى موسى نرسى جعفر اهل كافه

أَبْنَاءَ الْإِسْلَامِ الْخَالِجِينَ رَسُولِ اللَّهِ يَا نَبِيَّ  
اى بنده اى پسر رسول خدا اى محمد  
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الْحَاجِّ اللَّهُ عَلَى خَلْفِهِ يَا  
پادشاه كرده اى حجت خدا بر خلفش اى  
 سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا  
اقتابى و مولایى كه ما را درویم و طلب شفاعت كنیم  
 وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَنَزَّمْنَاكَ بَيْنَ  
و توسل بچویم بقره بوى خدا و نرسد و استبرازا  
 يَدَيِ حُجَّاجِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ  
بشس روى اى مقبول نزد خدا شفاعت كن  
 لَنَا عِنْدَ اللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ  
لما نزد خدا خداوند رحمت و درود و زياد كن  
 وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْمُعْصُومِ وَالْإِمَامِ  
بركت ده بر كرامى معصوم و امام  
 الْمَظْلُومِ وَالشَّهِيدِ الْمُسْتَهْزَمِ وَالْغَرِيبِ  
مظلوم و شهيد مستهزم و غريب  
 الْمَغْصُومِ وَالْقَيْلِ الْحَرُومِ عَالِمِ عِلْمِ  
معصوم و كشته محروم دانای علم  
 الْمَلَكُومِ بِدْرِ الْجُودِ شَمْسِ الشُّمُوسِ  
پادشاه داد پستى آفتاب آفتابها



اَيْنِسُ النَّفُوسِ الْمَذْفُونِ بِأَرْضِ طُوسٍ  
محمّد بن قنبره درین راه شد و زمین طوس  
 الرَّضَى الْمُرْتَضَى الْمُنْتَجَى وَالشَّيْخُ الْمَشْهُورُ  
رضا راضی شونده و شیخ مشهور  
 الْعَادِلُ فِي الْقَضَاءِ الْإِمَامُ بِالْحَقِّ كُنْ  
عادل در حکم امام بحق  
 الْحَسَنِ الثَّانِي عَلَى بَنِي مُوسَى الرِّضَا  
حسن ثانی علی بن موسی الرضا  
 عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الصَّلَوةُ وَالسَّلَامُ  
بر ایشان باد درود رحمت و درود  
 عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى يَا  
بر تو ای ابی حسن ای علی بن موسی ای علی  
 الرِّضَا يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ يَا بَنِي مِيرِ الْمُشْتَرِ  
رضا ای بن رسول خدا ای بن پادشاه گردندگان  
 يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْفِهِ بِأَسْبَدْنَا وَ  
ای حجت خدا بر خلقش ای قاضی  
 مَوْلَانَا إِنَّا نُوَجِّهُنَا وَاسْتَشْفَعُنَا وَ  
مولا ای که ما را درودیم و طلب شفاعت میکنیم و  
 نَوَسِّلُنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّا بِكَ بَيْنَ  
چونکه بزرگواریم ما را به تو بوسی خدا و پیش در شکر ترا پیش

بَدَى حَاجَاتِنَا بِأَوْجِهٍ عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ  
در نزد حاجاتمان ای پادشاه در نزد خدا شفاعت کن  
 لَنَا عِنْدَ اللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ  
و در نزد خدا صلوات و درود رحمت و درود و زیاد کن  
 وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْعَادِلِ الْعَالِمِ الْعَامِلِ  
و بزرگوار کن بر آقای بهتر عادل عالم عامل کننده  
 وَالْكَرِيمِ الْفَاضِلِ الْكَامِلِ الْبَارِدِ  
و بزرگوار کن بر کامل بخت کامل بادل  
 وَالْغَيْثِ الْهَاطِلِ وَالشُّجَاعِ الْبَاسِلِ  
و باران و جنگاور و جنگاور  
 الْأَجُودِ الْجَوَادِ الْعَارِفِ بِأَسْرَارِ الْمُبْدَى  
بخشنده و سخاوتمند و شناسای پند و مبدا  
 وَالْمَعَادِ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ مَنَاصِرَ الْحَقِّ  
و معاد و برای هر قوم راهبر و مَنَاصِرِ حَقِّ  
 يَوْمَ يُنَادِي الْمُنَادُ الْمَعْرُوفَ بِالسَّيِّدِ  
روزی که ندا دهنده ندا کند بر آقای سید  
 الْمَذْكُورِ فِي الْهَدَايَةِ وَالْإِشَادِ الْمَذْفُونِ  
و یاد دهنده در هدایت و اشاره و مذکور در یاد دهنده  
 بِأَرْضِ بَغْدَادِ السَّيِّدِ الْعَرَبِيِّ وَالْإِمَامِ  
بر زمین بغداد آقای عرب و امام



الْأَحْمَدِيَّ وَالنُّورَ مُحَمَّدِيَّ الْمُلْكَبِ

ایمدهی در ششمی محمدی لقب است شده

بِالنَّفِيِّ الْأَمَامِ بِالْخَوَاتِمِ جَعْفَرِ الثَّانِي

بنفی امام الخواتم جعفر الثانی

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الصَّلَاةُ

محمد بن علی بر ایشان باد و درود

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدٌ

و درود بر تو ای ابای جعفر ای محمد

بْنِ عَلِيٍّ أَيُّهَا النَّفِيُّ الْجَوَادُ بَابُنْ رَسُولٍ

بن علی ای نفی جواد ای پسر رسول

اللَّهِ يَا بَنَ كَامِرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ

خدا ای پسر کاشاه کردندگان ای حجت خدا

خَلْفِهِ نَاسِدُنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا

خلق او ای آقای ما و مولای ما

نُوجِّهُنَا وَنُشْفِعُنَا وَتَوْسِلُنَا إِلَيْكَ

رواوردیم و طلب شفاعت میکنیم و تو پسرل میجویم

إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا

بنوی خدا و پیش از حاجت ما را

يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ أَشْفَعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

ای مقبول نزد خدا شفاعت کن ما را نزد خدا

اللهم

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى

خداوند رحمت و درود و از یاد کن و بركت ده

الْأَمَامِ الْهَدْيِ الْمُقْتَدِي التَّمَامِ الشَّيْدِ

امام امام الهدی مقتدی التمام الشیڈ

السَّنْدِ الْعَالِمِ الْمُسَدِّ الْفَاضِلِ الْكَامِلِ

سند عالمی مسد فیاضی کامل

الْبَازِلِ الْعَادِلِ الْعَامِلِ الْعَابِدِ الْآزِلِ

البازل عادل عامل عابد الازل

الْأَظْهَرِ الشَّمْسِ الْأَظْهَرِ الْقَمَرِ الْأَنُورِ

الاکبر الشمس الاظهر القمر الانور

الْكَوْكَبِ الْأَزْمَرِ النُّورِ الْأَنْهَارِ

الکوکب الازمر النور الانهار

الْحَرَمِ وَالْمَشْعَرِ كَفِ النَّفِيِّ وَغَوْثِ

حرم و المشعر کف النفی و غوث

الْوَرَى طُودِ النَّهْيِ عِلْمِ الْهَدْيِ بَدْرِ

الورای طود النهی علم الهدی بدر

الذَّحَى الْمَذْفُونِ بِسِرِّ مَنْ رَأَى السَّيِّدِ

الذحی المذفون بسیر من رای السید

النَّفِيِّ الْهَادِي الرَّضَى الْأَمَامِ بِالْخَوَاتِمِ

بنفی الهادی الرضی الامام بالخواتم

بِرَبِّكَ رَأَيْتُ حَشَوْدَ أَمَامِ ابْرَأَيْتِي بِدْرِ

بربک را اینها حشود امام ابرایتی بدر



الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمَتِهِ الْكَافِيَةِ  
سید علی و سید محمد  
 عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ  
بر ایشان باد درود رحمت و درود بر تو  
 يَا عَلِيُّ نَزِمْتُ بِهَا النِّقَى الْهَادِي  
ای علی و سید محمد علی را بنما  
 يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ يَا بَنِي الْأُمْنِيِّينَ يَا  
ای رسول خدا ای بنی امیر المؤمنین ای  
 حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْفِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا  
حجت خدا بر خلفش ای آقای ما و مولای ما  
 إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَشَّلْنَا  
که ما را در آوریم و طلب شفاعت میکنیم و توسل بریم  
 بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّاكَ بَيْنَ يَدَيِ  
بنو رسول خدا و پیش رویم میان شما  
 حَاجَاتِنَا يَا وَحِيَّاهُ عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ  
حاجت های ما ای یقین دهنده نزد خدا شفاعت کن  
 كُنَّا عِنْدَ اللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَرَدِّ  
ما را نزد خدا مژداند و رحمت و درود و زیارت  
 وَبَارِكْ عَلَى الْأِمَامِ الزَّكِيِّ وَالْهَامِ السَّيِّدِ  
و برکت ده بر امام پاک و امام سیدی

الثناء

الثَّمَامُ الْمَلِكُ وَالسَّيِّدُ الْوَلِيُّ السَّنَدُ النُّقَى  
امام پادشاه و سید و ولی و سید و سید  
 وَالْعَالَمُ الصَّفِيُّ الْفَاضِلُ الْوَصِيُّ الْكَامِلُ  
دو عالمی پاک و برتر و زاهد و کامل  
 الرِّضَى الْعَادِلُ الْمُرْتَضَى الْعَابِدُ الْبَهِيُّ وَ  
رضی عادل و مرخص و عابد و پدید  
 النُّورُ الْمُنِيُّ الْقَمَرُ السَّنِيُّ الْخَكْوَكُ  
روشن و روشن و ماه و روشن  
 الدَّرِيُّ الْمَلْفُ الْعَسْكَرِيُّ السَّيِّدُ الْوَلِيُّ  
درخت و ملک و سوار و سید و ولی  
 النُّهَى مُقْتَدَى أَهْلِ النِّقَى الْعَرَفُ الْمَوْجِدُ  
نهی و مقتدا و اهل حق و معرفت و یاب  
 وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا الْمَذْفُونُ بِسَمْنٍ  
و حجت بر اهل دنیا و مدفون بزمین  
 رَأَى كَاشِفَ الْبَلَوَى وَالْمَحْرُصَاحِ  
دید برطرف کننده بلا و محروسه صاحب  
 الْجُودِ وَالْمِنْزِ الْأَمَامِ بِالْحَقِّ كَيْ مُحَمَّدٍ  
بخشش و دین و مقام امام با حق که محمد  
 الْحَمْدُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ  
ستایش بر ایشان باد درود رحمت و درود



عَلَيْكَ يَا أبا مُحَمَّدٍ بِأَحْسَنِ نَزْعٍ عَلَى  
 أَيُّهَا الرِّكَزِيُّ الْعَسْكَرِيُّ بَابِ بْنِ رَسُولٍ  
 اللَّهُ يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى  
 خَلْفِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا نُجَاهُنَا  
 وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَ  
 قَدْ مَنَّاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا وَأَوْجِهَاتِنَا  
 عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ اللَّهُمَّ  
 صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى خَلِيفَتِكَ  
 الدَّعْوَى النَّبَوِيَّةِ وَالصُّوْلَةِ الْحَبْدَرِيَّةِ  
 وَالْعِزَّةِ الْفَاطِمِيَّةِ وَالْحِلْمِ الْحُسَيْنِيِّ

والتَّجَامُ

وَالتَّجَامُ الْحُسَيْنِيَّةِ وَالْعِبَادَةِ التَّجَادِيَّةِ  
 وَالْمَنَازِلِ الْبَاقِيَّةِ وَالْأَمَارِ الْجَعْفَرِيَّةِ وَ  
 الْعُلُومِ الْكَاطِبِيَّةِ وَالْحُجَّجِ الرُّضَوِيَّةِ  
 وَالْجُودِ النَّقُوبِيَّةِ وَالنِّفَاقِ النَّقُوبِيَّةِ  
 وَالْهَيْبَةِ الْعَسْكَرِيَّةِ الْقَائِمِ بِالْحَقِّ  
 وَالِدَاعِي إِلَى الصِّدْقِ الْمَطْلُوقِ كَلِمَةِ اللَّهِ  
 وَأَمَانَ اللَّهِ وَحُجَّةَ اللَّهِ الْمُقْسِطِ لِدِينِ اللَّهِ  
 الْقَائِمِ بِحُكْمِ اللَّهِ الْغَالِبِ بِأَمْرِ اللَّهِ وَالِدِ الدِّعْوَى  
 عَنْ حَرَمِ اللَّهِ إِمَامِ السِّرِّ وَالْعِلْمِ دَافِعِ  
 الْكَرْبِ وَالْمَحْزِ الْإِمَامِ بِالْحُجُوبِ كَيْدِ الْفَانِئِ



مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ صَلَاحٍ لِمَا نَزَلَ  
محمد حسن صاحب الزمان  
 خَلِيفَهُ الرَّحْمَنَ وَمُظَاهِرَ الْإِيمَانَ وَ  
جامعین بخشاینده در روشنی ایمان  
 فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَسَيِّدَةَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْحُجَّةِ  
قطعه کننده و محبت دانا ایس و جنت  
 صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ  
رحمتی خدا و درود او برادر و بر ایشان  
 أَجْمَعِينَ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ  
درود رحمت بر تو  
 يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلَفَ الصَّالِحَ يَا  
ای وصی حسن و جانشین صالح ای  
 إِمَامَ زَمَانِنَا إِنِّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ  
ایمام زمان ای ایستاده انتظار برنده  
 الْمَهْدِيُّ بِابْنِ رَسُولِ اللَّهِ بِابْنِ مَرْيَمَ  
راهبر ای پسر رسول خدا ای پسر و دختر  
 الْمُؤْمِنِينَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْفِهِ  
گروندگان ای حجت خدا حقیقت  
 يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا  
ای قایم و مولای ما که آرد و آیدیم و طلب شفاعت کردیم

وَمَوْلَانَا

وَتَوَسَّلْنَا إِلَيْكَ يَا أَلِ اللَّهِ وَقَدْ مَنَّكَ بَيْنَ  
و تو پسر پسر پسر پسر خدا و پیش و پس از ما میان  
 بَدَى حَاجَاتِنَا يَا وَجْهَهَا عِنْدَ اللَّهِ  
خاسته های خود ای مقبول نزد خدا  
 اشْفَعْ كُنَّا عِنْدَ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَقُولُ  
شفاعت کن ما نزد خدا بار خدا ای که این حاجت  
 آمَنَّا وَسَادَتْنَا وَقَادَتْنَا وَكَبَّرْنَا  
ایمان و آقا یان و بزرگان و بزرگان  
 وَشَفَعْنَا وَنَابَهُمْ نَوَلَى وَمِنْ عُدَائِهِمْ  
رضایان بایشان ای پسر پسر و از دشمنان ایشان  
 نَشَرْنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ خَفِّضْ  
بزارم در دنیا و آخرت خداوند حفظ کن  
 بِهِمْ عِزَّتَنَا وَافْضِنْهُمْ حَوَائِجَنَا وَكُنَّا  
ایشان عزت و غلبه کن بایشان حوائج ما و کفایت کن ما  
 بِهِمْ مَا أَمَنَّا وَفَرِّجْ بِهِمْ هُمُومَنَا  
ایشان بفرم و دلت بایشان ببرد  
 وَأَكْشِفْ بِهِمْ غَمُومَنَا وَاجْلُ  
در طریقت کن بایشان غمهای ما و بزرگ کن  
 فُهِمَ آخِرَاتَنَا وَاصْحَبْ بِهِمْ أَبْدَانَنَا وَوَسِّعْ  
بایشان اندوه و وسعت ده بایشان بدنه های ما و فراخ کن



بِهِمْ أَرْزُقْنَا وَطَهِّرْهُمْ أَخْلَاقَنَا  
ایشان روزی و پاک کن ایشان اخلاق  
 وَذَهِّبْهُمْ أُمْلَاقَنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْ  
دور ایشان املای ما خداوند اجودان  
 صَلَاتِنَا بِهِمْ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا بِهِمْ  
نماز ما را ایشان مقبول و گناه ما را ایشان  
 مَغْفُورَةً وَغُيُوبَنَا بِهِمْ مَسْنُونَةً وَ  
امر زنده و غیوب ما را ایشان پرستیده  
 أَرْوَاحَنَا بِهِمْ طَيِّبَةً وَأَعْمَالَكَ نَايِمَةً  
روحهای ما را ایشان پاکیزه و اعمال ما را ایشان  
 مَبْرُورَةً وَقُلُوبَنَا بِهِمْ مَسْرُورَةً وَ  
روحهای ما را ایشان آخر حال  
 نَفُوسَنَا بِهِمْ مُطَهَّرَةً وَدَعْوَتَنَا بِهِمْ  
نفسهای ما را ایشان پاکیزه و دعوت ما را ایشان  
 مُسْتَجَابَةً وَخَوَاجِنَا بِهِمْ مَقْضِيَةً  
اجابت و حاجات ما را ایشان برآورده  
 وَدَرَجَاتِنَا بِهِمْ مَرْفُوعَةً وَأَفَانِنَا بِهِمْ  
درجات ما را ایشان بلند و درویشان ما را ایشان  
 مَدْفُوعَةً وَأَرْزَاقَنَا بِهِمْ مَبْسُوطَةً  
در روزهای ما را ایشان پس گردیده

وَكُفِّنَا

وَأَنْفُسَنَا بِهِمْ مُكَفَّرَةً وَأَعْدَانَنَا بِهِمْ  
انفس ما را ایشان پاکیزه و دشمنان ما را ایشان  
 مَقْهُورَةً وَأَرْزَاقَنَا بِهِمْ مَدْفُوعَةً  
مقتور و روزهای ما را ایشان  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ وَ  
خداوند من را بپستی و حق ایشان بر تو  
 بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ  
حق تو بر ایشان که در حق فرستی بر محمد  
 وَآلِهِ وَأَنْ تَغْفِرَ ذُنُوبِي وَتَفْرِجَ كَرْبِي  
والی او و گناههای من را بپوش و اندوه مرا  
 وَتَنْقِرَ هَمِّي وَتَكْشِفَ غَمِّي وَتُطِيلَ عُمُرِي  
دشمن من را و در طرف من عمر مرا و درازان عمر مرا  
 وَتُوسِعَ رِزْقِي وَتَقْضِيَ دَعْوِي وَتُؤَمِّنَ  
و گشاید روزی مرا و دعا مرا و امان مرا  
 خَوْفِي وَتَنْفِكَ أَسْرِي وَتَشْدُدَ أَرْكَ  
ترس مرا و درازان اسیر مرا و سخت کن  
 وَتَحْطُ وَزْرِي وَتَمْخِي السَّلَامَةَ فِي  
در مرا و سلامت  
 دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي  
دین من و جان من و اهل من و مال من و فرزندان من



وَصَلِّ لِيْ اَحْوَالِيْ وَتُبَارِكْ لِيْ اَعْمَالِيْ  
وَتُبَلِّغْنِي الْمَالِي وَتُمْنِعْنِي لِسَمِيْعِي  
وَبَصَرِي وَتَجْعَلْهُمَا الْوَارِثِيْنِي  
اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ بِالْاِجْمَاعِ  
جَدِيْرٌ وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا  
وَبَيْنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ  
دَعَايِ اَخِيْنَ تَامِرَات

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيْمِ  
اللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ  
وَاَنْتَ الْاٰخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ

الظاهر

الظَّاهِرُ فَلَيْسَ قَوْفَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الْبَاطِنُ  
فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الْغَزِيْرُ الرَّحِيْمُ  
سُبْحَانَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا حَنَّانُ  
يَا مَنَّانُ يَا بَدِيْعَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يَا ذَا  
الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ  
وَبِحَقِّ اَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ وَوَسِيَّتِهِ  
وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ وَبِحَقِّ اَبِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
وَبِحَقِّ عَلِيٍّ وَبِحَقِّ اَكْبَرُ عَلِيٍّ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ  
وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ  
وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ



وَكَأَنْتَ قَدِيمُ الْإِحْسَانِ أَتَقْبَلُ تَوْبَتِي

در توبه و پشیمانی احسان که قبول کنی توبه مرا

وَتَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَتَقْضِيَ لِحَاجَتِي

و بیامرزی گناه مرا و برآور می برای من حاجت من

بِحُجَّتِي مَدَدُ إِلَهِ الطَّاهِرِينَ

بجای مجتهد و آل او که پاکان پاکیزه باشند

### دُعای سنات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم نامی بخشاینده مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ

خدایا من از تو بپیش نام بزرگ تو می خواهم

الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ الَّذِي

بزرگوار است عزیز و بزرگوار و دیرینه که

إِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى مَخَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ

هرگاه خوانده شود تو بر غفلهای دروازه های آسمان

لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ وَعَلَى مَضَائِقِ

برای توبه شدن رحمت گشوده شود و در نیکیهای

أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ وَإِذَا

در اسی زمین برای باز شدن باز شود و هرگاه

دُعِيتَ

دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْعِصْرِ اللَّيْلِ تَنْبَسِرُ وَإِذَا

خوانده شد یعنی در دوشنبه برای بسیار آسان شود و هرگاه

دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْأَمْوَالِ لِلنَّشْوِ انْتَشِرَتْ

خوانده شود آن بر مرده ان از برای زنده شدن ان زنده شود

وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى كَيْفِ الْبَاسَاءِ وَ

و هرگاه خوانده شود بان برزائی شدن پستی را

الْفُضَاءِ انْكَشَفَتْ وَبِحِلَالِ رَوْحِكَ

بر حال که زایل گردند و بپیر طهارت ذات تو

الْكَبَرِيِّمِ أَكْرَمِ الْوُجُوهِ وَأَعَزِّ الْوُجُوهِ

کرامتی تر گرامی تر و عزیز تر و عزیز تر و بزرگوار

الَّذِي عَنَّتْ لَهُ الْوُجُوهُ وَخَضَعَتْ لَهُ

که از پیشگاه او سر نهاده و رو بپا و خاضع اند مراد او

الرُّقَابُ وَخَضَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ وَوَجَلَّتْ

گردنهای و پشت نهاده مراد او صدای و ترسانند

لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِكَ وَيَقُولُكَ إِلَهِي

مارا و الهما از ترس تو و بگویند تو که

تَمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ

تا نگه داری آسمانها که نیفتد بر زمین

إِلَّا بِإِذْنِكَ وَتَمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

مگر باذن تو و نگاه داری آسمانها و زمین را



أَنْ تَزُولُوا أَكْثَرُ النَّبَاِ زَكَّيْتُمْ أَنْ تُفَكِّمُوا مِنْ

المراد ان تزلوا اكثر النبا زكيتكم ان

أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكُمْ وَعَمَّ يَتَّبِعُكَ الْإِنْسَانُ

احد من عبادك وعم يتركك الانسان

لَهَا الْعَالَمُونَ رَبِّكَ الْخَلْقُ

لها العالمون ربك الخلق

بِهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَبِحُكْمِكَ

بها السموات والارض وبحكمك

الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ وَخَلَقْتَ

التي صنعت بها العجايب وخلق

بِهَا الظُّلُمَ وَجَعَلَهَا لِبَلَا وَجَعَلْتَ

بها الظلم وجعلها لبلا وجعل

اللَّيْلَ سَكَنًا وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ

الليل سكونا وخلق بها النور

جَعَلْتَ نَهَارًا وَجَعَلْتَ النَّهَارَ نُورًا

جعلت نهارا وجعلت النهار نور

مَبْصَرًا وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ

مبصرا وخلق بها الشمس وجعل

ضِيَاءً وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ

ضياء وخلق بها القمر وجعل

الْقَمَرَ نُورًا وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَكِبَ وَجَعَلَهَا

القمر نورا وخلق بها الكوكب وجعلها

نُورًا وَجَعَلْتَ بِهَا مَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرَجَا

نورا وجعلت بها مصابيح وزينة ورجا

وَجَعَلْتَ لَهَا مَسَارِيرَ وَمَنَارِبَ وَجَعَلْتَ

وجعلت لها مساريق ومناريب وجعل

لَهَا مَطَالِيعَ وَبَحَارِي وَجَعَلْتَ لَهَا نَافِلًا

لها مطاليع وبحاري وجعلت لها نافل

وَمَسَابِيحَ وَقَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَارِبَ

ومسابيح وقدرتها في السماء مناريب

فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا وَصَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنَ

فاحسن تقديرها وصورتها فاحسن

نُصُورَهَا وَأَخَصَبَتْهَا بِأَسْمَائِكَ إِخْصَاءً

نصورها واخصبتها باسمائك اخصاء

وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمِكَ تَدْبِيرًا وَاحْسَنَ

ودبرتها بحكمك تدبيرا واحسن

تَدْبِيرَهَا وَسَخَّرْتَهَا بِطَارِ الْبَلَدِ

تدبيرها وسخرتها بطار البلد

سُلْطَانِ النَّهَارِ وَالسَّاعَاتِ وَعَدَدَ

سلطان النهار والساعات وعدد



السَّيْنِ وَالْحَبَابِ وَجَعَلَتْ رُؤُوسَهَا  
 سبائها وحباب در آینه تو وین آرا  
 لِحَبِيبِ النَّاسِ مِنْ دُونِ وَاحِدٍ وَأَسْأَلُكَ  
 برای همه مردم یک دین و سوال میکنم ترا  
 اللَّهُ تَجِدُكَ الَّذِي كَلَّمْتَهُ عَبْدُكَ  
 خداوند را بیز تو که سخن گفتی با آن بنده تو  
 وَرَسُولَكَ مُوسَى بِرِغَمِ رَأْسِهِ  
 و رسول تو موسی پسر عمران برادر بار  
 السَّلَامُ فِي الْمَقْدِسَيْنِ فَوْقَ أَحْسَاسِ  
 درود در مقدسین بالای حدای  
 الْكَرْوَيْنِ فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ  
 مفرمان بالای غمهای روشن  
 فَوْقَ تَابُوتِ الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ  
 بالای صندوق شهادت در عمود آتش  
 وَفِي صُورِ سَيْنَاءَ وَفِي جَبَلِ حُورَيْثَ  
 در صور سینا و در کوه حوریت  
 فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ  
 در وادی مقدس پاینده در بقعه مبارک  
 مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ وَ  
 از جانب کوه طور ایمن از درخت

أَرْضَ مِصْرَ يَبْسُجُ أَبَابَ بَيْتِكَ وَبِوَمِ قَرَفَتِ  
 زمین مصر بند بابت رشت و بوم فرقت  
 لِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْخَرَوُ فِي الْمَشْجَاتِ إِلَيْكَ  
 از بنی اسرائیل در خرو و در مشجات  
 صَعَبَهَا الْجَحَابُ فِي بَحْرِ سَوْفٍ وَعَقْدَتْ  
 جوشیده بآن بجاها در دریای سرف و بست  
 مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْغَيْرِ كَالْحَبِّ وَ  
 آب دریا در میان دریا مانند سبب  
 جَاوَزَتْ بَنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ وَكُنْتَ  
 گذرانده بنی اسرائیل از دریا و تمام شد  
 كَلِمَتُكَ الْحَسَنَى عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوا وَأَوْفَيْتَهُمْ  
 کلمه نیکو ده بر ایشان آنچه صبر کرده و وفا دادی  
 مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمُعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْتَ  
 مشرقهای زمین و مغربها که برکت دادی  
 عَلَيْهِمْ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ  
 بر ایشان در آن برای عالمان و غرق کردی فرعون را  
 وَجَنُودَهُ وَمَرَاكِبَهُ فِي الْيَمِّ وَبَيْنِكَ  
 و لشکر او و چهارپایان او در دریا و سامت  
 الْعَظِيمِ الْأَعْظَمُ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ  
 بزرگ بزرگوار است بزرگوار و گرامی تر



وَتَجِدُكَ الَّذِي تَجَلَّيْتُ بِهِ لِمَوْثَى كَلِمَتِكَ  
 دین تو را می تو که <sup>سجده کردی بان برای موسی</sup> <sup>بسم الله الرحمن الرحيم</sup>  
 عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَوْرِ سُبْحَانَةٍ وَلَا يَهْمُ  
 بر او باد درود <sup>در کوه طور سبنا</sup> <sup>در برای ابراهیم</sup>  
 خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلُ فِي  
 دوست تو <sup>بر او باد درود</sup> <sup>پیش از آن در</sup>  
 مَجْدِ الْخَفِيِّ وَلَا يَسْتَحِقُّ صَفِيكَ  
 سجد <sup>خف</sup> <sup>در برای اسحق</sup> <sup>بر کزاده تو</sup>  
 عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَرِّ شَيْعٍ وَلِيَعْفُو  
 بر او باد درود <sup>در برای شیعی</sup> <sup>در برای یعقوب</sup>  
 نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ اِيلَ وَ  
 و پیغمبر تو <sup>بر او باد درود</sup> <sup>در خانه خدا</sup>  
 اَوْفَيْتَ لِابْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِيثَاقِكَ  
 تمام شد <sup>در برای ابراهیم</sup> <sup>بر او باد درود</sup> <sup>بر پیمان تو</sup>  
 وَلَا يَسْتَحِقُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِحَلْفِكَ وَ  
<sup>در برای اسحق</sup> <sup>بر او باد درود</sup> <sup>بر کذ خود</sup>  
 لِيَعْفُو عَلَيْهِ السَّلَامُ بِتَهَادُثِكَ  
<sup>برای یعقوب</sup> <sup>بر او باد درود</sup> <sup>کذ می خود</sup>  
 وَلِلْيَوْمَيْنِ بَوْعْدِكَ وَلِلدَّاعِيْنَ بِاسْمِكَ  
<sup>در برای یومنان</sup> <sup>بر عده تو</sup> <sup>در برای دعا کننده گان بناهای تو</sup>

فَاجِبَةٍ وَتَجِدُكَ الَّذِي ظَهَرَ لِيُوسَى  
<sup>پس کتاب را می دین تو را</sup> <sup>که</sup> <sup>نمود شد برای موسی</sup>  
 بِرَحْمَةِ رَأْفَتِهِ السَّلَامُ عَلَى قَبْتِهِ  
<sup>پس رحمان</sup> <sup>بر او باد درود</sup> <sup>بر سبت</sup>  
 الزَّمانِ وَبِإِيَّائِكَ الَّتِي وَقَعْتَ عَلَى اَرْضِ  
 زمان <sup>و ایات تو که</sup> <sup>بلند شد بر زمین</sup>  
 مِصْرَ تَجِدُ الْعِزَّةَ وَالْغَلْبَةَ بِإِيَّائِكَ  
 مصر <sup>بزرگواری</sup> <sup>عزت</sup> <sup>و غلبه</sup> <sup>بمجازات</sup>  
 غَزِيْرَةٍ وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ وَبِعِزَّتِهِ  
<sup>مات</sup> <sup>و بپادشاهی</sup> <sup>قوت</sup> <sup>و بعزت</sup>  
 الْقُدْرَةِ وَبِشَانَ الْكَلِمَةِ الشَّامَةِ وَ  
<sup>زمانی</sup> <sup>و شان</sup> <sup>و کلمه</sup> <sup>شامه</sup>  
 بِكَلِمَاتِكَ الثَّامَاتِ الَّتِي تَفْضُلُكَ  
<sup>بکلمات خود</sup> <sup>که تمام شد</sup> <sup>که</sup> <sup>مصل زدگی</sup>  
 بِهَا عَلَى أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
<sup>بان</sup> <sup>بر</sup> <sup>اهل</sup> <sup>آسمانها</sup> <sup>و زمین</sup>  
 أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَبِرَحْمَتِكَ  
<sup>اهل</sup> <sup>دنیای</sup> <sup>و آخرت</sup> <sup>و رحمت تو</sup>  
 الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ  
<sup>که</sup> <sup>منت گذاشته باشی</sup> <sup>بر همه</sup> <sup>خلق تو</sup>



بِاسْطِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ  
بنوا کر که از پروردگارتان بر عالمیان  
 وَنُورِكَ الَّذِي فَدَحْرَ مِنْ فَرْعِهِ طُورُ  
و بنور تو که صفتی ازین افتاد و از سرسبز آن کوه طور  
 سِنَاءَ وَبِعِلْمِكَ وَجَلَّالِكَ وَكِبَرِيَّاتِكَ  
سینا و بعلم تو و جلال تو و بزرگواری تو  
 وَعِزَّتِكَ وَجَبْرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْفِكْهَا  
و عزت تو و بزرگواری تو که نیامرد  
 الْأَرْضُ وَانْخَفَضَتْ كَمَا السَّمَوَاتُ  
زمین را و پست شد مرازا آسمانها  
 وَأَنْزَجَرَهَا الْعُمُقُ الْأَكْبَرُ وَوَكَّدَتْ  
و منجر شد مرازا عمق بزرگتر و سیاه کردید  
 كَمَا الْبَحَارُ وَالْأَنْهَارُ وَخَضَعَتْ لَهَا  
مرازا دریاها و نهرها و مقادیر کردید مرازا  
 الْخِيَالُ وَسَكَتَ لَهَا الْأَرْضُ عَمَّا كَانَتْ  
کوهها و سیاه کن کردید مرازا زمین را که بهیما  
 وَأَسْتَسَلَّتْ لَهَا الْخَلَائِقُ كُلُّهَا وَ  
و مقادیر کردید مرازا مخلوقات  
 خَفَقَتْ لَهَا الرِّيحُ فِي جُرَائِهَا وَخَدَّتْ  
مضطرب کردید مرازا باد را در اوجش و درویشیست

كَمَا الْبُيُوتُ فِي أَوْطَانِهَا وَبِالْجَانِكِ  
مرازا بنیادها در جایگاهها و بناها  
 الَّذِي عُرِفَتْ لَكَ بِهِ الْغَلْبَةُ دَهْرُ  
که شناخته شد و مرازا آن غلبه درون  
 الدُّهُورِ وَوَحْدَتُكَ فِي السَّمَوَاتِ وَ  
در برهانها و سباسب کردی آن در آسمانها  
 الْأَرْضِ وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةُ الصِّدْقِ  
زمین را و بیک کلمه تو کلمه راستی  
 الَّتِي سَفَيْتَ لَابْنِ آدَمَ وَذُرِّيَّتِهِ  
که پست شد برای پسر آدم و ذریه آن  
 بِالرَّحْمَةِ وَأَسْأَلُكَ بِكَلِمَتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ  
و رحمت و سوال میکنم تو بیک کلمه تو که غلبه کردید  
 كُلَّ شَيْءٍ وَنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّى  
بر هر چیزی و نور ذات مقدس تو که تجلی کردی  
 بِهِ لِلْحَيْلِ فَجَعَلْتَهُ دَكَاةً وَخَرَّ مُوسَى  
آن برای کوه پس گردانید مرازا چو در افتاد موسی  
 صَعْقًا وَنَجَّدَكَ الَّذِي قَلَّمَ عَلَى  
بهرش و نجات کردی تو که قلم برداشت  
 طُورِ سِنَاءَ فَكَلِمَتُكَ عِنْدَكَ وَرَسُولُكَ  
طور سینا پس سخن گفتی آن بنده تو و رسول تو



مُوسَى نَزَعْنَاهُ مِنْ عَيْنِ السَّلَامِ وَ  
 بَطَلْنِيكَ فِي سَاعَةٍ وَظَهَرَ لَكَ فِي  
 جَمَلٍ فَا زَانِ بِرَبِّكَ الْمَقْدَسِيزِ وَ  
 خُودِ الْمَلَائِكَةِ الصَّافِيْنَ وَ  
 خُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ وَبِرَّكَ  
 إِلَهِي بَارَكَتْ فِيهَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ  
 عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَمْنٍ مُحَمَّدٍ صَلَ  
 اللَّهُ عَلَيْكَ وَإِلَيْهِ وَبَارَكَتْ لِأَسْمَحُ  
 صَفِيكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَمْنٍ عَلَيْهِ  
 عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَارَكَتْ لِيَعْفُوبَ

استاذك

اِسْرَائِيلَ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَإِنَّمَا مَوْ  
 عَلَيْكَ السَّلَامُ وَبَارَكَتْ لِحَبِيبِكَ  
 مُحَمَّدٍ صَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَإِلَيْهِ وَغَيْرُهُ  
 وَذُرِّيَّتِهِ وَآمَنِيهِ اللَّهُمَّ وَكَمَا  
 غَنَّا عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ تَشْهَدْ وَأَمَّا  
 بِهِ وَلَمْ نَنْ صَدَقًا وَعَدًا لَشَتَّكَ  
 أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ  
 أَنْ تَبَارِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ  
 وَأَنْ تَرْحِمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ  
 كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكَتْ وَخَشَعْتَ



وَتَقَرَّبْتَ عَلَيَّ بِرُحْمَةٍ وَالْأُفْقُومِ إِنَّكَ  
دو هم کردی بر من ای سیر  
 حَمِيدٌ مَجِيدٌ فَعَالَ لِمَا تُرِيدُ وَأَنْتَ عَلَيَّ  
شتر از هر خواهی گشته مرا آنچه را خواهی و خواهی  
 كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَيْسَ بِكَ حَاجَةٌ لِي بِشَيْءٍ  
هر چیزی توان  
 اَكُنْ وَتَكُنْ يَا اللَّهُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا  
ای بخشنده ای بسیار رحمت کننده ای  
 بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ  
بدیع آفریده آسمانها و زمین ای خدایاوند جلال  
 وَالْإِكْرَامِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا اَرْحَمَ  
و بزرگ ای زنده ای پاینده ای مهربانتر  
 الرَّاحِمِينَ لَيْسَ بِكَ كَوَالِدٌ لِمَنْ يَخْوِفُهُمْ  
از حیوان خداوند که می ترساند  
 الدُّعَاءِ وَيَخْوِفُهُمْ الْأَسْمَاءُ الَّتِي  
دعا و گفتن این نامها  
 لَا يَعْلَمُ تَقْرِيرَهَا وَلَا تَأْوِيلَهَا وَلَا  
می داند اقرار آن و نه تاویل آن و نه  
 يَعْلَمُ ظَاهِرَهَا وَلَا بَاطِنَهَا غَيْرُكَ صَلَ  
می داند ظاهر آن و نه باطن آن غیر تو رحمت

عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ  
خود را بر تو و بر محمد را بر تو یاد کن و کن  
 وَاعْفُ عَنِّي ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا  
و بسیار از گناهان من تا پیش از این و بعد از این  
 تَأَخَّرَ وَوَسِّعْ عَلَيَّ مِنْ حَالِ لَوْ رَزَقَكَ  
بعد از این و تا آخر روزی تو  
 وَأَكْفِنِي مَوْنَهُ إِنِّ شَانِ سَوْءٍ وَجَارِ  
روشن کن از غم من و از غم من و از غم من  
 سَوْءٍ وَسُلْطَانِ سَوْءٍ إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ  
بزرگ و پادشاه و بزرگ و پادشاه  
 قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ أَمِينُ يَا رَبَّ  
توانا و هر چیزی دانایا و ای صاحب کرمی و بزرگوار  
 الْعَالَمِينَ وَكَرَّمْتَ الْأَنْبِيَاءَ بِصِبْغِ الْخَيْرِ  
عالمان و بزرگوار کردی انبیا را با صبغ خیر  
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَافْعَلْ  
رحمت بر محمد و بر محمد و بر محمد  
 بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ  
بمن آنچه تو را آهسته و از من و از من و از من



أَفْهَلُهُ وَانْتَقِمَ لِي مِمَّنْ يُؤْذِنِي وَغَفِرَ لِي  
 دُنُوِي تَاخِرًا كَيْدِي كَذِبًا وَخَيْرَ نَصِيحًا  
 اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ وَبِحَقِّ هَذِهِ  
 الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَقْسِيرَهَا وَلَا  
 تَأْوِيلَهَا وَلَا بَاطِنَهَا وَلَا ظَاهِرَهَا  
 غَيْرُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
 مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُزِدَ خَيْرَ الدُّنْيَا  
 وَالْآخِرَةِ لِي يَا خَيْرَ الْخَلْقِ بَطْلَانًا وَكَوْنًا  
 وَأَفْعَالًا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَقْعَلْ لِي

ماانا

مَا أَكُنَا أَهْلُهُ وَانْتَقِمَ لِي مِمَّنْ يُؤْذِنِي  
 وَغَفِرَ لِي دُنُوِي تَاخِرًا كَيْدِي كَذِبًا وَخَيْرَ نَصِيحًا  
 تَاخِرًا وَلِوَالِدِي وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ  
 وَلِلْمُؤْمِنَاتِ وَوَسَّعَ عَلَيَّ مِنْ حِلَالِ  
 رِزْقِكَ وَكَفَّنِي مَوْتَهُ إِنْسَانٍ سَوٍّ  
 وَجَارٍ سَوٍّ وَسُلْطَانٍ سَوٍّ وَفَرَسٍ  
 سَوٍّ وَهَوْمٍ سَوٍّ وَسَاعَةٍ سَوٍّ وَانْتَقِمَ  
 لِي مِمَّنْ يَكِيدُنِي وَمِمَّنْ يَبْغِي عَلَيَّ وَيُرِيدُ  
 سُوءَ وَبَاطِلٍ وَأَهْلِي وَأَوْلَادِي وَأَخْوَانِي وَ  
 جِيرَانِي وَقُرْبَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ



الْمُؤْمِنَاتِ ظُلُمًا إِنَّكَ عَلَى مَا تُنْشِئُ قَدِيرٌ وَ

بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ

بِسْمِكَ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الدُّعَاءِ

تَقْضِلْ عَلَى فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

بِالْغِنَى وَالثَّرْوَةِ وَعَلَى مَرْجَةِ الْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصَّحَةِ وَ

عَلَى أَحِبَّاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

بِالْطُّفِ وَالْكَرَمِ وَعَلَى أَمْوَالِ الْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَ

عَلَى سَائِرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْإِذْنِ

بِسْمِ قُرْآنِ مَرْدَانِ مَرْوَمَنَ وَزَمَانِ مَرْوَمَنَ بَرَكُوا يَمْدَنَ

إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَامِعٌ غَانِمٌ بِرَحْمَتِكَ

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى

طَاهِرِينَ وَوَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

أَنْزَلَتْ بِطَرَفِكَ خَيْرَ الْخَيْرِ عَلَيْكَ الْمَلَكُ الْمُبَارَكُ

يَا عَالِي الْعَرْشِ عَالِي الْعَرْشِ عَالِي الْعَرْشِ

غِيَاثِي عِنْدَ شِدَّتِي وَبَاوِلِي فِي

نَعْيِي وَبَايُحْيِي فِي حَاجَتِي وَبَا

مُقَرِّعِي فِي وَرَعِي وَبَامْنِفِدِي مَنْ

هَلَاكِي وَبَاكَالِي فِي وَحْدِي

بِسْمِ قُرْآنِ مَرْدَانِ مَرْوَمَنَ وَزَمَانِ مَرْوَمَنَ بَرَكُوا يَمْدَنَ



صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَغْفِرْ

لِي خِيَّتِي وَبَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاجْمَعْ

لِي شَمْلِي وَانْجِ لِي خَلْبَتِي وَأَصْلِحْ لِي

شَأْنِي وَكَفِّنِي مَا أَهْتَنِي وَاجْعَلْ لِي

مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا وَلَا تُقِرْ

بَيْنِي وَبَيْنَ الْعَافِيَةِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي

وَعِنْدَ وَفَائِي إِذَا تَوَقَّيْتَنِي يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

دُعَايِ صَبَاحُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا مَنْ دَلَّ لِيَاكَ الصَّبَاحُ بِطَوْبِهِ

وَسَرَّحَ فَطَعَ الْبَلَدَ الْمَظْلَمَ بَغْيَاهِبِ

تَحْلِيهِ وَاتَّقِنَ صُنْعَ الْفَلَكِ الذَّوْدِ

فِي مَقَادِيرِ تَبْرِجِهِ وَشَعِشَعِ صَبَاءِ الثَّمَنِ

بِنُورِ نَاجِيهِ يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ

بِذَاتِهِ وَنَزَّ عَنْ مَجَانَّتِهِ مَخْلُوقَاتِهِ

وَجَعَلَ عَنْ مَلَأَةِ كَيْفِيَّتِهِ يَا مَنْ

فَرَّبَ مِنْ خَوَاطِرِ الظُّنُوزِ وَبَعْدَ عَيْنِ

مَلَأَةِ الْعُيُونِ وَعَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَكَ



أَنْ يَكُونَ بَأْسٌ رَفَدَنِي فِي مَهَادِ أَمْنِهِ  
افزود ای که خوار باشد مرا در پستگاه امن خود  
 وَأَمَانِهِ وَأَقْطَعُ إِلَى مَا يَخْتَنِي بِهِ مِنْ  
و اما آن خود و پندار باشد مرا آنچه پنهان فرموده بآن از  
 مَنِّهِ وَاحْسَانِهِ وَكَفَاكَ الشُّؤْ  
مستوی خود و سنگین خود و بزرگوار است بر بجهای بدی  
 عَنْ يَدَيْهِ وَسُلْطَانِهِ صَلَّ اللَّهُ عَلَيْهِ  
از من بدست خود و پادشاهی خود رحمت است خداوند بر  
 الدَّلِيلَ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الْإِلْبِلِ وَ  
راهنمای بنو در شب سعاد تاریک و  
 الْمَاسِكَ مُرَابَّاتِكَ بِجَمَلِ الشَّرَفِ  
است زنده از دست سعادتهای تو بر همان بزرگواری  
 الْأَطْوَلَ وَالنَّاصِعَ الْحَسْبَ فِي ذِي  
بسیار بلند و صاحب بسیار بزرگ در پستی  
 التَّكَامِلِ الْأَعْمَلِ وَالثَّابِتِ الْقَدَمِ  
خوابش بر کمال است و ثابت قدم  
 عَلَى زَحَايِفِهَا فِي الزَّمْرِ الْأَوَّلِ وَ  
بر مکان برایش در زمان اول  
 عَلَى إِلَهٍ الْأَخْبَارِ الْمُصْطَفَى الْأَكْبَرِ  
بر اله بر ایشان بزرگ پادشاه . بزرگوارانند

وَأَفْجِ اللَّهُمَّ لَنَا مَعَارِجَ الصَّبَاحِ  
رفیع خداوند برای ما در صبح  
 بِمَعَارِجِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ وَالْبَيْتِ اللَّهُمَّ  
بمعاری رحمت و پندار و پستگاه من و خداوند  
 مِنْ أَفْضَلِ خَلْقِ الْهُدَايَةِ وَالصَّلَاحِ  
از بهترین خلق هدایت و صلاح  
 وَأَغْرِسِ اللَّهُمَّ لِعَظْمِكَ فِي شَرْبِ  
و بار خداوند بعلت بزرگواری در آب  
 حِنَانِي بِنَائِغِ الْخُشُوعِ وَاجِرِ اللَّهُمَّ  
راحم من بنائغ خضوع و جری خداوند  
 لِهَبْتِكَ مِنْ أَمَانِكَ وَفَرَاتِ الدُّمُوعِ  
برای ترس خود از گنهای پستی در جبهه و اشکها  
 وَأَدْبِ اللَّهُمَّ تَرْقِ الْخُرُوفَ مِنْ بَارِئَةِ  
و ادب من خداوند آغوشی خوی مرا بهارهای  
 الْقُنُوعِ الْحَيِّ إِنْ لَمْ تَنْدِئْ بِنِي الرَّحْمَةِ  
خوار می شد و اگر اندیشه کند مرا رحمت  
 مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ مِنَ السَّالِكِ  
از تو بوسیله توفیق از راه پادشاه  
 إِلَيْكَ فِي وَاضِحِ الطَّرِيقِ وَأَزْكَى سَلَكِ  
به سوی تو در روشن ترین راههای است و اگر و اندازد مرا



اَنَا نَكَ لِقَائِكَ لَامِلًا وَالْمَنَى فَرِ الْمَقْدَرِ  
سکرت که بند آمد و خواهم پس است و کلامی  
 عَشْرَةَ مَرَّةً فِي الْهَوَى وَارْجِعْ  
نفرینهای من از سر راههای من پس و اگر خواستند  
 نَصْرَكَ عِنْدَ مَخَارِجِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ  
بصرت تو نزد مخرج نفس و شیطان  
 فَقَدْ وَكَلَنِي خِدْلَانِكَ  
پس تو مرا به دو کلاهت دادی و در دلت  
 حَيْثُ النَّصْبِ وَالْحِرْمَانِ إِلَهِي كُنْ لِي  
جایی که نصب و حرمان من ای من  
 أَمْنًا لِكُلِّ أَمَلٍ حَيْثُ الْأَمَالِ لَمْ عِلْفُ  
که ای من برای هر آرزویی و در آن که امید نماند  
 بِأَطْرَافِ حِبَالِكَ الْإِجْتِنَابِ عِدَّتِي  
کنار پهنای تو که است اجتناب دور کرده ام  
 ذُنُوبِي عَنْ ذَارِ الْوَصَالِ فَبَدَّلَ الْمَطْنَةَ  
گناهان من از برای وصل و ممالک پس بدلت  
 الَّتِي امْنَطَاتُ نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا فَوَاهَا  
که ای من بر سرشته بدلت من از هوسها پس و دور  
 لَهَا لِمَا سَوَّكَ كَمَا خُذُوْنَهَا وَمَنَاهَا وَتَبَا  
مرا آنچه دوست داری و او را برای آن طاعت و بدی که در آن نیست

ط

لَهَا لِحِرَابِهَا عَلَى سَيْدِي وَمَوْلَاهَا  
بیب حیرت آن ای من و صاحب است  
 إِلَهِي قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بِدَرْجَاتِي  
ای من که در درجته ای من در رحمت و در درجات بنام و در آن در درجه ششمین خورشیدی  
 وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ لِاجْتِنَابِ مِنْ فُرْطِ الْهَوَا  
و گریختم به تو ای من برای اجتناب از فتنه هوا  
 وَعَلَفْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِكَ كَأَمَلٍ  
و دور گریختم از پهنای تو ای من به دور گریختن  
 وَلَا بِي فَاصْبِرْ اللَّهُمَّ غَاكُنْتَ أَجْرَمَنُ  
و نه ای من ای خداوند ای من که گناهناکترین  
 مِنْ نَكَلِي وَخَطَايَايَ وَأَقْلَنِي اللَّهُمَّ مِنْ  
از نکرته های من و گناهانم و در آن که از من خداوند ای من  
 صَرَعِي لَدُنِّي فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَاهُ  
افتاد ای من در نزد من پس تو ای من و صاحب من  
 وَمُعْتَدِي وَرَجَائِي وَغَايَةُ مَنَابِي  
و معتمد من و امید من و پهنای من و غایت من  
 فِي مَنَافِي وَشَوَايَ إِلَهِي كَيْفَ تَصْرُدُ  
در منافی و شواهی من ای من چگونه دور گردی  
 مَسْكِنًا الْبُخَا إِلَيْكَ مِنَ الذُّبُورِ هَارِبًا  
پناهگاه را به پناه تو ای من از گناهان گریزان



أَمْ كَيْفَ تَحْبِبُ مُسْتَرَشِدًا قَصْدًا إِلَى

یا یکرده زنده میکنی راه راست خود را که راه دور و دوری

جَنَابِكَ سَاعِيًا أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمَانًا

استان تر ستان یا پیرانه روز میانی شد

وَرَدًا إِلَى جِوَاهِرِكَ شَارِبًا كَلًّا

که در آتش و بیوی و همبای تو آید چاشنی که چشیدنش

وَجِوَاهِرُكَ مَزْرَعَةٌ فِي ضَرْبِكَ الْمَحْوَلِ

و جواهرهای تو قابلیت در اصل ملک سال

وَبَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَالْوَعُولِ وَانْتِ

در راه تو گشاده است برای طلب کردن و وعده شدن و وفا

عَنَايَةِ السُّؤْلِ وَنَهَايَةُ الْمَأْمُولِ إِلَى

نهایت سوال کرده شده و نهایت امید و مأمول شده می باشد

هَذِهِ أَرْمَتْهُ نَفْسِي عَقْلَهَا بِعِفَالِ

اینها که از من نفس من که تحت زده ام اینها را بر تو سپرد

مَشْنَتِكَ وَهَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي

از اوست تو و اینها طرهای گناهان من است

دَرَاتِنَاهَا بِرَحْمَتِكَ وَعَفْوِكَ وَرَأْفَتِكَ

که در تو زده ام اینها را بر رحمت تو و عفو تو و درایت تو

وَهَذِهِ أَقْوَاتِي الْمَضَلَّةُ وَكَلِمَاتِي إِلَى

و اینها است ایها که زنده میکنی مرا با کلمات منته و کلمات به راهی

جَنَابِ لَطْفِكَ فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي هَذَا

بیت است لطف تو ای خداوند منان من را در صبحگاه من

نَارًا لَا عَلَيَّ بِصَبَاحِ الْمُدَى وَالسَّلَامَةِ فِي

آتش زنده بر من در صبحگاه من و سلامتی در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَسَافِي جَنَّةٍ مِنْ كَيْدِ

این دنیا و آخرت و مسافتی از بهر بازیگری از تو

الْعَدَى وَوَقَايَهُ مِنْ مَرْدِيَانِ الْهَوَى

و دشمنان و نگاه داشتن از یک گزند ای من بهر

إِتْنِكَ فَأَدِرْ عَلَى مَا تَشَاءُ تُؤْتِي الْمُلْكَ

بهر چیزی که خواهی بر آنچه خواهی می دهی پادشاهی

مِنْ تَشَاءُ وَتَتَرَعُ الْمُلُوكُ بِمَنْ تَشَاءُ وَتَعِزُّ

بهر که خواهی و بزرگوار می گردانی از آن که خواهی و عزیز می گردانی

مَنْ تَشَاءُ وَتُنْزِلُ مَنْ تَشَاءُ بِسِدِّكَ الْحَجَرِ

بهر که خواهی و از بلندی می کنی هر که خواهی بر سنگ است

إِتْنِكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ فَدَبِّرْ تَوَلَّى اللَّيْلَ

که تو بر هر چیزی تو توانی و در می گردانی شب را

فِي النَّهَارِ وَتَوَلَّى النَّهَارَ فَمَرُّ اللَّيْلِ وَ

در روز و در می گردانی روز را و گذشتن شب و

تَخْرُجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ

در می گردانی زنده را از مرده و بر می گردانی مرده را از



الْحَيِّ وَتَرْفُقُ مِنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ لَا  
این زننده در روزی بر سر را خاستی حساب نیست  
 إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ  
مذاتی مکرر یا کی تر خداوند را بگویم تر شغولم  
 مَرَدُّ يَعْرِفُ قُدْرَتَكَ فَلَا يُخَافُكَ وَ  
گفت که شناسد توانائی ترا پس ترسد از تو و  
 مَرَدُّ يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ الْفَتَى  
گفت که بداند کیستی ترا پس بر ندانسته باشد که الفت را وی  
 بِقُدْرَتِكَ الْفِرَوُ وَفَلَقْتَ بِرَحْمَتِكَ  
بنا بر توانائی خود یا بعبادت رسالتش بر حمت خود  
 الْفَلَوُ وَأَنْزَلْتَ بِكَرَمِكَ دَبَاجِي  
سپیده سپید را در روشن بر او اندیدی بکرم خود تا بر عیالهای  
 الْعَنِيفُ وَأَنْزَلْتَ الْمِيَاهَ مِنَ الصُّمِّ  
گفت را در روزی آبها را از سیلهای  
 الصَّبَاخِ عَذَابًا وَاجْأًا وَأَنْزَلْتَ  
صلب میان سخت بیزین و شد و نه و زود و پستادی  
 مِنَ الْمَعْصَرِ مَاءً ثَجَّاجًا وَجَعَلْتَ  
از آب برای بارنده آبی بیزان در او اندیدی  
 الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرَّةِ سِرَاجًا وَفَاجَا  
آفتاب و ماه را برای مظلومین چراغی افروخته

مِنْ غَمْرَانِ تُمَارِ سِرْفِيمَا ابْتَدَأْتَ بِهِ لُغُوبًا  
از میزبانان کوهت می توانی شد و در آن  
 وَلَا عِيْلًا جَانِبًا مِنْ وَحْدِكَ بِالْعَزْوِ  
در غم نیستی از سستی ترا نه سست و  
 الْبَقَاءِ وَقَهْرُ عِبَادِهِ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ  
و ایندی و مغلوب باشد مذکور خود بر مرگ و فنا  
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَنْبِيَاءِ وَاسْمَعْ  
رحمت بر محمد و آل او را که بر او آمده و است  
 نِدَائِي وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ  
فریاد مرا و استجابت بکن دعای مرا و حقش گردان حاصل شود  
 أَمَلِي وَرَجَائِي يَا خَيْرَ مَنْ دَعِيَ لِكُشْفِ  
آرزوی مرا و تمایلی مرا ای بهترین کسی خوانده شدی  
 الضَّرِّ وَالْمَأْمُولِ لِكُلِّ عُسْرٍ وَبُشْرٍ  
در حال را امید داشته شده برای هر دشواری و آسایش  
 بِكَ أَنْزَلْتَ حَاجَتِي فَلَا تَرُدُّنِي يَا سَتِيدَ  
بنوی فرود آورده حاجت خود را پس بازگردان مرا ای ستمگر  
 مِنْ سَعَةِ مَوَاهِبِكَ خَائِبًا يَا كَرِيمًا  
از بختهای تو خسته ای گرامی ای کریم  
 كَرِيمًا يَا كَرِيمًا عَلَيْكَ كُلُّ شَيْءٍ فَدَبِّرْ بِالْإِخَاءِ  
ای کریم بر تو هر چیزی در دست تو است هر چه خواهی و با محبت



جَدُّهُ وَجَبَّكَ اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

وَالِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصُومِينَ

نَظَائِرُ عَلَائِقُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا بَنِي سَيِّدِ الْوَحِيدِينَ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ

سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا ثَارَ اللَّهِ وَيَا بَنِي ثَمَارِهِ وَالْوَتَرِ الْمُتَوَرِّدِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِهِ وَوَحْدِهِ

حَلَّتْ بِقَدَائِكَ عَلَيْكُمْ مِنْ جَمِيعِ سَلَامٍ

اللَّهُ يَدَامَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ

حَلَّتْ لِمُصِيبَتِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى

جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَحَلَّتْ وَعَظُمَتِ

مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ

السَّمَوَاتِ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَتَتْ نَاسَ

الظُّلُمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ

لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَ

أَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ وَالتَّتِي ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ فِيهَا



وَعَرَّاهُ أُمَّةً مَقْلُوكَةً وَلَعَنَ اللَّهُ الْفَاسِقِينَ  
 وَلَعَنَ كَذِبَ مَدَارِكِهِمْ كَلْبَةً مَقْلُوكَةً مَقْلُوكَةً  
 لَمْ بِالْمَكِينِ مِنْ فِتْنَةِ الْكُفْرِ بِرَبِّهِ إِلَى اللَّهِ وَ  
 بِرَبِّهِ بِالْمَكِينِ مِنْ كَارِزَاتِهِمْ بِرَبِّهِمْ  
 إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ شَبَاعِهِمْ وَكُنَائِهِمْ  
 وَأُولِيائِهِمْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فِي سَلَامٍ لِي  
 سَالِمُكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ  
 الْقِيَامَةِ وَلَعَنَ اللَّهُ الْإِلَّافَ وَالزَّيَادَ وَالْمَرْوَانَ  
 وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ فَاطِمَةَ وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ  
 مَرْجَانَةَ وَلَعَنَ اللَّهُ عُجْمَ بَنِي سَعْدٍ وَ  
 لَعَنَ اللَّهُ شُعْبَةَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ  
 الْجَمْعَ وَتَهَيَّاتِ وَتَنْقَبَتْ لِقِيَاكَ يَا  
 كَلَامُ كَرْدِ وَأَوْدَشْتَهُ وَتَقَابَكَ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ

أَنْتَ وَافِي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ  
 فَاسْتَلِ اللَّهُ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ  
 أَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ بَارِكِ  
 مَعَ إِيَّامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي  
 عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي  
 اقْتَرَبْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحُسَيْنِ وَإِلَيْكَ  
 بِمَوْلَانِكَ وَمَا لِي أَمْرًا مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَصَبَّ  
 بِسَبِّكَ وَتَقَابَكَ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ



لَكُمْ الْحَرْبَ وَالْبَرَاءَةَ فَمَنْ أَسْرَأَ

پس تو حرب را و بپزیری از آنکه بپایان آید

الظِّلْمَ إِلَيَّ وَعَلَيْكُمْ وَأَمْرًا إِلَى اللَّهِ

ظلم را بپس من و بر شما و امر را به خدا

وَالِي رَسُولُهُ فَمَنْ أَسْرَأَ سَأَسْرَأَ ذَلِكَ وَ

و پسر او رسول او از آنکه بپایان آید پس آنرا و

عَلَيْهِ رَيْبٌ أَنَّهُ وَجَرِي فِي ظَلَمِهِ وَجَوْرِي

بر او بپشیمان آید و جاری در ظلم او و جور او

عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْبَاعِكُمْ بَرْتُّ إِلَى اللَّهِ

بر شما و بر پیران شما پزیری بهیسی خدا

وَالْيَكُمُ مِنْهُمْ وَانْقَرِبْ إِلَى اللَّهِ وَالِي

و پسر او از ایشان و نزول بهیسی خدا و پسر او

رَسُولُهُ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمَوَالِيكُمْ وَمَوْلَا لَاهِ

رسول او پس بهیسی شما و پسر شما و دوست شما

وَلَيْكُمْ وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ عَدَائِكُمْ وَالنَّاصِرِ

دوست شما و پزیری از دشمن شما و نصرت کننده

لَكُمْ وَالْحَرْبَ وَالْبَرَاءَةَ مِنْ أَسْبَاعِهِمْ وَ

دشمنان را بپس من و پزیری از پیران ایشان و

أَمْنًا عَنْهُمْ فِي سَلَامٍ لِمَنْ سَالَكُمْ وَحَرْبٌ

آمین ایشان را در سلام برای آنکه صلایت از شما و جنگ

لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَوَلِي أَمْرًا لَكُمْ وَعَدُوْلِي

و آنکه جنگ کند با شما و پسر شما و دوست شما و دشمن شما

عَادَاكُمْ فَإِنَّهُ قَبْلَ اللَّهِ الَّذِي أَصْحَرْتُمْ

دشمنان شما پیش از خدا که بر شما بیدار است

بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَاءِكُمْ وَدَرْفِي

بشناختن شما و شناختن دشمنان شما و در دوزخ و دوزخ

الْبَرَاءَةِ مِنْ عَدَائِكُمْ أَنِّي بَجْعَلْنِي مَعَكُمْ فِي

پزیری از دشمنان شما که بر دوزخ و پزیری از

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ يَبْقَى عِنْدَكُمْ

دنيا و آخرت و آنکه بماند نزد شما

فَدَمٌ صَدِيقِي لِدُنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ

دمت و دم دوست در دنیا و آخرت و

أَسْأَلُهُ أَنْ يَبْلُغَنِي الْمَقَامَ الْحَمْدُ

سوال میکنم او را که برساند مرا مقام حمد

لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ نَارِكُمْ

بر شما نزد خدا و آنکه روزی مرا طلب نازک شما

مَعَ أَيْمَانٍ مَهْدِي ظَاهِرًا جَوْنِيكُمْ وَ

با ایمانی مهدی ظاهر گردانم از شما و

أَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالْإِثْنَانِ الَّذِي لَكُمْ

سوال میکنم خدا را بحق شما و اثنان که برای شما است



عِنْدَهُ أَنْ يُخَيِّرَ بَيْنَ صَاحِبَيْكُمْ مَا خُذَ  
 تَرَوَادُ كَرَمَانَ دَرِ اسْمِهَا سَبْ بَرْدِ اَزْ يَادُ  
 مَا يُعْطِي مَصْنَعًا لِيُخَيِّرَ بَيْنَ صَاحِبَيْكُمْ  
 اِيْخْدُ عَطَا بِلَقْدِ مِصْنَعِهَا كَدِ شَسْتِ مِصْنَعِهَا  
 مَا أَغْضَاهَا وَأَغْضَاهَا رِزْقَهَا فِي الْإِسْلَامِ  
 بَرْدِ لَتِ اَنْ دَرِ بَرْدِ كَتِ مِصْنَعِهَا بَرْدِ اِسْلَامِ  
 وَبِهِ جَمِيعُ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
 دَرِ بَرْدِ اَهْلِ اِسْمَاعِيلِ دَرِ زَمِينِ  
 اللَّهُ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا تَمْتَنَّا لَكَ  
 هَذَا دَرِ اَمْرِدَانِ مَرَا دَرِ مَقَامِ مِنْ اِيْنِ اَزْ كَرَمِ اَمْرِدَانِ  
 مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ اللَّهُمَّ  
 اَزْ كَرَمِ رَحْمَتِ دَرِ مَغْفِرَتِ دَرِ اَمْرِدَانِ هَذَا دَرِ  
 اجْعَلْ مَحَبَّتِي بِمَحَبَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
 بَرْدِ اَنْ رَزَقَ كَرَمِ اَنْ رَزَقَ كَرَمِ مُحَمَّدِ وَآلِ مُحَمَّدِ  
 وَمَا نِي مِمَّا نِي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ  
 دَرِ اَنْ رَزَقَ كَرَمِ اَنْ رَزَقَ كَرَمِ مُحَمَّدِ وَآلِ مُحَمَّدِ هَذَا دَرِ  
 اِنْ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَ بِهِ بَنُو آدَمَ وَ  
 بَرْدِ اِيْنِ اَنْ رَزَقَ كَرَمِ اَنْ رَزَقَ كَرَمِ بَنِي آدَمَ  
 اَبْرًا كَلَامُ الْاَنْكَادِ وَاللَّعِينُ اَبْرًا لِّلْعَيْنِ  
 اَبْرًا خَرَنَدِ اَبْرًا لَعِينِ اَبْرًا لَعِينِ

عَلَا

اَللّهُمَّ اِنِّ اَنْتَ اَبْرًا لِّلْعَيْنِ

عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَآلِهِ  
 بَرْدِ اَنْ رَزَقَ كَرَمِ اَنْ رَزَقَ كَرَمِ نَبِيِّكَ وَآلِهِ  
 فِي كُنْهٍ مَوْجِدٍ وَمَوْجِدٍ وَقَفَّ فِيهِ  
 دَرِ اَنْ رَزَقَ كَرَمِ اَنْ رَزَقَ كَرَمِ مَوْجِدِ  
 نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْكَ وَآلِهِ اللَّهُمَّ  
 بَرْدِ اَنْ رَزَقَ كَرَمِ اَنْ رَزَقَ كَرَمِ نَبِيِّكَ وَآلِهِ  
 الْعَرَبُ بِاسْمِكَ وَمَعْرُوفُهُ بِرَأْسِكَ  
 لَعْنَتُكَ اَبْرًا لِّلْعَيْنِ دَرِ مَعْرُوفِ اَبْرًا لِّلْعَيْنِ  
 وَيُرِيدُونَ مَعْرُوفَهُ عَلَيْكَ مِنْكَ اللَّعْنَةُ  
 دَرِ اَنْ رَزَقَ كَرَمِ اَنْ رَزَقَ كَرَمِ اَبْرًا لِّلْعَيْنِ  
 اَبْدًا لَا يَدُورُ هَذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ اَلْ  
 بَرْدِ اِيْنِ اَنْ رَزَقَ كَرَمِ اَنْ رَزَقَ كَرَمِ اَبْدًا لَا يَدُورُ  
 زِيَادُ وَالْمُرْدَانُ بِقِيْلِهِمُ الْحُسَيْنِ  
 زِيَادُ اَبْرًا لِّلْعَيْنِ اَبْرًا لِّلْعَيْنِ اَبْرًا لِّلْعَيْنِ  
 صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَآلِهِ اللَّهُمَّ  
 اَبْرًا لِّلْعَيْنِ اَبْرًا لِّلْعَيْنِ اَبْرًا لِّلْعَيْنِ  
 فَصَاعِقُ عَلَيْهِمُ اللَّعْنُ مِنْكَ اَبْرًا لِّلْعَيْنِ  
 اَبْرًا لِّلْعَيْنِ اَبْرًا لِّلْعَيْنِ اَبْرًا لِّلْعَيْنِ  
 اللَّهُمَّ اِنِّي اَنْقَرِبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ  
 هَذَا دَرِ اَبْرًا لِّلْعَيْنِ اَبْرًا لِّلْعَيْنِ اَبْرًا لِّلْعَيْنِ

دَرِ اَبْرًا لِّلْعَيْنِ



وَفِي مَوْفِقِهِ إِذَا رَأَى بِأَمْرٍ جَبُونِي بِالْبِرَّةِ

در ایستادن و جابونیدن در ایستادن و جابونیدن

مِنْهُ وَاللَّهُ عَلَيْهِمُ الرَّاغِبُ

از ایشان و بر ایشان و بر ایشان

لَنَبِيكَ وَالزَّيْدُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

بر پیغمبر و بر پیغمبر و بر پیغمبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ

اول ستم کننده که ستم کرد حق محمد

وَأَخْرَجَ لَهُ عَلَى ذَلِكَ اللَّهُمَّ الْعَيْنُ

و آخر کسی که ستم کرد بر او بر آن خداوند

الْعَصَابَةُ الَّتِي جَاهَدَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ

شکری که جاهد کرد حسین بر او

السَّلَامُ وَشَابِعَتْ وَبَاعَتْ وَتَابَعَتْ

درود او پیروی کردن و پیوستن کردن و متابعت کردن

عَلَى قَبْلِهِ اللَّهُمَّ الْعَيْنُ جَمِيعًا وَصَدَّقَتْ

بر پیشانی او خداوند این همه را و تصدیق کرد

مِنْكُمْ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ

از شما و سلام بر تو ای ابا عبد الله

اللَّهُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي تَحْتَ قَبَائِكَ

خداوند بر ارواحی که تحت قبایک

عَلَيْكَ يَا بَشِيرُ

ای بشارت دهنده

الْبَلَدِ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَ اللَّهُ خَيْرَ

شهر و روز و خداوند نیکی

الْعَهْدِ مِنِّي لِنَارِ دُرُكُمْ السَّلَامُ عَلَى

عهد من از من برای آتش درویشان سلام

الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى

حسین و علی بن حسین و علی

أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

اولاد حسین و بر یاران حسین

عَلَيْهِ السَّلَامُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بر او با درود بسم الله الرحمن الرحيم

أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ بِالْعَيْنِ مِنْهُ وَأَبْدَاهُ

تو اول ظلم کننده بودی بر او و بدایه

أَوَّلَ لَامٍ الثَّانِي ثُمَّ الثَّالِثُ ثُمَّ الرَّابِعُ

اول لامی ثانوی پس سیم پس چهارم

اللَّهُمَّ الْعَيْنُ زَيْدٌ مَعُونَةٌ خَامِسًا

خداوند این زید است معونه پنجم



وَالْعَزِيزُ عِنْدَ اللَّهِ زَيْدُ بْنُ زَيْدٍ وَابْنُ مَرْجَانَةَ  
 وَعَنْ بَنِي سَعْدٍ وَشِمْرٍ وَالْأَكْبَدِيِّ سَفِيكَ  
 وَزَيْدُ بْنُ زَيْدٍ وَزَيْدُ بْنُ زَيْدٍ وَزَيْدُ بْنُ زَيْدٍ  
 مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كَيْفَ يَسْجُدُ بِرُؤُوسِهِ  
 بِكُوفَةِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ  
 الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمُ الْحَمْدُ  
 اللَّهُ عَلَى عَظِيمِ رِزْقِي اللَّهُمَّ ارْزُقْ  
 شَفَاعَةَ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ  
 الْوُرُودِ وَثَبَّتْ لِي قُلُوبَ صِدِّيقٍ وَعِنْدَ  
 مَعَ الْحَسَنِ وَأَصْحَابِ الْحَسَنِ الَّذِينَ

بنو

بَنُو الْأَمِيَّةِ مُحَمَّدٌ وَابْنُ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا مُحِبَّ عَوْنِ الْمُضْطَرِّينَ  
 يَا كَاشِفَ كُرْبِ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا غِيَاثَ  
 الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا صَرِيحَ الْمُسْتَغِيثِينَ  
 وَيَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ جَبَلِ ثَوْرٍ  
 وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَيَا مَنْ  
 هُوَ الْمَنْظَرُ الْأَعْلَى وَيَا الْأَقْوَمِينَ وَ  
 يَا مَنْ هُوَ الْوَحْدَانُ الْحَمِيمُ عَلَى الْعَرْشِ الشَّامِخِ  
 وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي

من باب



الصدق وما لا يخفى عليه من أفعاله

وَأَمَّا لَآئِقِيَّةُ فَلَهَا أَلْفٌ مِائَةٌ وَخَمْسُونَ نَفْسًا

وَأَمَّا الْغُلَّةُ الْخَافُفَةُ وَأَمَّا الْغُلَّةُ الْثَقِيلَةُ

الحسن يا مديرك كل قلوب ويا جامع

كُنْ فِي شَيْءٍ مِّثْلِي وَبِأَنَا أَرَى النُّفُوسَ بَعْدَ

لَوْ كُنَّا مِنْ مُوَكَّلٍ يَوْمَ فِشَانٍ يَأْفَا ضَعْفٍ

حاجاتنا من قس الكواثرنا من

سُبُوَالِافِ رَاوَلِیْ اَلرَّغَبَاتِ یَاکے ۲۱

يَمَانُ مِنْ كَفَى مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي

وَهُمْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ اسْتَكْبَرُوا

3.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المؤمنين وبنين المؤمنين

وَبِهِمْ نُوَخِّهِ إِلَيْكَ فِي مَقَامٍ هَذَا وَهُمْ

بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ  
وَأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ

تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّكَ عِنْدَ اللَّهِ بِرَءٍ  
اَسْتَلُكَ وَاقِمْ وَاعِزُّمْ عَلَيْكَ وَ

بِالشَّانِ الَّذِي لَمْ عِنْدَكَ وَالَّذِي

فَضَّلَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ وَبِمِكَ الَّذِي

جَعَلَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ نَحْصُصُهُمْ دُونَ

الْعَالَمِينَ فِيهِ أَبْنَاهُمْ وَأَبْنَتْ فَضْلَهُ

فَضْلُ الْعَالَمِينَ حَيْثُ فَأَوْ فَضْلُهُ خُصُّكَ

.....



الْعَالَمِينَ اسْتَعِذْكَ اَنْ يُّضِلَّنِي عَلٰى مِجْمَعٍ

جهان را که مرا گمراه سازد و مرا در مجمع

وَالْحَمْدُ وَارْتَكِشْ عَنِّي غَمٌّ وَفِتْنٌ وَكُرْبٌ

والحمد و از تنگناهی من غم و فتنه و اندوه را دور

وَتَكْفِئْنِي الْمَهْمُ مِنْ اُمُورِي وَتَقْضِي عَنِّي

و کارهای من را از دغدغه های من و برآورده کن

دَعْوِي وَتَجْعَلْ لِّي مِنَ الْفَقْرِ وَتَجْبِرْ لِي

درخواست مرا و برای من از فقر و مجبور کن

مِنْ الْفَقَاةِ وَتُعِينَنِي عَمَّا امْسَكَ اِلَيْ

از نیازها و مرا از کمبودها و از آنجا که

الْمَخْلُوقِينَ وَتَكْفِئْنِي هَمَّ مِمَّا خَافُ هَمَّهُ

از مخلوقات و برآورده کن اندوه مرا از آنکه

وَعَسْرٌ مِنْ خَافُ عَسْرٌ وَخَوْفٌ مِنْ خَافُ

و شدت اندوه مرا از شدت اندوه و ترس مرا از ترس

خَوْفُهُ وَشَرٌّ مِنْ خَافُ شَرٌّ وَمَكْرٌ

دشمنی و زیانندگی مرا از زیانندگی و مکر

مِمَّا خَافُ مَكْرٌ وَتَعْنِي مِنْ خَافُ نَعْبَهُ

از آنکه مرا از مکر و دشمنی مرا از دشمنی

وَجَوْرٌ مِنْ خَافُ جَوْرٌ وَسُلْطَانٌ مِنْ

و جور و ستم مرا از جور و ستم و سلطان مرا

اخلاص

اَخْوَافٍ سُلْطَانٌ وَوَيْفٌ مِمَّا خَافُ

ترسهای من و پادشاهی من و وفای من از آنکه

بَلَاءٌ مِمَّا خَافُ بَلَاءٌ وَنَزْدٌ عَنِّي كَيْدٌ

از بخت و ستم و نزدیکی من از آنکه

الْكِبْدُ وَمَكْرُ الْمَكْرِ اللّٰهُمَّ وَمَنْ رَاكَ فِي

مکدر و مکر و مکر خداوند و هر که تو را در

فَارِدُهُ وَمَنْ كَادَنِي فَيْدٌ وَاصْرُفْ عَنِّي

سپهر خود را و هر که مرا کینه دهد و دور کن

كِبْدٌ وَمَكْرٌ وَبَاسَةٌ وَامَانِيَةٌ وَ

کینه و مکر و پستی و امانت و

اَمْنَةٌ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَافِي شِئْتَ

از من هر چه خواهی و وفا کن هر چه خواهی

اللّٰهُمَّ اشْغَلْ عَنِّي بَقِيَّةَ لَاحِظٍ وَ

خداوند من را با مشغول کردن بقیه لحظه و

بَيْلًا لَا تَسْتَرُ وَبِقَافَةٍ لَا تَسْلُهَا

بیلایی که پنهان نکند و با قافه ای که

وَلَيْقَمٍ لَا تَغَافِقُهُ وَبِذُلٍ لَا تَعْنُ

و پستی که غافل نشود و ذللی که

وَمِمَّا كُنْتُ لَا تَجْبِرُهَا اللّٰهُمَّ خَيْرٌ

و از آنکه مرا مجبور نکند خداوند من را



بِالَّذِي نَصَبَ عَينَهُ وَادْخَلَ عَلَيْهِ  
 الْفَقْرَ فِي مَنَازِلِهِ وَالْعِلَّةَ وَالشُّمَّ فِي  
 بَدَنِهِ حَتَّى تَشْغَلَ عَنْهُ بِشْغَلٍ شَاغِلٍ  
 لَا فَرَاغَ لَهُ وَأَنْسِيَهُ ذِكْرِي كَمَا أَنْسِيَهُ  
 ذِكْرَكَ وَخَذَ عَنِّي لِمَعِيهِ وَبَصِيرَةً  
 لِسَانِي وَبَدَنِي وَرَجُلِي وَقَلْبِي وَجَمِيعَ  
 حَوَارِيهِ وَادْخَلَ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ  
 ذَلِكَ النُّقْمَ وَلَا تَشْفِهِ حَتَّى تَجْعَلَ  
 ذَلِكَ لَهُ شُغْلًا شَاغِلًا بِعَيْنِي وَعَنْ  
 ذِكْرِي وَكَفَيْتَنِي بِكَ كَافِيًا مِنْ لَابِ كَفِي

سَوَاءٌ زَانَتُكَ الْكَافِي لَادِيكَ لِي سَوَاءٌ  
 وَمَقَرُّهُ لَا مَقَرَّ جِ سَوَاءٌ وَمَعْنِي لَا  
 مَعْنِي سَوَاءٌ وَجَارٌ لَأَجَارِ سَوَاءٌ  
 خَابَ مَنْ كَانَ جَانُ سَوَاءٌ وَمَعْنِي  
 سَوَاءٌ وَمَقَرُّهُ لِي سَوَاءٌ وَمَقَرُّهُ  
 مَلْجَأِي إِلَى غَيْرِكَ وَمَنْجَاةُ مَوْجَاوِي  
 غَيْرِكَ فَأَنْتَ يَهْدِي وَرَجَائِي وَمَقَرُّ  
 وَمَلْجَأِي وَمَنْجَاةُ فَيْكَ اسْتَفْعِي  
 بِكَ اسْتَفْعِي وَنَحْمَدُكَ وَالْحَمْدُ تَوْجَاهُ  
 إِلَيْكَ وَأَتَوْشَلُ وَأَتَشْفَعُ فَاسْتَمْلِكْ



يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ  
 الشُّكْرُ وَإِلَيْكَ الْمُنْتَهَى وَأَنْتَ الْمُسْتَعَا  
 فَاسْتَلِك يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ وَيَحْيَى مُحَمَّدٍ  
 وَالْمُحَمَّدِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
 مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي  
 فِي مَقَامِي هَذَا كَمَا كَشَفْتَ عَنِّيكَ هَمِّي  
 وَغَمِّي وَكَرْبِي وَكَشَفْتَ هَوْلَ عَيْدِي  
 فَكَشِفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنِّي وَفَرِّجْ عَنِّي  
 كَمَا فَرَّجْتَ عَنِّي وَكَفِّ عَنِّي كَمَا كَفَّيْتَ  
 وَأَصْرِفْ عَنِّي هَوْلَ مَا أَخَافُ هَوْلَهُ

الحمد و شکر و در برابر  
 شکایت نمودن و زاری مدد خواسته  
 پس زاری بکنم از این  
 محمد و آل محمد و رحمت فرستی بر محمد و آل  
 محمد و از زایل کنی از من غم مرا و اندوه مرا  
 در مقام من این پس از زایل مودی از من غم مرا و اندوه مرا  
 و غم او را و اندوه او را و دفع کردی از شدت و سختی او را  
 پس زایل کن از من چنانکه زایل کردی از او و کفایت از من  
 چنانکه کفایت کردی از او و کفایت کن مرا چنانکه کفایت کردی  
 و بگردان از من و بگردان از من

وَمُؤْنَهُ مَا أَخَافُ مُؤْنَتَهُ وَهَمِّ مَا أَخَافُ  
 هَمَّهُ يَا مُؤْنَهُ يَا نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ وَ  
 أَصْرِفْ عَنِّي هَمِّي حَوَائِجِي وَكَفَايَتِي  
 مَا أَهَمَّنِي هَمَّهُ مِنْ أَمْرٍ آخِرٍ وَدُنْيَا  
 يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْكَ  
 مِنْ سَلَامِ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَ  
 النَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ  
 زِيَارَتِكَ كَمَا وَلَا فَرَقَ اللَّهُ بَيْنِي  
 وَبَيْنَكَ اللَّهُمَّ اجْنِبْنِي حَقِّي مُحِ مَدِي  
 وَذُرِّيَّتَهُ وَأَهْلِي بِمَائِهِمْ وَتَوْفِيقِي

و شقت آنچه میترسم از شقت آن و اندوه آنچه میترسم  
 از اندوه آن یا سید من بر نفس من از این  
 بگردان بر گردان ما بقیه من و دفع نمودن  
 آنچه غمگین نماید مرا و اندوه آن از امر آخرت من و دنیای من  
 ای پادشاه کرمندگان و ای ابا عبد الله بر شما  
 از من سلام الله باد ما بقی اللیل و  
 روز و در روز خدا آخر عهد من از  
 زیارت شما و جدایی نشد از خدا و میان من  
 و میان شما خداوند  
 و فرزندان من و در دین مرا و دین ایشان را و توفیق مرا



عَلَيْهِمْ وَأَحْشَرْنِي فِي زَمَرَتِهِمْ  
 بركت ایشان در زمره ایشان  
 وَلَا تُفَرِّقْنِي بَيْنَهُمْ طَرَفَةً عَرَبِيًّا  
 و جدا نفریند میان من و میان ایشان بقدر همزبون چشم هرگز  
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَيْمَنَ الْمُؤْمِنِينَ  
 در دنیا و آخرت ای پارسا شاه گردندگان  
 وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَنْتَ كَمَا زَايَرُوا  
 و ای ابا عبد الله آمد شما را شایسته گشتید و  
 مُنَوَّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ وَمُنَوَّلًا  
 تو پسر جوینده بپدی خدا پروردگار من پروردگار شما روکننده  
 إِلَيْهِ بِكُمْ وَمُسْتَشْفَعًا بِكُمْ إِلَيْهِ  
 با شما و شفاعت جوینده شما بنوی  
 اللَّهُ فِي حَاجَتِي هَذِهِ فَاشْفَعَالِي فَإِنَّ  
 خدا در حاجت من این پس شفاعت کنید برای من بپدی  
 لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامَ الْحَمِيدَ وَوَدَّ الْحَاجَّاءَ  
 مراست نزد خدا جایگاه پسندیده و درگاهدار  
 الْوَجِيهَ وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيلَةَ  
 بنیاد و جایگاه بلند و وسیله  
 أَنِّي أَنْقِلُ عَنْكُمْ مُنْظَرًا لِتُخْرِجُوا الْحَاجَّةَ  
 که من در پیشگاهم از شما انتظار دارم در حصول حاجت را

وَقَضَا

وَقَضَا ثَنَاهَا وَنَجَّاهَا مِنْ رَبِّهِ تَفَاعُنْكَ  
 و برادر من آن دروازه آن از خدا برخواست نمودن  
 إِلَيْهِ اللَّهُ فِي ذَلِكَ فَلَا أَخِيْبٌ وَلَا يَكُونُ  
 مرا بپدی خدا در این و پس امید مسکرم در بازگشتی  
 مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا خَائِبًا خَائِرًا بَلْ يَكُونُ  
 بازگشت من بازگشتی با نوسیدی در زبان بلکه هست  
 مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا مُفْلِحًا مُنْجَا مُنْجَا يَا  
 بازگشت من مفلح بپدی میزور دستکار اجابت کرده  
 إِلَيْهِ بِضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي وَتَشْفَعَالِي إِلَيْهِ  
 مرا برادر کردن بمن حاجتهای من در خواست کردن من  
 اللَّهُ أَنْقِلْ عَلَى مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ  
 خدا بازگشتی بر آنچه خواهد خدا و نه حول  
 وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مُفَوَّضًا أَمْرِي إِلَى اللَّهِ  
 و نه قوتی مگر خدا و الله ارم کار خود را بپدی خدا  
 مُلْجَا ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ وَمُؤَكَّلًا عَلَى  
 اعتماد کمره دهنم بپدی خدا و اعتماد کنم بر  
 اللَّهِ وَأَقُولُ حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى وَسَمِعَ اللَّهُ  
 خدا و میگویم بس است خدا و کفایت و شنید خدا  
 لِمَنْ دَعَا النَّبِيَّ إِلَى وَرَاءَ اللَّهِ وَوَرَاءَكُمْ  
 مرا که دعا کرد و پشت مرا بپدی خدا و پیش شما



يَا سَادَتِي مِنْهُي مَا شَاءَ رَبِّي كَانَ

ای پادشاهان من منتهی آنچه خواهد بود که اراده کند

وَمَا لَمْ تَشَأْ لَمْ يَكُنْ وَلَا حَوْلٌ وَلَا

و آنچه نخواسته یافت نشده و نیست حول و نه

قُوَّةٌ إِلَّا بِاللَّهِ اسْتَوْدِعْكُمْ اللَّهُ وَلَا جَعَلَهُ

مقتدری مگر بکنند الهی استوارم شما را خدا و نگذاشته

اللَّهُ اخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمْ مَا انْصَرَفْتُ

خدا آخر عهد از من بشما باز نگردیدم

يَا سَيِّدِي يَا ابْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَ

ای آقای من ای پادشاه مؤمنان و آقای من

وَ أَنْتَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا سَيِّدِي وَسَلَامٌ

و تو ای اباعبدالله ای آقای من و سلام

عَلَيْكُمْ مَا مَنَعَكُمْ أَنْ تَصِلَ اللَّيْلُ وَ

بشما چه مانع شده که تا شب نرسد

النَّهَارُ وَاصِلٌ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ غَيْرَ مُجَوِّبٍ

روز و شب به شما آن رسیده است باز نپاسیده شده

عَنْكُمْ سَلَامٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَاسْأَلْهُ بِحَقِّكُمْ

از شما درود من اگر خواهد خدا و بخواهید از او بحق شما

إِنْ شَاءَ ذَلِكَ وَيَفْعَلْ فَإِنَّهُ جَبَدٌ مُجِيدٌ

اگر خواهد این و بکند زیرا که او پندارنده بزرگوار است

انقلب

انْقَلَبْتُ بِأَيْدِي عَنْكُمْ أَنَا بَاحِلًا

باز گردیدم با دستهای من از شما بازگشته بسیار محال

لِلَّهِ شَاكِرٌ وَاجِبٌ إِلَّا جَابَهُ غَيْرَ آيِرٍ وَلَا

بر خدا شاکر استوار است مگر او را جابایت خدا را نه آید پس و نه

فَانِظِرْ أَبْنَاءَنَا دَارِجًا إِلَى زِيَارَتِكَ

نمایند جمیع پسران ما در میان زبانه زبانه

غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكُمْ وَلَا عَنْ زِيَارَتِكُمْ بَلَدٌ

نه درو گردان از شما و نه از زیارت شما بلکه

وَاجِعٌ عَائِدٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا

باز گرداننده و باز گرداننده اگر خواهد خدا و نیست حول و نه

قُوَّةٌ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا سَادَتِي

مقتدری مگر بکنند الهی بلند مرتبه بزرگ ای آقای من

وَعَيْتُ إِلَيْكُمْ مَا وَلى زِيَارَتِكُمْ بَعْدَ

خواستم بشما و بخواه زیارت شما بعد

أَزْهَادِيكُمْ وَفِي زِيَارَتِكُمْ أَهْلُ

از اهل من در زیارت شما و در زیارت شما اهل

الدِّينِ فَلَا خَبْرِي اللَّهِ ثُمَّ رَجَوْتُ وَمَا

دینا پس امید نکردم خدا را از آنچه بپرسیدم و آنچه

أَمَلْتُ فِي زِيَارَتِكُمْ إِنَّهُ قَرِيبٌ

امیدوارم در زیارت شما که او را و او را بپرسیدم







